گوهر شب چراغ

«جلد دوم»

www.telasm.com



الحمدلله رب العالمین و الصلوة و السلام علی خیر خلقه محمّد و آله الطاهرین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین إلی یوم الدّین .

و بعد این رسالهایست از جلد دویّم کتاب طرائف السّوانح من اللّغات و الاشعار و الطلسمات و غیرها و این جلد نیز ساعی در طبع و نشر آن جناب مستطاب شریعتمآب آخوند ملا آقای محمدی نائینی سلیل جلیل مرحوم مغفور حاجی چاوش طاب ثراه گردیدند وفقه الله تعالی بمحمّد و آله الطاهرین سلام الله علیهم اجمعین .

طریقة: گویند ختم سورهٔ مبارکه انعام بجهت هر حاجتی باین نحو است که قرائت سورهٔ مذکوره نماید و چون بکلمهٔ (رسل الله) برسد وقف نماید و برخیزد و دو رکعت نماز بجای آورد. بعد از حمد آیةالکرسی را هفت مرتبه و توحید را پنجاه بار بخواند و بعد از سلام سر بسجده نهد و هفت مرتبه بگوید: «لا اله الا أنت سبحانک إنّی کنت من الظالمین» پس سر بردارد و بقیهٔ سوره را از (الله اعلم) سر بگیرد و تمام کند. اما شروع این ختم اگر روز شنبه باشد میان نماز ظهر و عصر و سه شنبه وقت چاشت و چهارشنبه وقت نماز عصر و پنج شنبه قبل از زوال و جمعه

بعد از عصر ابتداء کند یا غروب بجهت هر مطلب مجرّب است خواجه سنجوری گوید که من این نماز را کردم و از خداوند تعالی دنیا را طلبیدم، چندان بمن عطا فرمود که هزار غلام خریدم و آزاد کردم و الله العالم.

طریقة: چون کسی خواهد که آیندهٔ شخصی یا احوال نفع و ضرر خود را معلوم کند باید که اسم سائل را با مطلب سائل امتزاج دهد و طالع وقت را ببینند که چه برج است و اوتاد طالع را با هم در سطری نوشته امتزاج دهد و بعد از آن هر دو سطر را یعنی سطر اسم و مطلب و سطر طالع را با هم در سطری امتزاج دهد و تکسیر کند ببسط تکسیر و ببیند که حروف غیر مکرر چند است بترتیب سطری سازد و مرتبهٔ دیگر بسط مقدم و مؤخر سازد که جواب شافی حاصل خواهد شد چون تکسیر محتاج بکسور حروف است در آخر حروف را بگیریم که چون محتاج شود احتیاج بفکر و سرگردانی نباشد. مثال: «م ح م د»، مطلب: سائل بسفر رود خوب است یانه؟ این اسم را با مطلب مزاج کردیم باین طریق «م س ح ف م ر د» این سطر را با سطر طالع وقت با اوتاد مزاج کنند باین طریق: جوزا طالع وقت بود اوتاد او سنبله و قوس و حوت. اولاً مزاج کردیم اولی را با ثانی و همچنین ثالث را با رابع باین نحو «ج و ز ا س ن ب ل ه» مزاج کردیم چنین شد «ج س و ن ت ا ل ه» بعد از آن قوس و حوت را با هم مزاج کردیم چنین شد «ق ح و ق س ت» این سطر را با سطرات اسم و مطلب که مزاج کردیم چنین شد «م ج س ق ح س ق ح م و ر و د ن م و س ز ح س ف ب م ت ب ا د ل ه د» این سطر باید که بسط تکسیر نماید و جواب حاصل کند. مثلاً میم: نِصف (ک) رُبع (ی) خُمس (ح) ثُمن (ه) و عُشر (د) دارد. مجموع حروف را باید که چنین تکسیر کند و بعد از آن یکبار دیگر تکسیر صدر و مؤخر کند تا زمام بیرون آید و

حروف اول را بگیرد که احوال گذشته سائل ظاهر گردد و حروف آخرش را بگیرد که احوال آینده معلوم شود این است بیان استکشاف امور.

طریقة: گویند جفر در لغت بمعنی پوست بزغاله است یا آنکه بمعنای چاه روشن است و گویند اسم جعفر در اصل جفر بوده و الحاق عین بجهت اشارهٔ بان است که از زمان واضع حقیقی این علم که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام است تا زمان شارح و مکمل و مفصل آن که حضرت صادق علیه‌السلام است هفتاد سال بوده، که عدد عین می‌باشد.

طریقة: گویند در حروف تهجی یازده حرف است که آنها را جفریان حروف شفا گویند هرگاه بر عضوی از اعضای آدمی دردی پیدا شود باید که یک حرف از اول آن عضو درد ناک بردارد و یک حرف از حروف شفائیه مذکوره و مبسوط ساخته بر موضع درد بندد، در حال ساکن شود انشاءالله بفرمان الهی. مثلاً از برای درد سر باین طریق نویسد بسم‌الله الرحمن الرحیم

«ر ب ر ج ر د ر ه ر و ر ز ر ح ر ط ر ی ر ک و لا» یا شافی کلّ مریض.

و بعضی حروف عضو مریض بالتّمام حرف حرف بعد از آن نویسد و بعضی بر میان آن نویسد فتامل.

طریقة: گویند بجهت جلب دراهم نوشتن و خواندن این دعا نافع خواهد بود انشاءالله اللّهم اقبض لی خمسة محمدیّات مثلا من فلان بن فلان کما قبض محمّد صلّی الله علیه و آله غنائم الخیبر بحقّ یاقابض یاباسط بِرَزّاقِیَّتِکَ کما قلت تبارکت و تعالیت فی کتابک «و یرزقه من حیث لا یحتسب».

طریقة: گویند روز دوشنبه چون آفتاب از میان برگردد بنویسد و بر درخت آویزد

زود بیاید «فتنادوا، فتنادوا، فتنادوا، فلان بن فلان علی فلان بن فلان».

طریفة: گویند نقل است از شیخ سلیمان آنکه هرگاه اراده کنی که ببینی در خواب آنچه را که می‌خواهی پس بخوان این دعا را بیست و پنج مرتبه و حال آنکه بوده باشی با وضو: «اللّهم بنبوّت الإلهیّة و عظمة الصمدانیّه و سطوة الربوبیّه و عزّة الجبروتیه و قدمة الفردانیّه و قدرة الوحدانیه أنْ تصلّی علی محمّد و آل محمّد ﷺ و أنْ ترینی کذا و کذا.

طریفة: نوع دیگر که گویند از مجرّبات است بجهت دیدن مقصود در خواب آن است که بنویسی این کلمات را و بگذاری در دست و بخوابی تا عجایب بینی بشرط طهارت بدن و رخت و فراش و وضو و تنها بودن و نترسیدن و اتیان بآن در شب جمعه یا شب دوشنبه یا شب پنجشنبه:

بطیطن و ش ها د ماساو عنا بمسو هسواس لحصو ... [illegible]

و باید چشم‌های «ها» و «طا» و «واو» و «عین» و «میم» گشاده باشد و پر نباشد.

طریفة: قیل حکی عن شیخناالبهائی «رض» انّه لمّا سأله سائل عن سهو النبی ﷺ عن کون الصدوق «ره» معتقداً بذلک أجابه بأنّ ابن بابویه اولی بالسهو عنه ﷺ.

طریفه: گویند هر گاه زیرۀ سبز را بکوبند و در سوراخ مورچه ریزند بیرون نیایند.

طریفة: گویند بجهت دولت و ثروت و کفایت مهمات در روز چهارشنبه سوری که چهارشنبه آخر ماه صفر بوده باشد سر خود را بتراشد و در وقت تراشیدن این دعا را بخواند: «بسم‌الله و بالله و علی سنة رسول‌الله صلی‌الله علیه و آله، اللّهم صلّ علی محمّد و آل محمد کما صلّیت علی ابراهیم و بارک علیهم کما بارکت علیه و ترحّم علیهم کما ترحّمت علیه إنّک حمیدٌ مجیدٌ یا ربّ». و همچنین در هر هفته در هر

چهارشنبه سر خود را بتراشد و در وقت تراشیدن همین دعاء مذکور را بخواند تا روز چهارشنبه آخر ماه صفر دیگر بدون فاصله این عمل را بجای آورد هنوز سال تمام نشده باشد که حق تعالی او را چندان دولتی دهد که از ضبط آن عاجز شود و مهمات او راکفایت فرماید وگویند این عمل آزموده و مجرّب است.

طریفة: گویند نقش کردن باب متصل که مبنی است بر ۲۲ حرف بر دیوار خانه یا صندوق یا دور حصاری، موجب آن است که همهٔ آنها در امان خدا از شر دزدان باشند و آن این است . *

ا ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت

طریفة: من اراد دخول الحمام للنّورة فلیجتنب الجماع قبل ذلک باِثنی عشر ساعة و هو یوم تمام.(۱)

طریفة: گویند هر که در وقت طلوع آفتاب این دعا را سه مرتبه روی در آفتاب نموده بخواند از درویشی خلاصی یابد انشاءالله:

«سبحان ربّ ذي‌الشمس نوّره و سوّره و دوّره و بقدرة جلاله یسّره.

طریفة: گویندا‌گر سوره والعصر را برکسی خواند که تب داشته باشد تب او زائل شود.

طریفة: گویند اعتقاد بعضی اطباء از آن است که جماع با ثیّبه أنفع از جماع با بکر است ، چه در جماع بکر لزوم تعنّت و إتعاب و تنفّر طبع از قذارت دم بکارت است بر خلاف آن با ثیّبه .«لکاتبه: مشروط بر آنکه پیر نباشد».

طریفة: گویند هرگاه زیبق را با توتیای هندی و «س ف ر د ل ن ه» مقطّر بجوشانند کشته خواهد شد.

www.telasm.com

طریفة: گویند شیرهٔ زیرهٔ سبز رابرموضع ارضه[3] بمالند دیگر ارضه برنیاید.

طریفة: گویند در شب نیمهٔ شعبان مستحب است سه نوبت سورهٔ یس بخوانند، اول بجهت طول عمر. دوم بجهت غنی. سیّم رفع بلیّات. و عقب سوره این دعاء را بخواند: «اللّهم إنّک علیمٌ ذو أناة و لا طاقة لنا فاغفرلنا بحلمک یا أرحم الرّاحمین».

طریفة: گویند بجهت اطلاع بر حال مستقبل در نیمهٔ شب وضو ساخته و دو رکعت نماز کند و بعد از نماز سه مرتبه صلوات بفرستد و رو بقبله هر یک از این چهار اسم را صد بار بخواند و در مصلی بخوابد، آنچه مطلوب باشد در خواب بیند انشاءالله: «یا هادی اهدنی، یا علیم علّمنی، یا خبیر اخبرنی، یا مبین بیّن لي».

طریفة: گویند مداومت بر ذکر «الشهید» ما بین شام و خفتن موجب گردیدن از اهل باطن و مطاعیّت بین الخلائق خواهد بود.

طریفة: گویند در جامع ترمذی آورده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند که: آیة الکرسی را در میان مال نهند یا بر فرزند بندند از همهٔ بلاها محفوظ ماند.

طریفة: گویند از اصحاب منقول است که چون این حروف را بر صنادیق أقمشه و بر دیوارهای باغ و سرا نویسند خداوند تعالی آنها را از دزد و آفات محفوظ دارد انشاءالله تعالی: ا ل م ک ه ی ع ص ط س ح ق ن

طریفة: عن النبیّ صلی الله علیه و آله من قرأ القرآن و عظم الناس فکأنّما صام و أفطر ببوله.[4]

طریفة: عن مولانا الصادق علیه السلام انه قد قتل في کربلاء قبل الحسین علیه السلام مأتی نبیّ و مأتی وصیّ ومأتی سبط[5].

طریفة: گویند اگر کسی خواهد از امر پنهانی آگاه شود سه شب متعاقب وضو سازد و دو رکعت نمازگذارد و بعد از نماز یکصد و پنجاه مرتبه اسم «علیم» را تکرار نماید و با وضو صلوات گوید تا در خواب رود از عالم غیب آن امر بدو نمایند.

طریفة: عن ابی‌عبدالله علیه‌السلام: «لَقضاء حاجة امرىء مؤمن أَحَبُّ إِلَيَّ مِن عِشرين حِجَّة ينفق فيها صاحبها مأة أَلْف»(۶).

طریفة: قيل لحصول المهمّات يقرء بعد صلوة الصبح أربعين مرّة:

«يا باسط اليدين بالرحمة ارحمنى».

طریفة: قيل ان جبرئيل علیه‌السلام نزل على ابراهيم علیه‌السلام خمسين مرّة و على موسى علیه‌السلام اربعمأة مرّة و على عيسى علیه‌السلام عشرة مرّات و على محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله اربع و عشرين الف مرّة.

طریفة: قيل اول من عذّب بالجدرىّ قوم فرعون ثم بقى بعدهم(۷).

طریفة: قيل الجلنار بضم الجيم و فتح اللام المشددة لاغير زهرة الرّمان معرب(۸).

طریفة: فى الحديث: «عليكم بحسن الجوار و حسن الجوار يعمر الدار». قيل ليس حسن الجوار كفّ الأذى فقط بل تحمّل الأذى منه ايضاً.(۹)

طریفة: قيل الزعفران بضم الفاء لا غير.

طریفة: فى الحديث: «من لبس ثوباً بشهرة ألبسه الله ثوب المذلّة»(۱۰).

طریفة: قيل طهران قريه باصفهان و قرية بالرّى.

طریفة: ذوالثديه لقب رجل من الخوارج اسمه ترملة (۱۱) قتل يوم النهروان و هو تصغير الثدى و دخول التاء بلحاظ كون الثدى بمعنى اليد و هى مؤنثه و ذلك أنّ يده كانت قصيرة مقدار الثدى.

طریفة: قیل فی الحدیث: «الطاعون دعوة نبیّکم صلی الله علیه و آله و هی قوله صلی الله علیه و آله: اللّهم اجعل فناء امتی بالطاعون».

طریفة: قیل المراد من ابن اروی فی الاخبار هو عثمان بن عفان اروی امّه[۱۳].

طریفة: قیل ذکر ابن الاعرابی ان للّه تعالی الف اسم و للنبیّ صلی الله علیه و آله الف اسم و احسنها محمّد و محمود و احمد.

طریفة: قیل: «أقلّ المؤمنین منزلةً فِی الجنّة من له فیها مثل الدنیا عشر مرّات»[۱۴].

طریفة: فی الحدیث البرق مخاریق الملائکة (المخاریق جمع مخراق و هو فی الاصل ثوب یلف و تضرب الصبیان بعضهم بعضاً). [۱۲]

طریفة: فی الحدیث عن الصادق علیه السلام قال: شکت اسافل الحیطان إلی الله عزّوجلّ من ثقل أعالیها، فأوحی الله تعالی إلیها یحمل بعضک بعضاً[۱۵].

طریفة: فی حدیث اوصاف قم عن علی بن محمد العسکری علیهما السلام عن رسول‌الله صلی الله علیه و آله إلی أن قال الراوی فسألت علی ابن محمد العسکری علیهما السلام متی ینتظرون الفرج؟ قال علیه السلام: اذا ظهر الماء علی وجه الارض ای ارض قم فتأمّل.[۱۶]

طریفة: فی الحدیث کان ما بین أکل آدم علیه السلام من الشجرة و بین ما تاب‌الله علیه فخرج منها خائفاً یترقّب ثلث مأة سنة من أیّام الدّنیا.

طریفة: قیل فی قوله تعالی «و یقول الکافر یا لیتنی کنت تراباً» أراد بالکافر هنا ابلیس عاب آدم علیه السلام بأن خلق من تراب و افتخر بالنّار فیوم القیمة إذا رأی کرامة آدم علیه السلام و ولده من المؤمنین قال «یا لیتنی کنت تراباً»[۱۶].

طریفة: فی الحدیث تجدید الوضوء لصلوة العشاء یمحو «لا والله و بلی والله»[۱۷].

طریفة: گویند امور غریبه که در عالم ایام بواسطهٔ امور سماویّه باشد آن را طلسم گویند و اگر بواسطهٔ اجرام عنصریّه باشد آن را نیرنج گویند.

طریفة: گویند هرگاه زاج را بر آتش نهند از رایحهٔ او موش و مگس و امثال آن هلاک گردند.

طریفة: یکی از حکماء ربّانیّین میفرماید: مقام توصیف غیر از مقام تسمیه است در مقام اوّل ما را میرسد که خداوند تعالی را باوصاف کمالیّه بخوانیم اگر چه موصوف را کما هو حقّه نشناسیم، بخلاف مقام ثانی که موقوف است بمعرفة مسمّی چه اسم دالّ بر مسمّی است و مارا بمعرفت ذات او تعالی راهی نیست از این جهت است که می‌گویند اسماء الله توقیفیّه است و بدون رخصت از شارع أقدس جایز نیست. فافهم.

طریفة: قاعدهٔ وصفیّة الهیه مکشوفة للرّاقم الآثم بعد الرّیاضة العلمیه و السّریّة فی الأخبار الأئمة المعصومیّة علیهم‌السلام و هی الدّین الخالص لیس فیها شوب من مشارب اهل الشّوب من الفلاسفة و المتفلسفة و المتصوفة و سایر المتبدعة فخذها بقوة من العقل الفطری و النّور السّریّ بالإذعان و الیقین وکن من الشاکرین و الحمد لله رب العالمین و حاصل مفادها بالإختصار آنکه در مقام ستایش الهی دو مرحله را باید رعایت نمود، یکی مرحله تحمید و یکی مرحلهٔ تسبیح . اول عبارت از آن است که خداوند تعالی را وصف نمائیم بصفاتی که خود اثبات فرموده درکلام مبارک خود و خبر داده بآنها معصومین از انبیاء و اوصیاء علیهم‌السلام را نه غیر بجهت عدم استقلال عقل در این مقام بلکه آنچه را عقل بآن راهی دارد آن است که وصفی راکه خود اوکمال قرار داده از برای او اثبات کنیم تا تعطیل کلی لازم نیاید آن هم از باب مفاد «و إنّ النمل الصغار تزعم أنّ لله زبانیتن» [۱۸] و تا اینکه سدّ ابواب مدحات و توجّهات و دعوات و ترجیات نشود و دارائی اشیاء صفات کمالیه را از صقع أقدس او دانیم لا

غیر، و در واقع توصیف در این مقام بمعنی اثبات صفت نیست بلکه بمعنای نسبت دادن صفتی است که خود نسبت داده بخود تعبداً و امتثالا چنانکه گویند شمّسته یعنی نسبت دادم او را بشمس و لنعم ما قیل:

در هویّت نیست نه نفی و نه اثبات و نه سلب

زانکـه از ایـنها هـمه آن بی گمان بالاستی

و مرحله دویّم عبارت از آن است که خداوند تعالی را منزّه و مقدس دانیم از جمیع آنچه در وهم مخلوق درآید از صفات متصوره کائنه ما کانت بمقتضای «کلما میّزتموه باوهامکم ...»(۱۹)الخ حتی از این تنزیه نیز او را تنزیه باید کنیم بجهت آنکه آنچه از عرصه امکان از اعیان و اذهان بظهور رسد از جنس عالم امکان خواهد بود و با واجب تعالی هیچ مناسبتی نخواهد داشت «إنّ الله خلو من خلقه و خلقه خلو منه» و الطریق مسدود و الطلب مردود و در کلام حضرت امیرالمؤمنین و امام الموحدین سلام الله علیه کمال التوحید نفی الصفات عنه کمال دلالت بر این مرحله میباشد و آنچه درکلام علمای اسلام آمده از اینکه صفات الهیه اتحاد با ذات واجبی دارد یا عین ذات اوست محمول بر حقیقت نیست چه اتحاد تابع بامتبوع أعنی صفت باموصوف معقول نیست با آنکه مسلمی کل ایشان است که ذات،مجهول مطلق و غیب مرسل است و صفاتی راکه باذات متّحد میدانند مثل علم و قدرت و هکذا از برای آنها معنی قرار می‌دهند مثل انکشاف و توانائی و غیر آنها پس این صفات نزد ایشان مجهول نیست و چگونه می‌شود متّحد باشند با ذاتی که مجهول مطلق است بلکه شاید مراد ایشان همان مرحلهٔ اولی باشد بنحوی که تقریر یافت با تلمیح بمرحلهٔ ثانیه فتأمل . و راقم آثم در این مقام و هنگام تحریر این کلام متذکر

وقتی از اوقات مشرقات سابقهٔ خود در وقت صلوة ظهرین در حالت تعقیب در اوان قبل از بلوغ در حین صبی یا زمان رهاق که نفس را کلیة در آن حال احتوائی است بر انحاء اشراق و استوائی است بر سریر صفاء اخلاق و رزانتی است در خصائل سلیمه مستقیمه و صیانتی است از رذایل ذمیمهٔ مستقیمه گردید که در آن وقت حالتی ملکوتیه اقبالیه دست داده فطرت اولیهٔ او از مبدأ فیاض مسألت حالیه و مقالیه نمود که بار إلها این مادهٔ ساذجه غیر قابله را صوری از علوم ربّانیه کامله افاضت فرما. در آن حال و مقام بدون شوب اوهام در حالت یقظه نه منام بگوش سر و قوّهٔ سامعه بشارت ساطعه باجابت این مسألت لامعه شنید و الحمدلله علی نعمه الصوریة و المعنویه . لهذا بعد از این تذکر او را علی الفوریّه الآنیه هیئت اذعانیه و کیفیت اطمینانیه بصحت قاعدهٔ مذکوره در صفات سبحانیه حاصل گردید چه باحتمال رجائی فؤادی و امکان وقوعی یا استعداد محتمل است آنکه تجلی آن قاعده از شئونات متولد آن بشارت و قادت بوده باشد والله المتعال غایة الآمال و رجاء کل بال و لله الحمد علی کل حال.

طریقة: گویند گوگرد زرد و سیماب با هم بکوبند خوب تا آنکه مخلوط هم شوند که اثر هر یک نماند بعد از آن شیشه را تا بگردن بگل بگیرند و این معجون را درآن شیشه کنند و بحرارت آتش گذارند و در شیشه را بگیرند و بقدر سوزنی باز گذارند و بآتش گذارند یعنی حرارت آتش تاآنکه بخار او تمام شود پس در او را محکم کنند و نگذارند تا سرد شود که شنجرف می‌شود انشاءالله.

طریقة: گویند صفت گل حکمت بدین گونه است: رست سرخ و موی سر آدمی و خاکستر و خاک برنج و اگر خاک برنج نباشد بنمک و سرگین بسازند.

طریفة: ایضا گل حکمت باین طریق ساخته می‌شود: خاک کوزه‌گری دو جزء ریگ نرم یک جزء خاکستر یک جزء نمک یک جزء موی بز مقرض قدری.

طریفة: گویند نمک قلیا باین طریق باید گرفت که قلیای سیاه را کوفته در دیگ کند و آب بکند و بجوشاند و بگذارند تا سرد شود و نمک قلیا بسته بقلیا چسبیده است بکار برند.

طریفة: گویند زیبق و نقره براده کرده و شنگرف در شیشه کند و بگل حکمت گیرند شیشه را و موم حکمت بر سر شیشه گیرند که قائم شود و یک شبانه روز در آتش تند گذارند یا در تون حمام تا عقد شود مثقالی بر پنج مثقال مس طرح کنند نقره شود انشاءالله.

طریفة: گویند اسم حضرت رسول صلی الله علیه وآله را بر این صورت که مذکور می‌شود بنویسند و در میان نام طالب و مطلوب نویسد که مجرب است.

طریفة در اسامی فلزات طلا را شمس گویند، نقره را قمر، قلع را مشتری، مس را زهره، سرب را زحل، آهن را مریخ، نوشادر را عقاب، زرنیخ را علم، کبریت را عروس، طلق را کوکب الأرض، زاج سفید را شب گویند.

طریفة: در حل العلم بیاورند زرنیخ سه مثقال با نوشادر یک مثقال در زیر زبل اسب دفن کنند هر روز زبل را تازه باید کرد که روز بروز تا هفت، که آنچنان حل شود که بتوان نوشت.

www.telasm.com

طریفة: در جواهر مکنونه آورده بجهت خلاصی از شدائد خواندن «یا رؤف یا رحیم» پانصد و چهل و چهار بار بدون زیاده و کم از جمله مجربات حقیر است.

طریفة: فیه ایضاً بجهت دفع دشمن از روز پنج شنبه تا یک هفته هر روز صد و چهل و شش مرتبه بگوید «حسبی الله» که البته رفع می‌شود و نقل می‌کنند تجربهٔ در او را و در سایر مطالب.

طریفة: في الحديث يكتب فى بياض بعد البسملة:«اللّهم إنّى أتوجّه بأحبّ الأسماء إليک و أعظمها لديک و أتقرّب و أتوسّل إليک بمن أوجب حقّه عليک بمحمّد و علىّ و فاطمة و الحسن و الحسين و علىّ و محمّد و جعفر و موسى و على و محمّد و علىّ و الحسن و محمّد المهدىّ صلوات الله عليهم اجمعين اكفنى شرّ كذا و كذا»، ثم يطوى الرقعه و تجعلها فى بندقة طين ثم اطرحها فى ماء جار او بئر فإنّه سبحانه يفرّج عنک و مثّل حول الورقة : 

و فى نسخة هكذا:

طریفة: روى عن النبىّ صلى الله عليه وآله انه قال لا راحة في الدنيا الاّ فى ثلث ترک الدنيا و طلب العلم و صحبة الصالحين.

طریفة: السخاوة و الجود عن طوال امتى و اليمن و الخير فى اواسط امّتى و الشوم و اللّوم فى قصار امتى.

طریفة: از حضرت امیرالؤمنین علیه السلام مروی است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله در شدت و اضطراب چون گفتی «یا حیّ یا قیّوم» در حال فرج رسیدی و از برای وسعت رزق در اوقات سحر تا طلوع آفتاب بسیار مؤثر است.

طریفة: قیل لرؤیة ما یرید فی النّوم «و عنده مفاتیح الغیب ...الی و هو اسرع

الحاسبین» فی اواسط سورة الأنعام کتبها فی خرقه کتان ثم وضعها تحت رأسه و سأل الله تعالی أن یریه ما اشتبه علیه فإنّه یراه انشاءالله.

طریفة: قیل لتعلیق «إنّا فتحنا لک فتحاً مبینا»«إن تستفتحوا قد جاءکم الفتح» في العضد الأیمن لجلب الرزق أثر عظیم.

طریفة: قیل از جهت ازدیاد ثروت و دولت مداومت بر قرائت سوره «ق» نافع و مجرّب است.

طریفة: در طریقهٔ داروی بی هوشی گویند تریاک[81] جوز بو امشک[82] قدری داخل پیش دماغ هرکه رساند بی هوش شود، سرش در آب سرد فرو برد بحال آید.

طریفة: گویند هرگاه برگ چغندری را بجوشانند و بر موی مالند سیاه شود.

طریفة: گویند بجهت رفع درد دندان، بار درخت چنار که تیغ دارد بر سر قلیان آبی گذارند و بکشند مجرب است.

طریفة: گویند بجهت ردّ گم شده خواندن «ناد علی» مفید است.

طریفة: گویند خواندن این دعا بجهت دولت عظیمه و قضاء حوائج و اداء دین مفید است چنانچه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آنرا تعلیم اعرابی فرمودند و میراث کثیری باو رسید و هفت خم زر پیدا کرد از برکت آن:«بِسْمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیم اللّٰهُمَّ إنّي أسْئَلُکَ یا فارجَ الهُمُوم وَ یا کاشِفَ الغُمُوم وَ یا حَيُّ یا قَیُّوم یا رَحمٰنَ الدُّنْیا وَ الآخِرَةِ وَ رَحیمَهُما یا اَحَدُ یا صَمَدُ یا فَرْدُ یا وِتْرُ یا ذَالجَلالِ وَ الإکرام یا اللهُ یا رَبِّ یا مالِکُ یا مَنْ لَم یَلِد وَلَم یُولَد ولَم یَکُن لَهُ کُفُواً اَحَدٌ یا رَبَّ الأرباب و یا مالِکَ الرِّقاب و یا مُنْشِیءَ السَّحاب الثِّقال یا مسبِّبَ الأسباب و یا مفتِّحَ الأبواب صَلِّ عَلی محمَّدٍ و آله و افتَح لی اَبواب کَرامَتِک و اَبواب رَحمَتِک و اَبواب نِعمَتِک و اَبواب خَیرِک و

اَبواب شُکرِک و اَبواب عِنایَتِک و اَبواب عافِیَتِک و اَبواب اِحسانِکَ و اَبواب أَمْنِکَ یا رَئوفُ یا رَحیم یا سَمیعَ الدُّعاء یا لَطیفاً بِالعِباد صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّد اسمَع کَلامي و اسْتَجِب دُعائی اللّهُمَّ إنّي أعُوذُ بِکَ مِن شَرِّ الجِنِّ و الإنس و أعُوذُ بِکَ مِن البُخلِ وَ الجُبنِ و أعُوذُ بِکَ مِن غَلَبَةِ الدَّین و قَهرِ الرِّجال بِرَحمَتِکَ یا أرحم الرّاحمین و صَلَّی اللهُ علیٰ مُحَمَّدٍ و آلِه».

طریقة: گویند سزاوار است طالب از اسماء الهیّه اسم مناسب مطلوب خود را پیدا کند مثلاً طالب عزّت اسم عزیز را و هکذا پس اولاً یک مرتبه این اسم را بخواند اگر مقصود حاصل شد فبها و إلاّ بعدد حروف بخواند اگر حاصل شد و إلاّ بعدد ملفوظی و بخواند اگر حاصل شده و الاّ عدد ملفوظی و مکتوبی کواکب سبعه و جهات ستّ و موالید ثلاثه بخواند و ملفوظی در اصطلاح اهل جفر سه حرفی را گویند که آخرش از قسم اول نباشد و آن سیزده حرف است «الف جیم دال ذال سین شین صاد ضاد عین غین قاف کاف لام» و مکتوبی سه حرفی را گویند که آخرش از قسم اول باشد و آن سه حرف است «میم،نون،واو» و مسروری دو حرفی را نامند و آن دوازده حرف است «با تا ثا حا خا را زا طا ظا فا ها یا» و حروف اول را در این اصطلاح زُبُر گویند و باقی را بَیِّنات و در ملفوظی دو حرف بیّنات است و بیّنات مسروری را چندان اعتباری نیست و طریق إعراب جفری بنابر قاعدهٔ مرتضویّه چنین است هفت حرف مفتوح است «ا و ی ل م ن ع» هفت حرف مکسور است «ه ز ش ت ذ ص ط » و هفت حرف مضموم «ز ک س ن ت ح » و هفت حرف مجزومند «خ د را غ ض ق ب».

طریقة: گویند پودنهٔ خشک را در آب جوشانیده و آن آب رابر چوب ریزند

ارضه پیرامون آن چوب نگردند.

طریفة: گویند هر که سه مرتبه یا هفت مرتبه این دعا را بجهت حرکت کسی از جای خود بخواند مؤثر خواهد بود انشاءالله تعالی: «اِعْتَصَمْتُ بِکَ یا رَبِّ مِن شَرِّ ما أجِدُ في نفسی فَاعْصِمْني مِنْ ذٰلِکَ».

طریفة: نقل عن الشیخ فی کتاب مصباح الأنوار عن المفضّل قال دخلت علی الصادق علیه‌السلام ذات یوم فقال یا مفضّل هل عرفت محمّداً و علیّاً و فاطمةَ و الحسن و الحسین کنه معرفتهم ؟ قلت لا قال علیه‌السلام یا مفضل من عرفهم کُنهَ معرفتهم کان مؤمناً. قلت عرّفنی ذلک یا سیدی. قال علیه‌السلام یا مفضّل تعلم انّهم علموا ما خلق الله عزّ و جلّ و انّهم کلمة التقوی و خزّان السموات و الأرض و الجبال و الرمال و البحار و علموا ما فی السماء من نجم و ملک و وزن الجبال و ماء البحار و انهارها و عیونها و ما تسقط من ورقة الاّ علموها و لا حبّة فی ظلمات الأرض و لا رطب و لا یابس الاّ فی کتاب مبین و هو فی علمهم و قد علموا ذلک. فقلت یا سیدی قد علمت ذلک و أقررت و آمنت قال نعم یا مفضل نعم یا مکرّم نعم یا طیّب طبت و طابت لک الجنة و لکلّ مؤمن بها(۲۴).

طریفة: گویند چون در وقت بیع و شری آیهٔ «قالُوا ادْعُ لَنا رَبَّکَ یُبَیِّن لَنا ما هِیَ إنَّ الْبَقَرَ تَشابَهَ عَلَینا وَ إنّا إن شاءَاللهُ لَمُهْتَدُون» (۲۵) را بخواند در آن معامله غبن نبیند و ایضاً این دعا را بخواند «یا مُخَیِّر یا مُختار یا مَنِ الْخَیرُ بِیَدِهِ یا خَیرَ دَلیلٍ یا دَلیلَ الْخَیر یا مُرشِدُ یا هادِي».

طریفة: گویند اگر کسی اسم «الرقیب» را بر در سرائی نویسد اهل آن سرا از معاصی محفوظ مانند انشاءالله.

طریفة: گویند چون کسی اسم «ذوالجلال والإکرام» را بر خاتمی نقش کند و با خود دارد هر چه از خدای تعالی طلب کند بیابد انشاءالله.

طریفة: گویند بجهت شفاء و درد سینه آیهٔ «رَبِّ اشْرَحْ لي صَدري ...الی يَفْقَهُوا قَولي»[۲۶] را سه بار بر سینه بمالند رفع خواهد شد انشاءالله.

طریفة: گویند بجهت درد دندان بر کاغذ نویسند «لِکُلِّ نَبَأٍ مُسْتَقَرٌّ» را و بر دندان نهد درد ساکن شود.

طریفة: گویند از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام مروی است که هر که هزار غین بنویسد و با خود دارد و این اسم را ورد خود سازد «یا غنیّ» خداوند تعالی چندان مال باو عطاء فرماید که مردم متحیّر مانند و این دعاء نیز ورد خود سازد «یا غنیّ ربّ غنیّ کریم» .

طریفة: گویند اگر کسی از سورهٔ زخرف آیهٔ «وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَن خَلَقَ السَّمٰوٰاتِ وَ الأرضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ العَزيز العَليم... إلى قوله إلىٰ رَبِّنا لَمُنْقَلِبُون»[۲۷] را بخواند تا در خواب رود کسی را بیند که اوراارشاد کند واوراز حیرت و سرگردانی خلاصی دهد.

طریفة: گویند مروی است که در هر ماه نو که هلال راببینی از اول بگو: «بسم الله الرحمن الرحيم إنّا فَتَحنالَکَ فَتحاً مُبيناً لِيَغْفِرَلَکَ اللهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِکَ وَ ما تَأَخَّرَ وَ يُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيکَ وَ يَهدِيَکَ صِراطاً مُستَقيماً و يَنصُرَکَ اللهُ نَصْراً عَزيزاً» در آن ماه فتح و نصرت یابی و اگر سورهٔ مبارکهٔ تبارک در اول ماه بخوانی تا آخر دولت و جمعیت بینی و در نزد هر ماه نو بأسماء دوازده امام علیهم‌السلام باید نظر کرد و از انگشت شهادت دست راست در دست چپ همین اسماء را بنویسید و بر روی خود مالند در آن ماه فرح و شادی و فتح یابند.

طریفة: گویند این عزیمتی است مشهوره بعزیمت امّ موسی علیهاالسلام بجهت فتح جمیع بستگیها و فتوحات کلیّه و جزئیه میخوانند و آثار عظیمه بینند حتی جهت قفلهای بسته میخوانند گشوده میشود و بجهت تسکین درد اعضاء بسیار مجّرب است : «بسم الله الرحمن الرحیم یا فتّاحٌ بِلا مِفتاح افتَحْ لَنا بِحُرمَةِ اُمِّ مُوسیٰ حریاثٍ مریلاثٍ شریاثٍ شیثاثٍ کیراثٍ طثناثٍ تخفیفٍ بوحایضٍ نوحابضٍ نوخابدٍ نوشابدٍ یا جامرتٍ یا کافلنا یا راحلنا یا بَختینا یا تَحیَیه بوخآء بنت لاوی یعقوب علیه‌السلام یا مجري الفُلک فِی البَحر بِأمرِه إنَّکَ بِالنّاس رَؤُوفٌ رَحیمٌ سَخِّرلي کذا و کذا» وآنچه خواهد اسم برد که البتّه مجرّب است انشاءالله تعالی.

طریفة: گویند روایت است آنکه هرکه در هر روز جمعه میان دو نماز این آیهٔ مبارکه را در یک سطر بنویسد و با خود درکیسه‌ای نگاه دارد هرگز کیسهٔ او از زر خالی نباشد و دولت وگشایش بروی رو آورد و نعمت و روزی او فراوان گردد و بتجربه رسیده : «بسم الله الرحمن الرحیم وَ لَقَد مَکَّنّاکُم فِی الأرضِ وَ جَعَلنالَکُم فیها مَعایِش قَلیلاً ما تَشکُرُون»(۲۸).

طریفة: گویند سوختهٔ زاج را با سوختهٔ جو و زغال چوب بید و زبد البحر بر دندان بمالند موجب سفیدی و استحکام بُن آن خواهد بود و همچنین هرگاه عسل را با نمک در پارچه نموده بر دندان مالند.

طریفة: گویند از جناب سلمان فارسی (رضی الله تعالی عنه) روایت است که هر کس ده روز بعد از نماز صبح قبل از سخن گفتن باکسی سورهٔ یس را بخواند و این دعاء را قبل از تلاوت سورهٔ مبارکهٔ مزبوره ده مرتبه بخواند بهر حاجت که بخواند روا شود و اگر روا نشود بر من لعنت کند چراکه اسم اعظم خداوندی در این دعاء است

و دعا این است: «بسم الله الرحمن الرحیم یا قَدیمٌ یا دائِمٌ یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا فَردُ یا وِترُ یا واحِدُ یا اَحَدُ یا صَمَدُ یا مَن لَم یَلِد وَلَم یُولَد وَلَم یَکُن لَهُ کُفُواً اَحَدٌ وَ صَلَّی اللهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِه اَجمَعین بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الراحِمین».

طریفة: قیل إذا أردت أن تجعل القرطاس دِرهَما تغتسل یوم الجمعه و تلبس ثیابا جدیداً او نظیفة و تصوم ذلک الیوم و تصلّی رکعتین فی موضع خال ثم تقطع مقدار ما ترید قرطاسا علی سکّة سلطان سلیمان و یکون شفعاً لا وترا ثمّ اقرء علیها ثلث مرّات سورة الإخلاص معکوسة کما تری عند طلوع الشمس و تنفث علیها ثمّ تقوم و تجیء إلی بیتک ثمّ تمشي إلی المکان المذکور یحصل مقصودک بإذن‌الله و هذه سورة الاخلاص معکوسه:

بسم الله الرحمن الرحیم و هو هذه «احد کفواً له و لم یکن و لم یولد و لم یلد الصّمد الله احد الله هو قل»(۲۹).

طریفة: فی کتاب الحدیقة النّاظرة إنّ بعر الغنم إذا أحرق و سحق و عجن بخلٍّ و طلی به اللّسعة العقربیّة نفعها و کذا وضع الفضة علی الموضع و ینفع اللّسعة الزنبوریّة الکراث إذا دقّ و جعل لطوخاً.

طریفة: گویند هرگاه کسی را مهمّی پیش آید یا در کاری متحیّر باشد باید در خلوتی رود و باعتقاد درست دو رکعت نماز بگذارد و بعد از آن این دعا را بخواند و سر به سجود نهد و مقصود از خداوند تعالی بخواهد و بر خیزد و رو به آسمان کند و یکبار دیگر این دعا را بخواند اگر مطلوب در زیر کوه قاف باشد خداوند تعالی آن را باو برساند بقدرت خود و دعاء این است:

«آمنت بِالعِزَّةِ وَ الجَبَروُت وَ کَفَرتُ بِالجِبتِ وَ الطّاغُوت وَ تَوَکَّلتُ عَلَی الحَیِّ الَّذي

لایَمُوتُ بِرَحمَتِکَ یا أرحَمَ الرّاحِمین» و از حضرت سجّادعلیه‌السلام منقول است که فرمودندبخداسوگندکه دعانکردم باین دعاءبرای هیچ امری مگرآنکه مستجاب شد.

طریقة: طریقهٔ استخارهٔ منسوبهٔ بحضرت بقیةالله عجّل اللّه تعالی فَرَجَه که در نزد جمعی از اکابر علماء بتجربه رسیده در موارد لا تحصی آن است که اولاً سه مرتبه صلوات بفرستد و قبضه‌ای از سبحه را بگیرد از جانب شیخهٔ سبحه و جفت جفت طرح نماید اگر فرد بماند خوب است و اگر جفت بماند بد است . و در بعضی از نسخ آمده که اوّلاً سورهٔ فاتحه را تا إهدنا الصّراط المستقیم بخواند و این کلمه را سه مرتبه تکرار کند و سه دفعه این دعاء را بخواند «یا مَنْ یَعلَم إهدِ مَن لا یَعلَم» و اگر خواهد درجهٔ خوبی را نیز بفهمد یک دفعهٔ دیگر استخاره بجهت ترک از فعل که مثلاً خوب آمده بکند اگر ترک آن بد آمد آن فعل در أعلا درجهٔ خوبی خواهد بود وإلاّ خوبِ وسط خواهد بود و همچنین میتوان درجات رجحان فعل و ترک را باین نحو تشخیص داد و اگر سبحه صد دانه باشد شاید بهتر باشد کما لا یخفی.

طریفة: قد جاء فی الحدیث أن صفیّة أعتقت غلاماً تطولاً و ماتت صفیّة و مات معتقها و لم یخلف نسباً و ترک مالاً فقال علی علیه‌السلام میراثه لی و لأخی و قال الزّبیر بل إرثه لي وکان فی عهد عمر فحکم للزّبیر بذلک فقال علی علیه‌السلام هذا خلاف لما ورد به الشرع فإنّ ولاء العتق المرئة یکون لعصبتها و هم عاقلتها و لیس لأولادها[۳۰]

طریفة قیل عن ابن الصّید کل کلمة فیها «صاد و قاف» فیها اللغات الثلاث کبصاق و براق و بساق.

طریفة: فی الحدیث کان علیه السلم إذا أکل مع قوم کان اکثرهم اکلاً و ذلک للرأفة و المماشاة.

طریفة: قیل قد یعبّر عن ابی بکر بابن آکلة الذّبّان و الذّبّان بالکسر جمع الذّباب بالضم کغُراب.

طریفة:گویند از علائم ظهور حضرت قائم علیه السلام طلوع کوکب داود علیه السلام است (۳۱).

طریفة: اطباء طب جدید میگویند آنکه استعمال دخانیات در حین نظر به کتاب مضر بچشم خواهد بود.

طریفة: فی بعض الکتب اعلم وفّقک الله تعالی إنّ هذا هو الإسم الأعظم المشهور بالحجاب الکبیر «شاه شاه» و هو للحجب عن الأعداء من الملوک و الأمراء و أرباب الدّول من ذوی الغدر و العناد و الهیبة و العظمة و الجلال و قد نلت السعادة فی الدارین یا حافظه و قاریه فداوم علیه تنل مطلوبک انشاءالله تعالی و تغلب عدوّک و له شرح طویل و خواص کثیرة و قد طرحت ذکرها لضیق المجال و هو هذا:

بسم الله الرحمن الرحیم شاهٍ شاهٍ سارمٍ سارمٍ هلوبٍ هلوبٍ هلوبٍ طَلسومٍ طَلسَمٍ أبّومٍ حَیُّومٍ قَیُّومٍ طابَ وَلأبَ باروحٍ وطاعٍ بغیالٍ مقطوعٍ سلهوبٍ دیالٍ مقطوعٍ یاسعٍ مَهایعٍ اللّهُم أسألک بِسِرِّ هذه الأسماء العظام أنْ تحجبنی عن شرّ مَنْ بغانی بسوءٍ مِنْ خَلقِکَ مِنَ الجنّ و الإنس و أنْ تهیج روحانیة محبّتهم علیّ بِسِرِّ إسْمِکَ الخفیّ یا خَفِیّ السّرِّ یا عظیم و لا حول و لا قوّة إلاّ بالله العلیّ العظیم».

طریفة: گویند طریقهٔ استخراج ازکلام الله المجید آن است که مدّعیٰ را نوشته و جمع نموده و جمع را با عدد حروف سر سور قران برابر و مطابق نموده و آن حروف سر سور که مطابق جمع مدعی شده را تکسیر کند تا زمام بهم رسد در سطور تکسیر منصوباً و مغلوباً ملاحظه کند جوابی مطابق سؤال خواهد بود و این سرّ را از ناأهل پنهان دارد که قاعده‌ای است درست و صحیح.

طریفة: دیگر آنکه مطلبی راکه داری قصد کن و ازکلام الله المجید تفألی نموده مصحف راگشوده و از سطر اول دست راست حروف غیر مکرر آن را بیرون نوشته ملاحظه نماید که چند حرف است کسورات همان حروف را حرف بحرف در زیر همان حروف نوشته و بعد وضع مکررات حروفات کسورات را در یک سطر نوشته ملاحظه نماید وقتی که حروف خالصه را جمع نمود از آن چه جواب بیرون خواهد آمد همان جواب مدعیٰ است اگر خواهی حروف خالصه را تکسیر نما که بزمام برسد و در سطر تکسیر جواب مطابق سؤال خواهد بود و الله الموفق للصواب.

طریفة: گویند یکی از طرق ناطقهٔ جفریّه این طریقه است که حروف سؤال را نوشته و وضع مکررات نموده و خلاصهٔ حروف را ملاحظه نماید که چند حرف است و کسورات همان حروف راکه بمنزلهٔ مستحصله است نوشته و مکررات حروف کسور را نیز وضع نموده و ملاحظه نموده که بعد از وضع مکرّرات کسور چند حرف باقی مانده را بترتیب نوشته تامّل نماید که چه عبارت بیرون میاید از او که آن جواب سؤال تو خواهد بود و بمنزلهٔ وحی است هرگاه عملی کنی از نااهل پنهان دار و بپوش که مرخص نفرموده‌اند.

طریفة: گویند یکی از طرق تفال کلام الله تعالی بطریقهٔ جفریّه ان است که صد مرتبه صلوات فرستاده آیهٔ «و إِذْ قَتَلْتُم نَفْساً فَادّارَأْتُم فيها وَاللهُ مُخرِجٌ ما كُنتُم تَكتُمُون» خوانده و تعیین مطلب نموده بهل یکون کذا و هکذا پس قران مجید را گشوده سطر اول صفحه یمنی را متطّع نوشته اخراج نموده تنمه ملفوظی و مسروری و ملبوبی جدا نموده از هر یک حرفی برداشته بادی را مقدم داشته بعد آتشی بعد آبی بعد خاکی بعد تکسیر نموده در سطور تکسیر جواب حاصل شود

انشاء الله تعالی ملاحظهٔ کسور حروف نماید ملفوظی الف مسروری با ملبوبی واو طبایع بطریق اهطمفشذ است.

طریفة: قال الحکماء البلاهة ادنی الی الخلاص من فطانة بتراء.

طریفة: طریق محلوب نمودن طلق آن است که طلق و نخ را در کیسهٔ کرباس بریزند با سنگ ریزها و بدست بمالند و بهم فشرند و بدوشند تا طلق همچو شیر بیرون آید و آن را خشک کنند و الله العالم.

طریفة: گویند در مدینه طیبه عرق شخص ، خوش بوی شود و از هوای او بوی خوش آید.

طریفة: گویند حجرالاسود در آب غرق نشود و از آتش گرم نگردد.

طریفة: قیل الواد المهروز کلمة فارسیّة من هرز الماء و هو الزّیادة علی المقدار المحتاج الیه.

طریفة: قیل کلّ شیء یقدر حتی العجز و الکیس ، و الکیس ضدّ العجز و هوالنشاط.

طریفة: فی الحدیث لا تلبس القرمز لأنّه من اردیه ابلیس.

طریفة: قیل قال الکفعمی (ره) الأبالسة ذکور و اناث یتوالدون و لا یموتون بل یخلدون فی الدنیا کما یخلد ابلیس بخلاف الجنّ فإنّهم یتوالدون و یموتون.

طریفة: قیل قد یطلق لفظ المذهب علی الکنیف و بیت الخلاء کما هو المستعمل فی بعض الأخبار.

طریفة: قیل ما ورد من تحریم الغیبة علی العموم حتی للفاسق المصرّ کما مال إلیه بعض ، کلها من طرق اهل الخلاف لمن تدبّر ذلک.

طريفة: الهندباء نافعة للمعدة و الكبد و الطحال و للسعة العقرب ضماداً باصولها.

طريفة: فی الخبر انه لعن السّلتاء و المرهاء قيل السلتاء من لا تختضب من النساء كانه سلت الخضاب من يدها ای قطعت و المرهاء من لاكحل فی عينها(۳۲).

طريفة: فی الخبر لا تتزّوجن لفوتا ای مرأة ذات ولد(۳۳).

طريفة: اذا ثنيت الخصيه قلّت الخصيان باسقاط التاء.

طريفة: فی الخبر رأس العقل بعد الايمان بالله مدارات الناس(۳۴).

طريفة: قيل فی الحديث الفرق بين النفس الزاكية و النفس الزكيّه أنّ الاولی نفس لم تذنب قطّ و الثانية نفس اذنبت ثم غفرلها هكذا فی النسخة و الظّاهر انه بالعكس فتأمل.

طريفة: فی الحديث لا بأس بكوامخ المجوس و هی جمع كامخ، قيل و هو الذی يؤتدم به **اقول:** لعله الذی يصنع فی بلدتنا نائين و توابعها من اللبن و عجين الدقيق و الفودنج و يعبر عنه بكامه فی لسانهم(۳۵).

طريفة: فی الحديث من لم يأخذ العلم عن رسول الله ﷺ يمصّون الثماد و يدعون النهر العظيم (۳۶)، قيل الثماد هو الماء القليل الذی لا مادة له.

طريفة: قيل انّ يأجوج اسم للذكران و مأجوج اسم للاناث و ان التّرك قبيلة منها كانت خارج السدّ لمّا رمّه ذوالقرنين فأمرهم بتركهم خارج السد فلذالک سموا تركا.

طريفة: فی حديث قال صلی‌الله عليه و آله أتزعم يابن عباس انّ الله تعالی يقسم بالسماء ذات البروج يعنی به السماء و بروجها قلت يا رسول الله فماذاک، قال امّا السماء فأنا و امّا البروج فالأئمة بعدی اوّلهم علی عليه السلام و آخرهم المهدی صلوات الله عليهم اجمعين(۳۷).

طریفة: ان جعل القلیل من صمغ الأنجدان فی ثقبة الاحلیل انعظ انعاظا قویّا.

طریفة: بجهت رفع و دفع گرفتاری و وقوع در ورطات طواری این دعا نافع بل مجرب است در مواقع بهر عدد و هفتاد یا صد اشدّ و اسدّ اثراً خواهد بود بمشیّة الله تعالی:«بسم‌الله الرحمن الرحیم و لا حول و لا قوة الاّ بالله العلی العظیم اَللّهُمَّ إیّاکَ نَعبُدُ وَ إیّاکَ نَستَعین»

طریفة: قیل اکتب هذه الحروف علی کف یدک و ضِع علی المریض الذي ترید امتحانه و انظر هل یضحک ام لا فإن ضحک یخلص من المرض و إن لم یضحک یمت و هی هذه: هـ هلا ل مکلا هط هم ص هے

طریفة: قیل لرفع الحذر المخشن العارض للسن و هو المعبر عنه فی عرف الطب بالضرس دلک الملح مع اللبن الحلیب نافع جداً انشاءالله تعالی.

طریفة: گویند ابدان مهزوله دماء آنها اکثر از دماء ابدان سمینه می‌باشد چنانکه قدرت بر جماع نیز در آنها اکثر است.

طریفة: قیل من طلب المال بالکیمیا افلس.

طریفة: عن ابن عباس فی قوله تعالی «و من الأرض مثلهن» قال سبع ارضین فی کلّ أرض نبیّ کنبیّکم و آدم کآدم و نوح کنوح و ابراهیم کابراهیم و عیسی کعیسی علیهم‌السلام (۳۸).

طریفة: فی الحدیث الولد یکون من البیضة الیسری فإذا قطعت ففیها ثلثا الدیة و فی الیمنی ثلث الدیة.

طریفة: فی المناقب قال عمران الصّابی للرضا علیه‌السلام ما بال الرجل اذا کان مؤنثا و المرأة إذا کانت مذکرّة قال علیه‌السلام علّة ذلک انّ المرأه إذا حملت و صار الغلام منه فی

الرحم موضع الجارية كان مؤنثا و إذا صارت الجارية موضع الغلام كانت مـذكّرة و ذلک انّ موضع الغلام فى الرحم مما يلى ميامنها و الجارية مما يلى مياسرها(۳۹).

طريفة: عن الشيخ فى الشفاء انّ القبجة تحبلها ريح تهب من ناحيه الحجل و من سماع صوته **اقول** هذا ممّا يكسر سوره استعباد بعض الحكـماء العـظام اسـتحبال مريم عليها السلام من النفخة الإلهية فافهم.

طريفة: قيل مما يستدل به على ان الجسد المثالى موجود فى حال الحيوة ايضاً الحديث المروى فى تفسير قوله يا من اظهر الجميل من انّ فى العرش تمثالاً لكل عبد فإذا اشتغل العبد بالعبادة ارادت الملائكة تمثاله و إذا اشتغل بالمعصية امرالله تعالى بعض الملائكة يحجبوه باجنحتهم لئلا تراه الملائكة فذالک معنى قوله «يا من اظهر الجميل و ستر القبيح» فافهم.(۴۰)

طريفة: فى الحديث النبوى صلى الله عليه و آله يا على عليه السلام ان ارواح شيعتک تصعد إلى السماء فى رقادهم و وفاتهم فتنظر المائكة اليها كما ينظر الناس الى الهلال شوقاً إليهم و لما يرون منزلتهم عندالله عزّ و جل الخبر(۴۰).

طريفة: فى الحـديث «لو لا ان يـدخل النـاس زهـو (اى كـبر) لسـلّمت عـليهم الملائكة قبلاً» (۴۱).

طريفة: انّ للعلم طغياناكطغيان المال **اقول** باطن هذا الحديث و ظاهره يقصم ظهر اهل الباطن و اهل الظّاهر فتامل ظاهراً و باطناً.

طريفة: الفرسخ التام خمس و عشرون غلوة.(۴۲)

طريفة: قيل القرء عند اهل الحجاز «الطهر» و عند اهل العراق «الحيض».

طريفة: قيل در زبان لاتينى حرف عين ندارند و بجاى حرف عين حـرف الف

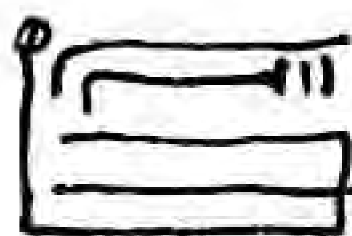
میاورند چنانچه علیا را ایلیا و علی را آلی و کنعان را کنئان می‌نویسند و در بعضی از زبانها درآخر اسماء حرف سین می‌آورند چنانکه در اناجیل عربیّه مثلاً علیا را ایلیا می‌نویسند و در فارسیه الیاس و آمنه را آمنیس می‌نویسند.

طریقة: گویند هرکه در روز اول ماه فروردین پیش از آنکه سخن گوید پارهٔ از شکر تناول کند از آفات آن سال محروس ماند انشاء الله تعالی.

طریقة: گویند زر متکوّن نشود مگر در زمین ریگ ناک و کوهی که احجار رخوه داشته باشد بر خلاف سیم و آهن و نحاس و کبریت که متولد نشود مگر در زمین نمناک و خاک نرم و رطوبات دهنیّه.

طریقة: گویند دخان زیبق بصر را ضعیف کند و بسا باشد که کور نماید چنانکه محمد بن زکریا در حال شباب کیمیاگر بود و کور شد و بغداد رفت نزد طبیبی بجهت معالجه طبیب هزار دینار گرفت و بقراضه مداوا نمود. محمد گفت کیمیا آن است که قراضه‌ای را بدل به هزار دینار کنی نه آنکه دو چشم را دربازی بعد از آن به علم طب مشغول گردید.

طریقة: گویند این اشکال را بخط حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام یافته‌اند بجهت رفع درد سر بنویسند و با خود دارند که مجرب است:



طریقة: گویند بجهت حفظ از تخفیف و توهین در مجلسی که وارد شوی بگو پیش از سلام هنگام ورود: «اذهل اهبل اسبل سلام علیکم».

طریقة: گویند حروف خواتیم را که هفت حرف منفصله عبارت از آنها است مثل ارز رزولا در ضبط مال و خانه و انعام مؤثر یافته‌اند در چهاردهم هر ماه نویسند بر

حصار خانه یا در پای صندوق نقش نمایند یا تعویذ اسب و غیره نمایند خواص عجیبه از آن بظهور رسد انشاءالله.

طریفة: گویند از برای ورد ناد علیﷺ بطریق معروف هفتصد خاصیت ذکر کرده‌اند و درکافهٔ مهمات او را مؤثر دانسته از جمله خواص مذکوره این است که بجهت شفاء مرض صعب العلاج هفتاد بار آن را بر آب باران بخوانند و به بیمار دهند شفاء یابد انشاءالله و اگر کسی رسولی بجائی فرستد سه مرتبه او را درگوش او بخواند بمهمّی که رود زود ساخته شود انشاءالله.

طریفة: فی خواص ناد علیﷺ ذکر فی کتاب شفاء الصدور انّه إذا قرأها الانسان سبعاً و اربعین او ثمانیة و اربعین مرة فی اول ساعة من یوم الجمعة فانّه یحبه کل احد حتّی عدوّه و لتحصیل العلوم و الحکمة تقرء فی کل یوم وقت صلوة الظهر سبعین مرّة و لقبول السلاطین و جلالته عندهم تقرء ستّة ایّام کل یوم مأة مرّة و صورة القرائه هکذا:

نـــاد عـــلیاً مـــظهر العـــجائب　　　تـــجده عـــونا لک فـــی النـــوائب
کـــل هـــمٍّ و غـــمٍّ ســـینجلی　　　بولایتک یا علیّ یا علیّ یا علیّﷺ

مع اعتصامها و اختتامها اثنتی عشرة مرّة یوم الجمعه قبل طلوع الشمس متوجّهاً الی نحو المشرق اولاً یبدء بالإعتصام ثم الإختتام و بعد الفراغ یدعو بدعاء رجال الغیب و بعد ذلک یقول یا رجال الغیب بحرمة ناد علی التی ذکرتها فی هذا الوقت اقضوا حوائجی کلّه کبیرها و صغیرها و لا تعوقوها ثم یتوجه الی القبلة و یدعو بما احب فانه تقضی حاجته انشاءالله تعالی قبل وصوله الجمعة الاخری و اقصیٰها الی ثلث جُمَع و هو مجرّب. امّا الإعتصام فهو :«یاالهی صمدی من عندک مددی و علیک

معتمدی ایاک نعبد و ایّاک نستعین». و اما الاختتام فهو: «یا غیاث المستغیثین أغثنی یا علی علیه‌السلام ادرکنی انا من اعدائک بریء بریء» و امّا دعاء رجال الغیب فهو: «السلام علیکم یا ارواح المقدسة اعینونی بقوة و انظرونی بنظرة یا رقباء یا نجباء یا ابدال یا اوتاد یا قطب یا غوث اغیثونی بحرمة محمّد و آله و احبّائه و اتباعه و اشیاعه صلی‌الله علیهم اجمعین».

طریفة: قال بعض العلماء ان القادر العالم الحکیم دبّر تعلق جوهر النفس بالبدن علی ثلثة اوجه احدها ان یقع ضوء النفس جمیع اجزاء البدن ظاهرة و باطنة و ذلک هو الیقظة و ثانیها ان ینقطع ضوء النفس عن البدن بالکلیّه و هو الموت و ثالثها ان ینقطع ضوء النفس عن ظاهر البدن دون باطنه و هو النوم.

طریفة: قیل الأب مشتق من ابوت الصبی ابواً ای غذوته.

طریفة: قیل انّ آسیة امرأة فرعون کلما اراد فرعون ان یمسّها تمثّلت له شیطانة یقاربها وکذلک فی عمر مع ام کلثوم.

طریفة: فی الحدیث لا شیء انکی (ای اوجع و اضرّ) لإبلیس و جنوده من زیارة الإخوان[۴۳].

طریفة: گویند از تجربیّات حاذقین اطباء آن است که در ابتدای بروز دملها تار عنکبوت بسرکه تر نمایند و برآنها ضماد نمایند رفع آنها می‌کند و همچنین ضماد طحلب یعنی خرقة الضّفادع که جل وزغ باشد بر آنها سریع الأثر است و ایضاً گویند در آغاز دمل موم را نیم گرم کرده بر آن گذارند نافع خواهد بود انشاءالله تعالی.

طریفة: گویند اگر کسی را فرزند نشود بنویسید آیهٔ «قل اللّهم مالک الملک ...»[۴۴] و او را در آب اندازد و آب آن را بیاشامد.

طریفة:

من از اعـداد دیـدم یک عـدد را کزو شش طرح می‌کردی نشد کم
و گر هم بر سرش شش میفزودی از آن بسـیار افـزون مـی‌نشدهم
چو بر اسرار او واقـف شـوی تـو نگه دارش بضبط خویش محکم
کــه از تأثـیر آن چــندان بـیابی یــقین دانـی رمـوز اسـم اعـظم

عدد جمع واحد ۱۹ نقصان ۶ تتمه ۱۳

عدد جمع ابد ۷ الحاق ۶ جمعاً ۱۳

عدد بسط واحد بدون بینهٔ واو

که مسروری است ۱۶۱ نقصان ۶ تتمه ۱۵۵

عدد بسط احد ۱۵۵

عدد بسط ابد ۱۴۹ الحاق ۶ جمعاً ۱۵۵ (پس یقین شد که احد اسم‌اعظم‌است).

طریفة: گویند از سید محمد گیسودراز نقل است که خواندن اسم اعظم در پنج وقت نماز بعد از هر نمازی یک مرتبه موجب ده فائده می‌شود مثل استجابت دعاء و سلامت ایمان و عدم تکاهل در نماز و روشـنی چشـم و آسـانی جـان کـندن و سهولت سؤال قبر و اداء قرض و رفع سستی بدن و زیادتی قوت و روشنی قلب و آن این است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم یا شمعوا یا شغلتنا یا کادَیا یا نوراً ادشـه الله اَعـلم اللّـهم احفظنی من جمیع الآفات و العاهات و بحق التوریة و الإنجیل و الزّبور و الفرقان و صلی‌الله علی خیر خلقه محمّد و آله اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین».

طریفة: گویند بجهت عدم اطلاع نااهل صورت اسم اعظم را باین رمز نوشته‌اند و

آن اسم شریف یازده حرف است چنانکه در یواقیت المواقیت گفته است و صورت مزبوره این است:

طریفة: گویند اگر کسی این آیه را صد نوبت بخواند اگر زیر شمشیر باشد نجات یابد: «فوقهم الله شرّ ذلک الیوم و لقّهم نضرةً و سروراً»(۴۵).

طریفة: گویند هر که فندقی با خود دارد از لذع عقرب ایمن شود.

طریفة: گویند اگر خون از جایی بگشاید سرکه بر آن ریزد بآن ایستد و اگر بدان طلا کنند صداع را بنشاند اگر از حرارت باشد.

طریفة: گویند مویز معده را قوت دهد و اگر با تخم خورند شکم را ببندد و اگر بی تخم خورند اطلاق آورد.

طریفة: گویند اگر از پوست جوز هندی که نارجیل باشد فتیله سازند و در چراغ نهند و برافروزند و در میان جمع نهند در حال خواب برایشان غالب شود.

طریفة: گویند اگر تخم خربوزه را در میان گل نهند تا بوی گل گیرد و بعد از آن بکارند از خربوزه بوی گل آید.

طریفة: گویند اشنان دندان را جلا دهد و رائحه او سرفه را زایل کند.

طریفة: گویند اکثار در اکل بادنجان مورث جذام خواهد بود.

طریفة: گویند وقت کشتن پیاز هر گاه وقت طلوع باشد ثمره او بسیار خوب خواهد شد و در وقت کشتن بذر آنان باز کنند که بغایت خوب شود.

طریفة: گویند سیر بریان شده درد دندان را زایل کند و از خواص سیر آن است که مداومت بر اکل آن رافع بخر صعب العلاج می‌باشد.

www.telasm.com

طریفة: گویند اگر نخود را بجوشانند در آب و آن آب را مضمضه نمایند درد دندان را فوراً بنشاند.

طریفة: گویند حیّات از چوب گل بگریزند و هرگاه ماری کسی را در نزد درخت گل بگزد مهلک نبود و اگر اول گلی که از اکمام بیرون آید بسه انگشت گیرند بدست چپ و در چشمها کشند درد چشم را نافع بود و در قوت باصره بیفزاید و اگر خار در اعضاء شکسته شود گل را بدان طلا کنند بیرون آید.

طریفة: گویند اگر کبریت اصفر را بر موضع لسع مار فشانند بتکرار نافع بود و طلای نفط نیز برآن نافع خواهد بود وگویند صاحب درد شکم اگر نیم مثقال از نفط را بخورد نافع خواهد بود.

طریفة: گویند اگر پوست جوز را بسوزانند رماد آن قروح را خشک کند و اگر جوز را با پوست بسوزند موی را سیاه کند.

طریفة گویند اگر ورق توت سیاه را با آب باران بپزند بهر خضاب موی، بغایت نیکو بود واگر بعصارهٔ ورق توت حامض مضمضه کند از بهر رفع درد دندان نافع بود.

طریفة: گویند اگر مسماری از ارزین سازند و در زیر ساق درخت انارکوبند جملهٔ ثمرات او باصلاح آید چنانکه از او هیچ نیفتد.

طریفة: گویند ضماد خشخاش بر پیشانی بجهت درد سر نافع است.

طریفة: گویند ریواس طاعون را دفع کند و بصر را تیز کند.

طریفة: گویند شرب نمودن از ظرفهای مسین اسهال آورد و بهتر آن است که هر چه در آنها پخته شود زود بیرون آورند تا گرم است و الاّ مضرّ خواهد بود.

طریفة: گویند بجهت سرفه کهنه که سریعاً و فوراً علاج می‌شود سه چهار دانه

سیر خشک را بجایند و آب آن را بیندازند انشاءالله مؤثر خواهد بود.

طریفة: گویند اگر برگ بارهنگ را روی او بر زخم گذارند التیام یابد و اگر پشت آن را بگذارند باعث اشتداد زخم خواهد شد.

طریفة: قیل اذا کسد متاع فلیکتب هذا الدعاء و یجعل فی وسط المتاع:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله و الله اکبر سبحان الله و الحمدلله کثیرا اللّهم انّی اسألک من فضلک و رحمتک فإنّها بیدک لا یملکها احدٌ غیرک و صلّی الله علی محمّد و آله».

طریفة: گویند بجهت رفع شپش و جانور دیگر از بدن کندر را با روغن کنجد بجوشانند و بربدن مالند وایضاً پوست انارترش رابا روغن بجوشانند و بر خود مالند.

طریفة: گویند تریاک مصنوعی باین نحو ساخته می‌شود: مصطکی یک مثقال، کوکنار یک من، نشاسته یک وقیه، زعفران یک مثقال، اجزاء مذکور را بجوشانند تا چهار یک شود پس از آن خشک کنند و ورز دهند.

طریفة: گویند هرگاه کسی مشغول یکی از اعمال جفریّه مقرره شود این آیه راکه «بَلیٰ قٰادِرینَ عَلیٰ اَنْ نُسَوِّیَ بَنٰانَه» باشد بخواند یا آنکه بر کف دست راست خود نویسد علی قولٍ بر عمل او آثار نافعهٔ مترتب خواهد گردید انشاءالله و شاید این امر در شروع در هر عملی نافع بوده باشد فاحفظه عن الأغیار و ضِعه فی حرز الاسرار.

طریفة جفریةٌ: در استکشاف احوال آینده گویند حسین بن منصور حلاج در کتاب سرّ الاسرار ذکر نموده که سؤال سائل یا مطلب خود را با طالع وقت و اوتاد طالع جمع نماید و جموع را بسط تکثیر نماید و حروف راکه ازکسورات مستخلص است جمع کند و خلاصه کرده تکسیر نماید که البته از سطور تکسیر کلمه‌ای که

جواب شافی تواند بود از سؤال بیرون آید. اما اصلیّه آن است که جواب مطابق سؤال باشد یعنی عربی را عربی و فارسی را فارسی و غیره هر چه باشد اصل حصول تطابق است.

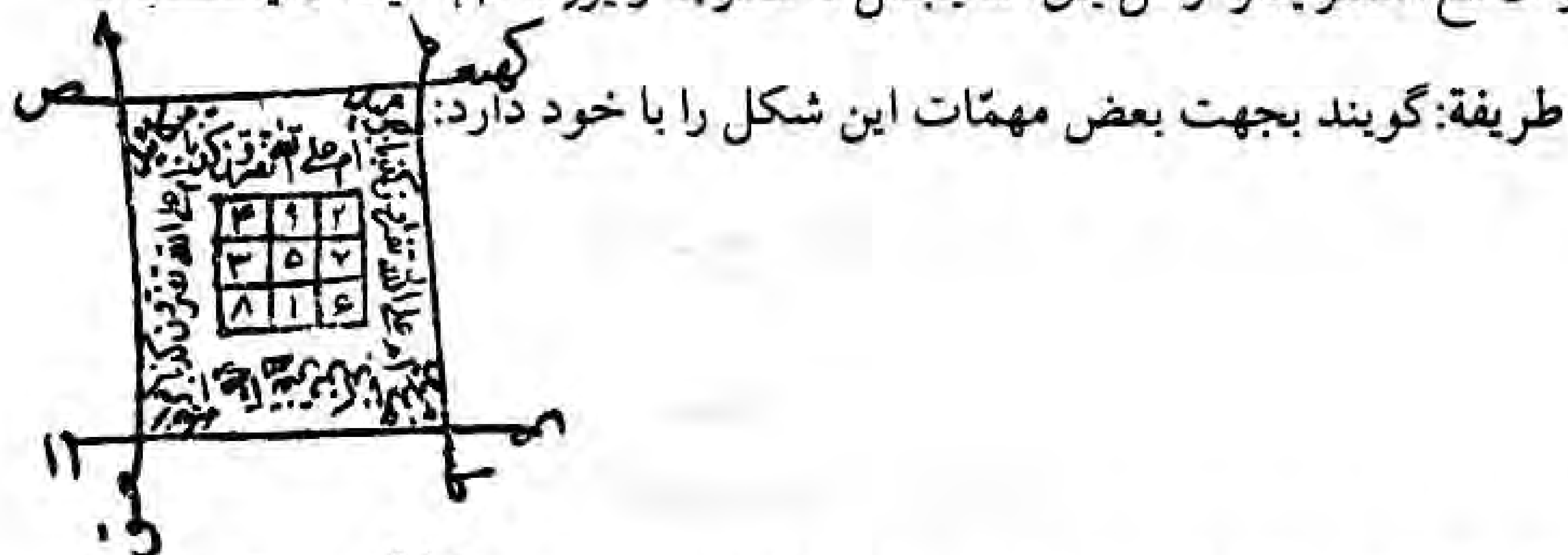
طریقة: گویند هرگاه سورهٔ مبارکه سبع المثانی را در یک مجلس بعدد اسم مطلوب بخوانند آن مطلوب محصل گردد و مجرب شده.

طریقة گویند هر که این شکل بر ناخن نویسد و شروع در خواند سورهٔ یس کند هر که را خواهد حاضر گردد انشاءالله تعالی که بطور مشروع باشد:

طریقة: فی المهج : و من ذلک دعاء لمولانا و مقتدانا امیرالمؤمنین علیه السلام تعلق علی الانسان ، عن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب صولات الله علیه انّه قال من تعزّز علیه رزقه و تعلّقت علیه مذاهب المطالب فی معاشه ثم کتب له هذا الکلام فی رقّ ظبی او قطعة من ادم و علّقه علیه او جعله فی بعض ثیابه التی یلبسها فلم یفارقه وسع الله رزقه و فتح علیه ابواب المطالب فی معاشه من حیث لا یحتسب و هو: «اللّهم لا طاقة لفلان بن فلان بالجهد و لا صبر له علی البلاء و لا قوة له علی الفقر و الفاقة اللهم فصلّ علی محمّد و آل محمّد و لا تحظر علی فلان بن فلان رزقک و لا تقتر علیه سعة ما عندک و لا تحرم فضلک و لا تحسمه من جزیل قسمک و لا تکله إلی خلقک و لا إلی نفسه فیعجز عنها و یضعف عن القیام فیما یصلحه و یصلح ما قبله بل تنفرد بلمّ شعثه و تولّی کفایته و انظر الیه فی جمیع اموره انّک إن وکّلته إلی خلقک لم ینفعوه و إن ألجاء إلی اقربائه حرموه و ان اعطوه اعطوه قلیلاً نکدا و إن منعوه منعوه کثیرا و إن بخلوا بخلوا و هم للبخل اهل، اللّهم اغن فلان بن فلان من فضلک و لاتخله منه فإنّه مضطر إلیک فقیرٌ الی ما فی یدیک و انت غنیٌ عنه و أنت به

خبیر علیم و من یتوکّل علی الله فهو حسبه إنّ الله بالغ أمره قد جعل الله لکلّ شیء قدراً ان مع العسر یسراً و من یتّق الله یجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لا یحتسب».

طریقة: گویند بجهت بعض مهمّات این شکل را با خود دارد:



طریقة: فی البحار قال رجل لابی جعفر علیه‌السلام یابن رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله کیف أعرف أنّ لیلة القدر تکون فی کلّ سنة مرّة قال علیه‌السلام اذا اتی شهر رمضان فاقرأ سوره‌القدر فی‌کلّ لیلة مأة مرّة وإذاأتت لیلة ثلث‌وعشرین فإنّک ناظرإلی تصدیق الّذی عنه سألت(۴۶)

طریقة: یکی از علماء می‌فرماید در نزد ترجمه حدیث آنکه هر رکعتی در جماعت بیست و چهار رکعت است که هر رکعتی دوست‌تر است بسوی خدا از عبادت چهل ساله مؤلف گوید که از این حدیث ظاهرمی‌شود که هر رکعت نماز جماعت دوست‌تر است پیش حق تعالی از نهصد و شصت سال عبادت.

طریقة: قیل مشهور میانهٔ علماء آن است که هرگاه کسی نماز را ترک کند بدون آنکه حلال داند تارک آن عاصی است وکافر نیست و لیکن بعضی از اخبار صحیحه و غیرها چنانکه در حبل المتین و کافی است صریحند درکفر او و معاملهٔ با کفّار با او.

طریقة: للجامی:

ز شیخ چلّه نشین دور باش و حیلهٔ وی   که هست حیلهٔ وی سردتر ز چلّهٔ وی

طریقة: از حضرت صادق علیه‌السلام روایت است که فرمودند: صراط مستقیم

امیرالمؤمنین علیه‌السلام است و شناخت آن حضرت و دلیل براین، قول خدای تعالی است که: «و إنّه في امّ الکتاب لدینا لعليّ حکیم» (۴۷) و آن عليّ حکیم که در امّ الکتاب است امیرالمومنین علیه‌السلام است در قوله تعالی «اهدنا الصراط المستقیم».

بعضی از علماء می‌فرمایند این صریح است در آنکه مراد از امّ الکتاب در این آیهٔ سورهٔ فاتحه است فافهم.

طریقة: گویند چون بدوح را تکسیر کنند و با خود دارند از کلّ مکروهات در امان باشند و در خزانه و میان اموال بدارند برکت بسیار آورد و خواندن آن هر روز بیست و شش بار و دمیدن بر چیزی موجب حفظ او خواهد شد.

صورت تکسیر بدوح به نقل از کتاب مفاتیح المغالیق:

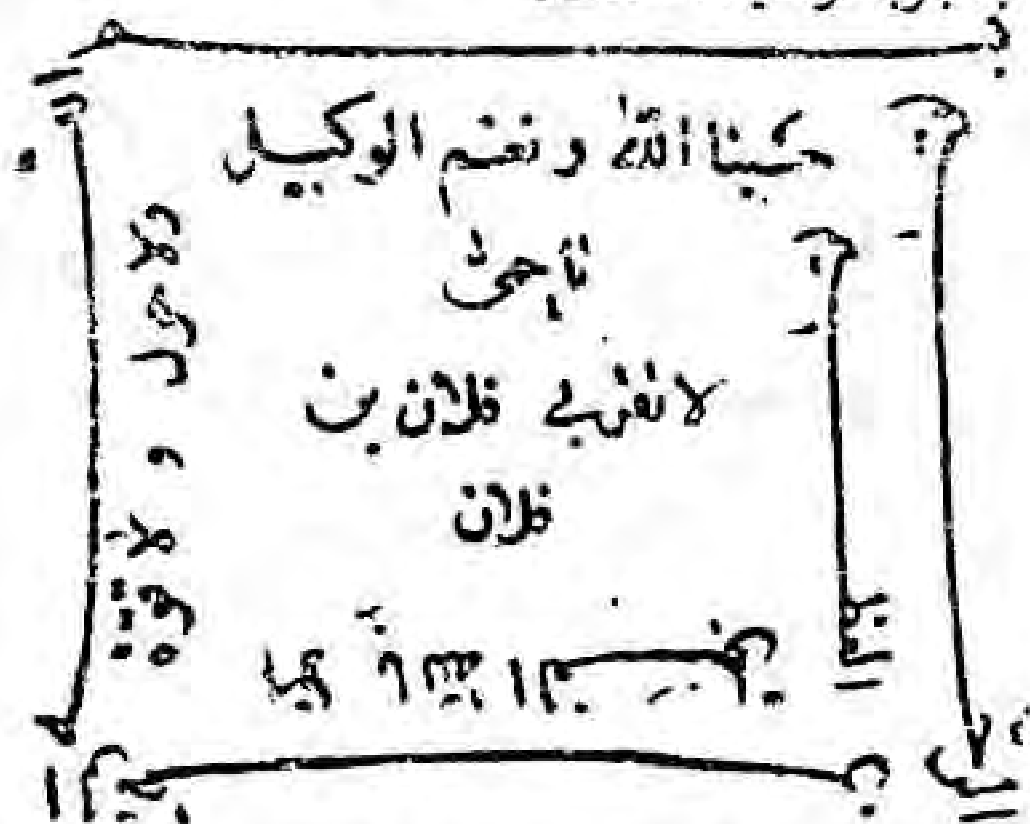
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
ب	د	و	ح	ب	د	و	ح	ب	د	و	ح
د	و	ح	ب	د	و	ح	ب	ح	ب	د	و
و	ح	ب	د	ح	ب	د	و	د	و	ح	ب
ح	ب	د	و	و	ح	ب	د	و	ح	ب	د

۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴
ب	د	و	ح	ب	د	و	ح	ب	د	و	ح
ح	ب	د	و	و	ح	ب	د	و	ح	ب	د
و	ح	ب	د	ح	ب	د	و	د	و	ح	ب
د	و	ح	ب	د	و	ح	ب	ح	ب	د	و

طریقة: گویند هر که این مربع را بنویسد باین صورت و آن را در زیر سر هر

www.telasm.com

بیماری نهند شفا یابد و این بکرّات بتجربه رسیده است:



طریقه: گویند اگر خواهی کسی را از خود دورگردانی نه مرتبه انا اعطیناک الکوثر بخوانی و بجانب او بدمی باختیار خود برود.

طریقه: بجهت فصاحت زبان و زیادتی فهم این سه را بعدد جمل ۲۱۶ بار بخواند و تکسیرش کند مجرّب است یا مالک یا ملک یا دال.

طریقه: گویندب ت ع خ ل ق باشد از اعلی و ادنی ازجنّ و انس ببینند که اسم آن شخص چند حرف است بعدد هر یک حرفی اسمی از اسماء ۲۸ گانه ۹۹ نام باری تعالی که مناسب و موافق حروف آن اسم است بردارد و بعدد همان اسم بخواند مثلاً اسم آن شخص محمود است خواستیم اسماء استخراج نمائیم این اسم پنج حرف است حرف مکرر را که میم است انداختیم چهار حرف باقی ماند م ح و د اسم حرف میم یا باری عدد آن در جمل کبیر ۲۱۳ این اسم را با این عدد خواندیم با آن بعد از این اسم حرف ح مهیمن است بعدد وی ۱۴۵ عدد است آن را باین عدد خواندیم اسم حرف و اوسلام است و ۱۳۱ عدد است آن را نیز بآن عدد خواندیم تا تمام شد اسم حرف دال ملک است ۹۰ عدد است بآن عدد خواندیم و در تمام اسمها باین طریق باید خواند و یک نوبت دیگر اسمها را بعدد اسم مطلوب بخواند که البته مستحضر گردد انشاءالله. قول دیگر آن است که بعدد اسم شخص

خوانده شود بزودی اثر می‌دهد مثلاً میم که عدد آن ۴۰ است اسم باری که مخصوص میم است ۴۰ مرتبه بخواند و ح که هشت عدد است اسم میهمن که مخصوص اواست ۸ مرتبه بخواند و همچنین و د که حروف اسم تمام شود که البته مستحضر شود بعون الله تعالی و تفصیل حروف اسماء این است الف الله ۶۶ ب رحمن ۲۹۸ ج رحیم ۲۵۸ د ملک ۹۰ هـ قدوس ۷۰ و سلام ۱۳۱ ن مؤمن ۱۳۶ ح مهیمن ۱۴۵ ط عزیز ۹۴ ی جبّار ۲۰۶ ک متکبر ۶۶۲ ل خالق ۷۳۱ م باری ۲۱۳ ن مصور ۳۳۶ س الغفار ۱۲۸۱ ع قهار ۳۰۶ ق وهاب ۱۴ ص رزاق ۳۰۸ ق فتاح ۴۸۹ ر علیم ۱۵۰ س قابض ۹۰۳ ت باسط ۷۲ ث حافظ ۹۸۹ خ رافع ۳۵۱ ذ معزّ ۱۱۷ ض مذل ۷۷۵ ظ سمیع ۱۷۰ غ بصیر ۳۰۲.

طریفة: قد عدّ الشهید قدس سره و فی الألفیة من مستحبات الخلوة و سننها الصریر فی الاستنجاء و هو ان یظهر بین الید و المحل صوت حیث یمکن کما لوکان الماء بارداً و اوجبه سلاّر وایضاً عدّ منها استعمال بارد الماء فی الاستنجاء لذی البواسیر فإنّه یقطعه، رواه ابوبصیر عن صادق علیه السلام.

طریفة: گویند خواندن اسم مبارک «یالطیف» را یک صد و بیست و نه (۱۲۹) مرتبه بجت کفایت مهمات از مجرّبات و از آیات عجیبات است فمن شاء فلیجرّبه فاعتبر و اغتنم.

طریفة: قیل قال النبی صلی الله علیه و آله: «من امسک لسانه من الفضول فکأنّما قرأ القرآن و عمل به» (۴۸).

طریفة: هر چیزی که حاجت خلق بآن بیشتر است وجدان او اسهل خواهد بود چنانکه در عناصر مشهود است و چون حاجت خلق برحمت خدا عزّوجلّ از همه چیز بیشتر است لذا باید رحمت او تعالی هم از همه چیز وجدان او اسهل باشد.

طریفة: قیل سئل عن النبی صلی الله علیه و آله ایّ الأعمال أحبّ إلی الله تعالی قال صلی الله علیه و آله الحال

المرتحل يعنى اختتام القرآن و وصل آخره بأوّله مع القرائة منه إلى قوله و هم المفلحون سواء كان معلّماً او متعلّماً او تالياً و سواء كان بقرائة واحدة او لا. (۴۹)

طريفة: قيل روى عن الصادق عليه السلام هذا الدعاء بعد تلاوة القرآن «اَللّٰهُمَّ ارزُقنا بِكُلِّ كَلِمَةٍ كَرامَةً و بكلّ حرفٍ جزاء اللّٰهُمَّ ارزُقنا بِالاَلِفِ اُلفَةً و بالباء بَرَكَةً و بِالتاءِ تَوبَةً و بالثاء ثَواباً و بِالجيم جُنَّةً و بِالحاء حَلاوَةً و بِالخاءِ خُلداً و بِالدّال دَولَةً و بِالذّالِ ذَكاءً و بِالراء رِزقاً و بِالزاء زُلفةً و بِالسّين سَناءً و بِالشّينِ شِفاءً و بِالصّادِ صَدَقَةً و بِالضّادِ ضِياءً و بالطّاءِ طرفاً و بِالظّاءِ ظَفَراً وَ بِالعَينِ عِنايَةً و بِالغَينِ غِناءً و بالفاءِ فَلاحاً و بِالقافِ قُربَةً و بالكافِ كِفايَةً و بِاللاّمِ لُطفاً و بِالميمِ مَغفِرةً وَ بِالنّونِ نُوراً و بِالواوِ وُصلَةً و بِالهاءِ هِدايَةً و بِالياءِ يُسراً وَ يُمناً و صَلَّى اللهُ على سيّدنا محمّدٍ و آله اجمعين الطيّبين الطاهرين».

طريفة: كان العلماء اذا علموا اسم شخص من الاشخاص الروحانية و لم يعلموا طبعه و تاثيره استخرجوا من حروف اسمه من يدل عليه من الطبايع و التاثير فيكون ذلک يخصّه كما يخصّ اسمه و يستدعيه مما هو مختص به قال عليه السلام:

« و انت الكتاب المبين الذى بأحرفه يظهر المضمر » فتامل.

طريفة: گويند هر كه سورهٔ «قل يا ايها الكافرون» را در وقت طلوع آفتاب روز يكشنبه ده مرتبه بخواند حاجت او روا شود انشاءالله.

طريفة: گويند از شيخ بهائى «ره» منقول است آنكه هركه در روز چهارشنبه شروع كند تا ده روز كه آخر آن جمعه باشد هر روز صد مرتبه اين دعا را بخواند با حضور قلب و طهارت بدن و جامه ، اگر مطلب او حاصل نشد به من لعنت كند:

«بسم‌الله الرحمن الرحيم يا مفتح الابواب يا مقلب القلوب و الابصار يا دليل

المتحيرين و يا غياث المستغيثين توكّلت عليک يا ربّ و اقض حاجتی و اكف مهمّی و لا حول و لا قوة الاّ بالله العلی العظيم و صلی‌الله علی محمّد و آله اجمعين».

طريفة: گويند بجهت غناء دو ركعت نماز حاجت بگذارد بنيّت توانگری و يا بجای آن در روز چهارشنبه چهل مرتبه سورة الكوثر را بخواند.

طريفة: گويند بجهت قضای كليه حاجات كائنة ما كان بعد از نماز صبح صد مرتبه خفیّ و صد مرتبه جلیّ بخواند بحضور قلب و خضوع :

«و نجيناه من الكرب العظيم»[50].

طريفة: گويند بجهت ظهور گم شده و آمدن غائب و عاقبت كار خود و آشكار شدن معدنها شب پنج شنبه در يک مجلس دوهزار و صد مرتبه و اگر نتواند دويست و يک مرتبه بخواند مقصود حاصل گردد يا در خواب يا در بيداری باو نشان دهند :

«الم تعلم انّ الله يعلم ما فی السماء و الأرض إنّ ذلک فی كتاب إنّ ذلک علی الله يسير»[51].

طريفة: گويند بجهت فتح مهمّات هفتاد و نه مرتبه سورهٔ اخلاص را معكوساً بر گلاب خوانند و بآن گلاب روشستن اثر عظيم دارد باين صورت : دحاء اؤفک هل نكی ملودلوی ملودلی مل دمصلاّهلاء دحاء هلاء و هلق ميحر الفحار الاهاء المسب[52].

طريفة: فی الحديث من طلب الدنيا حلالاً استعفافاً عن المسئلة و تعطّفا علی عياله و تلطفا علی جاره لقی‌الله تعالی و تبارک يوم‌القيامة ووجهه كالقمر ليلة البدر[53].

طريفة: فی الحديث من علم القرآن غيره فكأنّما حجّ البيت عشرة آلاف مرّة و اعتمر عشرة آلاف عمرة و اعتق عشرة آلاف عتق من ولد اسمعيل عليه‌السلام و غزا عشرة آلاف غروة فی سبيل الله و اطعم عشرة آلاف مسكين مسلم و يكتب له بكلّ حرف

عشرة حسنات و یمحی عنه عشره سیّئات و یکون معه فی قبره یثقل میزانه(۵۴).

طریفة: قیل رسم الخط الذی تداول فی المصاحف سنة متعبرة لابد من اتباعها و مخالفتها بدعة قال العلامة فی شرح مختصر الاصول انّ الصحابة اعلم من النـاس بکتابتها فماکتبوا شیئاً إلاّ بحکمة لطیفة و معرفة بلیغة و لحدیث «اقرؤا ما المصحف» و قد تظهر ثمرة اتباع رسم خط المصاحف فی الوقف و الوصل. امّا مـا کـان فـیه الإختلاف فی المدّ و القصر فی الخط فهو تاء التانیث التی تکون فی الوقف هاء فاذا رسمت بالتاء الممدودة خطأ عند بعضهم فوقفها بالتاء و اذا رسمت بالتاء المقصورة فوقفها بالهاء بالاتّفاق کما فی مثل الرجمة بالتاء المقصورة و بالهاء فی الوقف فـی جمیع القرآن و لا خلاف فی وقفها بالهاء الاّ فی سبعة مواضع منها یرجون رحمت الله فی البقرة فتفقد الباقی و تبصّر.

طریفة: قیل من کسر اسمه السریع القریب و امسک لم یعسر شیء یریده علیه و یسخر به جمیع افعاله تسخیراً مسرعاً و هذه صورة وضعه:

ب	ی	ر	ق	ع	ی	ر	س
س	ر	ر	ع	ب	ق	ع	ی
ق	س	ع	ر	ر	ب	ق	ی
ر	ب	س	ق	ی	ع	ق	ر
ق	ق	ی	ر	ر	س	ب	ع
ع	ر	ق	س	ی	ی	ر	ب
ی	ی	ب	ع	ق	ر	س	ر
ر	ع	ق	ب	س	ر	ی	ق

طریفة عدد اسم سریع باعدد لفظ قمر مساوی است فافهم.

طریفة: فی قاعدة حسابیة سنحت بخاطر هذا الراقم الآثم و هی من متفرداته و آن این است که اگر پرسند که جماعتی بباغ در آمدند و یکی از ایشان یک انار چید و دیگر دو انار و دیگری سه انار و بر این قیاس چون انارها را جمع نـموده قـسمت کردند هرکدام را ده انار رسید این جماعت چندکس بوده‌اند و عدد انارها چند بوده

گوئیم جواب این نحو سؤال را اهل حساب بقاعدهٔ تحلیل و قاعدهٔ خطا این داده‌اند و راقم آثم جواب را بقاعدهٔ سهله مختصره که عدد مقسمٌ‌به که ده باشد را روی عدد تالی سابق او که نه باشد می‌گذاری نوزده می‌شود همانعدد جماعت خواهد بود و همان عدد مقسومٌ‌به را در عدد جماعت ضرب می‌کنی که حاصل آن صد و نود باشد عدد انارها خواهد بودو قس علی هذا سایر الأمثله و ایضاً جواب دیگر آنکه ملاحظه می‌کنی مراتب اعداد سابقه آن آن مقسومٌ‌به را تا واحد و اعداد لاحقه او را بقدر آن مراتب، مرتبهٔ اخیره مراتب لاحقه که نوزده باشد همان عدد جماعت خواهد بود پس از آن عدد مقسوم به را ضرب می‌کنی در عدد جماعت حاصل آن عدد انارها خواهد بود و باید ملتفت این نکته شد که سلسه مراتب لاحقه راکه موازنه می‌کنی با سلسلهٔ دیگر جمع می‌کنی مجموع این دو مرتبه مطابق با همان عدد مقسومٌ‌به خواهد بود فاغتنم ذلک و تبصّر.

طریفة: گویند ارسطو گوید که چون مرجان را تکلیس کنند رماد آن را بر زیبق زنند ببندد و بلون زرد کند مجرب است.

طریفة: گویند بسیار خواندن این اسم موجب نورانیت دل و غناء و دولت بحدّی که مردم آن بلاد باو احتیاج پیدا کنند می‌باشد: «یا خیثوا امیثورا ازغِش دار غلّبیون»

طریفة: گویند روایت شده هر که در چهارشنبه سوری این دعا را سه مرتبه بخواند و بر خود دمد بعمر طبیعی رسد و بر دشمنان غالب آید و تمام محتاج باو شوند و قرض او اداء شود و از بلیّات محفوظ ماند:

بسم‌الله الرحمن الرحیم اللّٰهُمّ اصرف عنّی شرّ هذا الیوم و اعصمنی بعصمتک من شرور هذا الشهر و جنّبنی عَمّا أخاف من نُحُوساتِهِ وکُرُباتِهِ بِفَضلِکَ یا رافع الشُّرور و

یا مالک یوم النُّشُور بلُطفِکَ یا اَرحَمَ الرّاحمین».

طریقة: گویند مروی است آنکه هر که در روز چهارشنبه آخر ماه صفر سورهٔ «اَلَم نَشرَح ، و التّین ، و إذا جاء ، و قل هوالله احد ، و معوّذتین ، و فاتحه الکتاب هر یک را هفت مرتبه بخواند حق تعالی او را غنی گرداند و از مقربّان درگاه او شود.

طریقة: فی کشکول الشیخ احمد الاحسائی روی عن المجلسی «ره» انه یستحب فی آخر اربعاء من صفر صلوة رکعتین یقرء فی الاولی الحمد و آیة الملک ..إلی ..قدیر[55] و فی الثانیه محمّد صلی الله علیه و آله و قل انّما اَنَا بَشَرٌ مثلکم ...[56] الی آخر السورة و بعد الفراغ یدعو بهذا الدعاء: «اَللّٰهُمَّ اصرِف عَنّي کَیدَهُ وَ شُؤمَهُ وَ شَرَّهُ و ارزُقني ریحَهُ و بَرَکَتَهُ و جَنِّبني ما اَخافُ نُحُوسَتَهُ و کُرُباتَهُ بفضلک یا دافع الشرور و یا مالک یوم النّشور برحمتک یا ارحم الراحمین».

طریقة: قیل روی إنّ اناساً جذبوا اباالهیثم بالسیوف فلم تقطع منه شیئاً فسئل عن ذلک فقال کنت اقرء هذه الآیات ثم قال فرجت یوماً مع جماعة فرأینا ذئبا یلاعب شاة عجفاء و لا یضرها شیئاً فکلّما دنونا منه نفر الذئب فوجدنا فی عنقها کتابا فیه الایات المذکورة ذکر ذلک الشیخ کمال الدین الدمیری فی کتابه حیوة الحیوان و إنّ الآیات من تلاها او حملها کان فی حفظ الله تعالی و کلائه و هی: «بسم‌الله الرحمن الرحیم و لا یؤده حفظهما و هو العلی العظیم فالله خیر حافظا و هو أرحم الرّاحمین له معقبات من بین یدیه و من خلفه یحفظونه من أمر الله إنّ ربّی علی کل شیء حفیظ إنّا نحن نزّلنا الذّکر و إنّا له لحافظون و حفظناها من کلّ شیطان رجیم و حفظا من کل شیطان مارد إنْ کلّ نفس لمّا علیها حافظ إنّ بطش ربّک لشدید إنّه هو یبدیء و یعید و هو الغفور الودود ذوالعرش المجید فعّال لما یرید هل اتیک حدیث الجنود فرعون

و ثمود بل الذین کفرو فی تکذیب والله من ورائهم محیط بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ»[۵۷].

طریفة: فی البحار عن ابن عباس قال قال رسول‌الله صلی الله علیه و آله من قرأ یس والصافات یوم الجمعه ثم سأل الله تعالی اعطاه سؤله.

طریفة گویند اگر کسی را رعاف بود و خون او منقطع نشود نام خود را بخون بر خرقه‌ای نویسد پیش سر خود بندد خون منقطع شود.

طریفة: گویند تخم گندم باید از حبوب آن سال باشد اگر دو سال بر آن بگذرد ضعیف شود و اگر سه سال بگذرد فاسد گردد.

طریفة: گویند اگر خواهند نرم آهن را فولاد گردانند آن را عرضه کنند بر آتش تا سرخ شود آن گاه او را در دوغ ترش یا در آب انار اندازند و سه نوبت مکرر نمایند.

طریفة: گویند اگر سنگی بقدر بیست مثقال بر دنبال یا بر گوش حمار بندند بانگ نکند.

طریفة: گویند مار نر هر سال یک پوست بیندازد و نقطه‌ای بر قفای او ظاهر شود و آن عدد سالهای او بود و اگر مار را عقرب زند نمک طلب کند و در میان آن بخوابد و الاّ هلاک گردد.

طریفة: گویند خروس در مدت عمر یک بیضه نهد و آنرا بیضة الفقراء گویند چنانکه شاعر گوید:

انعام خواجه با من مسکین بعمر خویش

چون بیضهٔ خروس یکی بار بود و بس

طریفة: گویند چون مرغ خانگی فربه شود بیضه ننهد چون زنان فربه.

طريفة: الجمعه بضم الميم لغة الحجاز و فتحها لغة بنى تميم و اسكانها لغة عقيل و قيل الجمعه بسكون الميم اسم لأيام الاسبوع و اوّلها السبت.

طريفة: فى كتاب عن اميرالؤمنين عليه‌السلام من كتب هذه الأسماء العظام فى يوم الجمعه من آخر شهر رمضان المبارک و حمله معه كان محفوظاً فى نفسه و عياله و أهله و داره و متاعه من جميع البليات و الخطرات و المكروهات و شرّ الجن و الإنس و الأمراض هو هذا:«بسم‌الله الرحمن الرحيم لا إله إلاّ انت يا الله يا محيط علملک كفكوک كفلهن و بالحق انزلناه و بالحق نزل و ما ارسلناک الاّ رحمة للعالمين فالله خيرٌ حافظاً و هو أرحم الراحمين منصور اباتراب منصور توجه حيث شئت فانّک منصور محمد على فاطمه حسن و حسين على محمد جعفر موسى على محمد على حسن الحجة القائم الخضر عليهم‌السلام قطير و لو انّ قرآنا سيّرت به الجبال او قطعت به الأرض اوكلّم به الموتى بل لله الأمر جميعاً

طريفة: فى الحديث طلاق الدنيا مهر الجنة(٥٨).

طريفة: لا تستخف بالعلم و اهله الاّ احمق جاهل(٥٩).

طريفة: فى الحديث عقول الرجال فى اطراف اقلامهم

طريفة: فى الحديث كتاب الرجل ابلغ من نطقه(٦١).

طريفة: قيل نيّة المؤمن افضل من عمله كما فى الاخبار من وجهين احدهما انّ
نوع نيتة افضل من نوع عمله فان عمله قليل و نيته كثير فهو ينوى ان يعمل اعمال
كثيرة و لا يتمكن منها و ثانيهما انها افضل من عمله خصوصاً فانّه يريد ان يزكّى عمله
و يؤدّيه على وجهٍ لا يشوبه نقص و دنس بوجه من الوجوه و لا يقدر على أنْ يعمل
على ما يحبّ فنيّة المؤمن دائماًافضل من عمله ويعطيه‌الله‌تعالى بعمله‌نوعاًوشخصاً

طريفة: قيل من كتب فى جمعه الاخيرة من شهر رمضان هذا الحرز فى سطر
واحد طولانى و جعله معه كان فى حفظ الله تعالى من جميع الآفات و البليّات إلى
مثله من السّنة المستقبلة و ذلک انّ سيد المحققين من الحكماء آقامير محمد باقر
الداماد الاسترابادى قدس سرّه كان يقول انّ وقت كتابته بعد الفراغ من ظهر يوم
الجمعه الى الغروب و هو هذا:«بسم‌الله الرحمن الرحيم لا آلاء إلاّ آلائک ياالله محيط
به علمک [illegible]
و بالحق انزلناه و بالحق نزل و ما ارسلناک إلا رحمة للعالمين الله محمد على فاطمه
الحسن و الحسين على محمد جعفر موسى على محمد على الحسن المهدى
الخضر عليه السلام قطبوب روح فتح قيصور توجه حيث شئت فانّک منصور
بالخيرات موفق كهيعص حمعسق فالله خير حافظا و هو ارحم الراحيم ابا تراب
اباتراب اباتراب ، و قيل يكتب ايضاً بعد البسملة «و لو انّ قرآناً سيّرت به الجبال او
قطّعت به الأرض او كلّم به الموتى بل لله الأمر جميعاً»

طريفة: روى فى العلل عن جعفربن محمد بن عتاده عن ابيه قال سمعت
الصادقعليه‌السلام يقول المؤمن علوىّ لانّه علا فى المعرفة و المؤمن هاشمىّ لأنه هشم
الضلالة و المؤمن قرشىّ لأنه أقرّ بالشىء المأخوذ و المؤمن عجمىّ لأنّه استعجم

عليه ابواب الشّر و المؤمن عربی کتابه منزل بلسان عربی و المؤمن نبطیّ لانه استنبط العلم و المؤمن مهاجریّ لأنه هجر السیئات و المؤمن انصاریّ لأنّه نصرالله و رسوله و أهل بیت رسوله صلی‌الله علیه و آله والمؤمن مجاهد لأنّه یجاهد اعداء الله فی دولة الباطل بالتقیّة و فی دولة الحقّ بالسیف(۶۲).

طریقة: عن ابی الحسن الاخیر علیه‌السلام ایّاک و النوم بعد صلوة اللّیل و الفجر ولکن ضجعة بلا نوم فإنّه صاحبه لا یحمد علی ما قدم من صلوته(۶۳).

طریقة: فی الحدیث إذاتوضأ احدکم و لم یسمّ کان للشیطان فی‌وضوئه شرک(۶۴)

طریقة: عن حماد بن عثمان قال سمعت ابا عبدالله علیه‌السلام یقول من قال «ماشاءالله کان و لا حول و لا قوة إلاّ بالله العلیّ العظیم» دفع الله عنه سبعین نوعاً من انواع البلاء اهونها الریح و البرص و الجنون و ان کان شقیّاً محی من الأشقیاء وکتب من السعداء و روی عن ابی الحسن علیه‌السلام ثلث مرّات و قال أنا أقوالها مأة مرة(۶۵) و فی لا حول روی بالواو و عدمه(۶۶).

طریقة: قال الرضا علیه‌السلام فی حدیث من لم یقدر علی ما یکفّر به ذنوبه فلیکثر من الصلوة علی محمّد و آله فإنّها تهدم الذنوب هدماً(۶۷).

طریقة: من کتاب امیرالمؤمنین علیه‌السلام انّ المِدحَةَ قبل المسألة فإذا دَعَوتَ الله تعالی عزّوجلّ فَمَجِّدهُ قیل کیف أُمَجِّدُه قال تقول «یا من هو اقرب إلیّ من حبل الورید یا فعّالاً لما یرید یا من یحول بین المرء و قلبه یا من هو بالمنظر الأعلی یا من لیس کمثله شیء» (۶۸) قال بعض اقول الحمدالله جربت هذه الآداب و راعیتها فی بعض دعواتی فلم اقم من مجلسی الاّ بالاستجابة و الحمدلله رب العالمین.

طریقة: فی الحدیث : تعطّروا بالإستغفار و لا تفضحنکم روائح الذنوب (۶۹).

طريفة: فی الحدیث :کنس الفناء و غسل الإناء مجلبة للغناء(۷۰).

طريفة: فی الحدیث :یا اباذر لا تصیب حقیقة الایمان حتی تری الناس کلّهم حمقی فی دینهم عقلاء فی دنیاهم(۷۱).

طريفة: فی الحدیث : یا اباذر من خرج عن بیته یلتمس باباً من العلم کتب الله عزّوجلّ له بکلّ قدم ثواب نبیّ من الأنبیاء و اعطاه الله بکلّ حرف یسمع او یکتب مدینة فی الجنة(۷۲).

طريفة: فی الحدیث: من خرج عن بیته یلتمس باباً من العلم کتب الله تعالی له بکلّ قدم ثواب شهید من شهداء بدر(۷۳) و فیه ایضاً ما معناه: من أحبّ العلم لا یخرج من الدنیا حتی یشرب من الکوثر و یأکل من ثمرة الجنة و یکون فی الجنة رفیق خضر علیه السلام (۷۴).

طريفة: و فی روایة :من خرج عن بیته لیلتمس باباً من العلم لینتفع به و یعلّمه غیره کتب الله له بکل خُطوَةٍ عبادة الف سنة صیامها و قیامها(۷۵).

طريفة: عن امیرالمؤمنین علیه السلام الدّنیا کلّها جهل الاّ مواضع العلم و العلم کلّه حجّة الاّ ما عمل به و العمل کلّه ریاء الاّ ما کان مخلصاً و الاخلاص علی خطر حتی ینظر العبد بما یختم له(۷۶).

طريفة: در معالجهٔ زردی دندان بگیرد صدف و تخم توت و تخم اسفند از هر یک دو درم بر دندان بمالند سفید شود و بیخ او محکم گردد انشاءالله.

طريفة: عن ابی الحسن علیه السلام قال کثیراً ما کنت اسمع ابی یقول :لیس من شیعتنا من لا یتحدث المخدرات بورعه فی خدورهن و لیس من اولیائنا من هو فی قریة فیها عشرة آلاف رجل فیهم من خلق الله اورع منه(۷۷).

www.telasm.com

طریفة: گویند استخوان بال راست خروس را با خود داشتن موجب قبول و در دست داشتن آن موجب ظفر بر خصم خواهد بود انشاءالله.

طریفة: گویند دوغ با زیره تنقیه مشتری نماید و بعد از تنقیه با قاطر خل و زاج سحق نمایند بحدی که تشمیع پذیرد باوزان نسبیّه که مناسب او باشد ملحق باول گردد مجرب است.

طریفة: از مهمات و امهات ادعیه دعاء در حق امام غائب حجت الله القاهرة علیه و علی آبائه الکرام الصلوة و السلام است که ثمرات آن راجع بخود شخص داعی و جمیع موجودات خیره بمقتضای مرکزیّه حقیقیّه می‌باشد و بهتر آن است که باین عبارت که واردهٔ درکلمات علماء اعلام ماخوذهٔ از احادیث ائمه معصومین علیهم السلام است در خصوص شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان و عموم اوقات از سال باشد: «اللّٰهُمّ یا ذَالمَجدِ الشّامِخِ وَ السُّلطانِ الباذِخِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَکُن لِوَلِیِّکَ مُحَمَّدِ بنِ الحَسَنِ المَهدیّ «عج» في هذِهِ السّاعَةِ وَ في کُلّ ساعَة وَلِیّاً وَ حافظاً وَ ناصراً و دلیلاً و عَینا حَتّی تُسکِنَهُ اَرضَکَ طَوعاً وَ تُمَتِّعَهُ فیها طَویلاً»

طریفة: قیل روی ان الرجعة فی السماء و قیل فی معناه یعنی ان الأرض تصیر فی هذا الیوم کالسماء فی اللطافة و الشدة و الصفاء.

طریفة: من خواص الشعیر کما فی الخبر انّه ما دخل جوفاً الاّ و خرج کلّ داء فیه و هو قوت الأنبیاء و طعام الأبرار و لکن الأطباء یزعمون أنه یوجب الهزال و هو ایضاً عند الأبدال من امثل الخصال فتبصر.

طریفة: قیل فی الحدیث من استخفّ استاذه ابتلاه‌الله تعالی بثلاث بلیّات الاولی نسی ما حفظ و الثانیه مات شاباً و الثالثه کلّ لسانه عند الموت.

طریفة: از یکی از معصومین علیهم السلام مروی است که فرمودند اگر شیعیان را غربال کنیم و نیک و بد ایشان را از هم جدا سازیم از هزارکس یکی خالص نباشد و اکثر ایشان اهل قولند و اهل فعل در میان ایشان بسیار نادر است(۸۰).

طریفة: در حدیث است آنکه اگر مؤمنی بقصد زیارت یا برای حاجتی بخانهٔ کسی رود و او در خانه باشد و اذن ندهد در لعنت خدا باشد تا وقتی که با هم ملاقات کنند(۸۱).

طریفة: در روایتی است که: هر کس که از مؤمن چیزی روایت کند که باعث خفّت او شود در نظرها خدای تعالی او را از ولایت خود بیرون کند بولایت شیطان و شیطان نیز قبولش نکند(۸۲).

طریفة: در جمال الصالحین آورده آنکه مروی است که : هر که را شدتی و حاجتی باشد غسل کند و دو رکعت نمازگذارد پس دست راست زیر روی راست گرفته بخوابد و بگوید :«یا معزّ کلّ ذلیل ویا مذلّ کلّ عزیز و حقّک لقد شقّ علیّ کذا» و حاجت خود را مذکور سازد مستجاب شود.(۸۳

طریفة: ایضا در کتاب مذکور ، مذکور است که از حضرت صادق علیه‌السلام مروی است که چون خواهی برای مطلبی و حاجتی نامه یا رقعه‌ای بنویسی اول با قلم بی مداد بر سر نامه بنویس «بسم‌الله الرحمن الرحیم إنّ الله وعد الصابرین الخروج ممّا یکرهون و الرزق من حیث لا یحتسبون جعلناالله و ایّاکم من الذین لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» راوی گوید بعد از آنکه این حدیث شنیدم هرگز برای مطلبی نامه ننوشتم مگر آنکه باجابت مقرون گشت(۸۳).

طریفة: فیه ایضاً از معصوم علیه‌السلام مروی است که بجهت حفظ از حوادث لیل و

نهار مستحبّ است که مؤمن این دعاء را در قائمهٔ شمشیر یا زیر انگشتر یا در عمامه خود داشته باشد: «بسم‌الله الرحمن الرحیم یا هو یا من هو هو یا من لیس هو إلاّ هو یا حیّ یا قیّوم یا حیّ لا یموت یا حیّ لا إله إلاّ أنت صلّ علی محمّد و آل محمّد وکن لفلان بن فلان درعاً حصیناً و حصناً منعیاً یا ربّ العالمین و صلّی الله علی خاتم النبیّین و آله الطاهرین».

طریفة: قیل من المجرّبات انّ من قال عشرة آلاف مرّة «یا غَنِیُّ یا مَلِیُّ یا وَفِیُّ» رزقه الله تعالی مالاً من حیث لا یحتسب.

طریفة: قیل روی من اراد ان یوسع رزقه فلیکتب هذا الدعاء و یعلّقه علی نفسه او یکتبه فی منزله او یقرؤه فی کل یوم و لیلة مرّات ثلاث و هو «یا الله یا الله یا الله یا ربّ یا ربّ یا حیّ یا قیّوم أسألک باسمک العظیم الأعظم أن تررزقنی رزقاً حلالاً طـیّباً برحمتک یا أرحم الرّاحمین».

طریفة: در بحر المنافع آورده که اگر کسی خواهد پی مهمی رود این اسم اعظم که به زبان هندی است هفت بار بگوید آن مهم بزودی برآورده شود و آن این است

« اهنوس ».

طریفة: نسبت داده‌اند بمرحوم آخوند ملا زین العابدین گلپایگانی اعلی الله مقامه که یکی از اوتاد عصر بوده‌اند آنکه حضرت امام رضا علیه‌السلام باو تعلیم نموده بودند در خواب بجهت امر معیشت آنکه هر روز صبح در تعقیب نماز یک صد و ده مرتبه بخوان :«اللّهُمّ اغننی بحلالک عن حرامک و بفضلک عمّن سواک».

طریفة: قال بعض العلماء رأیت فی بعض مؤلفات بعض الأجلاء من اصحابنا انّه قال و ممّا سمع من الثقات و جرّب فی اکثر الأوقات لتیسیر المهمات و کشف

الکربات و قضاء الحاجات و حصول السرور فی جمیع الأوقات قرائة سورة النصر و سورة یس الی قوله «و کل شی احصیناه فی امام مبین» عند الإستهلال فی شهور السنوات و الحمدلله اولاً و آخراً.

طریفة: گویند اگر خواهی حاجت تو برآید این حرفها را بر ناخن دست چپ بنویس و بخواب مرد پیری در خواب بیاید و آنچه خواهی باتو بگوید شخص محکی عنه می‌گوید فقیر این را یک مرتبه آزموده مجرب است .

طریفة: ایضاً در وقت خواب این طلسم را بر ناخن دست راست بنویسد و حرف نزند تا بخواب رود در خواب احوال بر او معلوم خواهد شد انشاءالله تعالی .

طریفة: گویند هر که این کلمات را صد نوبت بخواند غنی گردد و مجرب است: «بسم الله الرحمن الرحیم یا کثیر الخیر یا ذالمعروف یا قدیم الإحسان احسن إلینا باحسانک القدیم برحمتک یا ارحم الراحمین».

طریفة: گویند هرکس پیش از نماز صبح روی بقبله کند و در چهار رکن خانهٔ خود در هر رکن ده مرتبه بگوید «یا رزّاق» روزی بر او فراخ گردد و هرگز محتاج بخلق نشود چنانکه مروی از حضرت امام رضا علیه‌السلام است.

طریفة: فی البحار قال ابوعبدالله الفقیه الهمدانی فی کتاب البلدان انّ اباموسی الاشعری روی انّه سئل امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام عن اسلم المدن و خیر المواضع عند نزول الفتن و ظهور السیف فقال علیه‌السلام اسلم المواضع یومئذ أرض الجبل فاذا اضطربت خراسان و وقعت الحرب بین اهل جرجان و طبرستان و خربت

سجستان فاسلم المواضع يومئذ قصبة «قم»(۸۴).

طريفة: عن الصادق عليه‌السلام فاما الریّ فویل له من جناحيه و ان الأمن فيه من جهة قم و اهله قيل ما جناحاه قال عليه‌السلام احدهما بغداد و الآخر خراسان فانّه تلقى فيه سيوف الخراسانيين و سيوف البغداديين فيعجّل الله تعالى عقوبتهم و يهلكهم فيأوى اهل الرى الى قم فيؤويهم اهله ثم ينتقلون منه الى موضع يقال له اردستان(۸۵).

طريفة: فی خبر: ألا و انّ قم الكوفة الصغيرة(۸۶).

طريفة: قيل روى انّه فى التوراة مكتوب الریّ باب من ابواب الأرض و إليها متجر الخلق (۸۷)

طريفة: فى ارشاد الديلمى فى مناجات النبى صلى‌الله‌عليه‌وآله يا احمد انّ العبد إذا جاع بطنه و حفظ لسانه علّمته الحكمه و إن كان كافرا تكون حكمته حجة عليه و وبالاً و إن كان مؤمناً يكون حكمته له نوراً و برهانا و شفاء و رحمة(۸۸).

طريفة: گويند تيمور در اثنای سياحت بجائی رسيد که چون شب داخل شد نماز مغرب را که خواند آفتاب طلوع نمود و فرصت خواندن نماز خفتن نشد(۸۹).

طريفة: گويند مداومت بر ذکر «لا اله إلاّ الله» موجب رفع دشمن ورفع کروب وادای قرض است.

طريفة: گويند از جهت رفع شدائد و قضاء حاجات سر برهنه کند و دست بر سر نهاده بخواند «اعوذ بالله من الشيطان الرجيم أفغير دين الله يبغون و له اسلم من فى السموات و الأرض طوعاً و كرهاً و اليه يرجعون» و حاجت خود را عرض کند که البته انشاءالله تعالى روا خواهد شد.

طريفة: گويند يکی از خواص آية الكرسی آن است که هرگاه بنويسند و بر آستانه

بالای خانه یا دکان بیاویزند موجب غناء و برکت و دولت خواهد بود و همچنین خواندن آن در هنگام بیرون رفتن از خانه موجب حفظ از آفات و غنای بعد از مراجعت است و ایضاً خواندن آن باعث بر حصول اطلاع بر اسرار قرآن شریف است و ایضاً خواندن آن تا ده روز روزی ده‌مرتبه موجب دولت خواهد بود انشاءالله تعالی.

طریفة: گویند بجهت دفع وباء این اشکال را با خود دارند:



طریفة: گویند در شب چهاردهم ماه این آیه را بر کف دست راست خود نویسد و دست راست در زیر روی راست نهد روی بقبله بخوابد مطلوب را از حیث خیر و شرّ در خواب ببیند انشاءالله تعالی «و کذلک نري ابراهیم ملکوت السموات و الأرض و لیکون من الموقنین»(۹۰).

طریفة: و ایضاً هر که پنجاه و دو روز هر شبانه روزی هزار بار اسم «العزیز» را بر قمر بخواند مسخّر او شود.

طریفة: و ایضاً هر که صنعتی می‌کند نازک و خطرناک و از فساد آن می‌ترسد مانند کیمیاگری و زرگری ، باید که تا آن عمل می‌کند هر صباح صد مرتبه اسم «الخلاق» را بگوید.مهم او نیکو شود.

طریفة: ایضاً هرکه در شب دوشنبه نیم شب بعد از دو رکعت نماز در سجده هفت بار اسم «الوهاب» را بگوید توانگری یابد.

طریفة: گویند از حضرت رضا علیه‌السلام مروی است که بجهت اطلاع بر امر مخفی از قبیل دفینه و غیر آن سه شب هزار نوبت بگوید «یا علاّم علّمنی» و با طهارت

بخوابد، در خواب یا بیداری او را اطلاع دهند.

طریفة: بجهت فراخی روزی و زوال غم چهل و یک بار اسم «الشکور» بر آب بخواند و بیاشامد و بجهت روشنائی چشم از آن آب در چشم کشد.

طریفة: ایضاً هفت بار اسم «الرّقیب» برخود خواندن موجب حفظ نفس و مال و زن و فرزند او گردد.

طریفة: گویند هرکه این کلمات را بر کف دست راست بنویسد و با وضو بخوابد هرچه مطلوب او باشد در خواب بیند انشاءالله مهتدون علینا .

طریفة: گویند هر که این حروف را بر کف دست خود نویسد پیش هرکه رود مراد او حاصل آید : هل ه لا ه لال

طریفة: در جواهر مکنونه آورده آنکه اهل خواص گفته‌اند که هر که نظر بحروف جلاله گمارد و او را باین صورت بنویسد «ا ل ل ه» و نظر بچشم «ه» داشته باشد و هر روز با وضو ۶۶ مرتبه اسم الله را بخواند یا ۳۶ مرتبه و بهمین عدد آیهٔ «الله لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القویّ العزیز» را بخواند مرزوق گردد بتوفیق طاعات و عبادات و برکت روزی و آسان گردد از برای او فهم امور مشکله و شهوت بر دل او سهل گردد و از ظلم ظالمان ایمن گردد و هر چه طلب کند از حوائج میاید و بعضی گفته‌اند باین صورت بنویسد و نظر کند (الله)

طریفة: ایضاً درکتاب مذکور آمده که منقول است که چون متوجه امور میشوی از قبیل عمارت و زراعت و تجارت و نماز و روزه البته بگو:«یا قویّ یا عزیز یا علیم یا قدیر یا سمیع یا بصیر» آن امر هر چند مشکل باشد آسان میگردد انشاءالله تعالی.

طریفة: ایضاً در آن کتاب است که بعضی از بزرگان فرموده‌اند که توسل باین

أسماء حسنی که از حروف مقطعه قرآنی تألیف یافته موجب حصول مرادات و قضاء حاجات است علی الفور بی تأخیر و مهلت و بسی أعزّه تجربه کرده‌اند و بمراد رسیده‌اند و أسماء این است:«الله الرحمن الرحیم الملک المالک السلام المؤمن المهیمن القهار المانع العلیم السمیع الحکیم العلیّ الکریم الحلیم الحقّ الحیّ الحنّان المنّان المقسط المحسن المنعم الملیک الصانع الملیّ الناصر النصیر العالم القاهر» و اسماء مقدسه بیست و نه است و مفسرین آورده‌اند که توسل جستن باین أسماء حسنی که مؤلفهٔ از هفتاد و هشت حروف مقطعه است باعث طول عمر و دولت و حصول مطالب و مآرب صوری ومعنوی است انتهی.

طریفة: تفصیل کسور حروف باین نحو است: الف = کسر ندارد، با نصف دارد که یکی است، جیم ثلث دارد که یکی است، دال نصف دارد که دو باشد و ربع دارد که یک است، ها خمس دارد که یکی است، واو نصف دارد که سه باشد و ثلث دارد که دو باشد و سدس دارد که یکی است.

زا: سبع دارد که یکی است
حا: نصف دارد ربع دارد و ثمن دارد — ۴ ۲ ۱
طا: تسع دارد که یکی است
یا: نصف خمس عشر — ۵ ۲ ۱
کاف: نصف ربع خمس عشر — ۱۰ ۵ ۴ ۲
لام: نصف ثلث خمس سدس — ۱۵ ۱۰ ۶ ۵
میم: نصف ربع خمس عشر — ۲۰ ۱۰ ۸ ۴
نون: نصف خمس عشر — ۲۵ ۱۰ ۵
سین: نصف ثلث ربع خمس سدس — ۳۰ ۲۰ ۱۵ ۱۲ ۱۰
عین: نصف سبع عشر — ۳۵ ۱۰ ۷
فا: نصف ربع خمس عشر ثمن — ۴۰ ۲۰ ۱۶ ۸ ۱۰
صاد: نصف ثلث خمس سدس تسع — ۴۵ ۳۰ ۱۸ ۱۵ ۱۰
قاف: نصف ربع خمس عشر — ۵۰ ۲۵ ۲۰ ۱۰
را: نصف ربع خمس ثمن عشر — ۱۰۰ ۵۰ ۴۰ ۲۵ ۲۰
شین: نصف ثلث ربع خمس سدس عشر — ۱۵۰ ۱۰۰ ۷۵ ۶۰ ۵۰ ۳۰
تا: نصف ربع خمس ثمن عشر — ۲۰۰ ۱۰۰ ۸۰ ۵۰ ۴۰
ثا: نصف ربع خمس عشر — ۲۵۰ ۱۲۵ ۱۰۰ ۵۰
خا: نصف ثلث ربع خمس سدس — ۳۰۰ ۲۰۰ ۱۵۰ ۱۲۰ ۱۰۰
ذال: نصف ربع خمس سبع عشر — ۳۵۰ ۱۷۵ ۱۴۰ ۱۰۰ ۷۰
ضاد: نصف ربع ثمن — ۴۰۰ ۲۰۰ ۱۰۰
ظا: نصف ربع تسع — ۴۵۰ ۲۲۵ ۱۰۰
غین: نصف ربع خمس عشر — ۵۰۰ ۲۵۰ ۲۰۰ ۱۰۰

و هریک از کسور رایکی از حروف قرار می‌دهند مثلاً یک را الف و دو را با و سه را جیم و هکذا.

طریفة: قیل الفرق بین الوحی و الإلهام أن الأوّل یتولد من اشراقات العقل الکلی و الثانی یتولد من اشراقات النفس الکلیّه فافهم.

طریفة: گویند خوردن زنجبیل با پسته و خولنجان بجهت تقویت باه از اسرار مجربه شمرده‌اند.

طریفة: گویند مضمضهٔ گل سرخ مسکن درد دندان است.

طریفة: گویند هرگاه اسب و استر از حرکت وامانده شود قدری افیون که اقلّش یک مثقال و اکثرش سه مثقال باشد باید بحلقش کرد که توانائی رفتار بهم رساند و این تدبیر از اسرار مکنونه است.

طریفة: گویند هرگاه نمک ترکی را بسوزانند و با عسل ضمّ نمایند در هر ماهی دو بار بدندان بمالند بجهت حفظ صحّت دندان و لثه نافع خواهد بود.

طریفة: لا أدری، لیس البلیه فی أیّامنا عجبا بل السلامة أعجب العجب.

طریفة: گویند هرگاه فلزی را چند مرتبه بآتش گرم کرده در آب اندازند قابل إذابه و سحق میگردد.

طریفة: گویند بجهت بواسیر خوردن شربت زرشک بسی نافع است.

طریفة: گویند مالیدن روغن گردو بتنهایی یا با عاقوقرحا بر قضیب مقوّی باه و آلت خواهد بود.

طریفة: گویند از جمله چیزهائی که موجب لاغری و پیری و ضعف باه می‌باشد اقتصار بر فراش واحد و عدم تجدید طرف آنست چنانکه در کلمات شیخ داود مصری است.

طریفة: یکی از حکماء میفرماید باید انسان در فرار از هوای وبائی کمتر از پرستوک نباشد که در چنین هواها فرار میکنند و بجای دیگر انتقال مینمایند کما هو المشاهد.

طریفة: گویند هرگاه موضع گزیدهٔ عقرب یا نحو آن را در آب بسیار گرم گذارند و بلافاصله نقل بآب سرد نمایند تسکین میشود.

طریفة: گویند روغن کنجد بر قضیب مالیده جماع کنند نفع عظیم بخشد.

طریفة: ایضاً گویند زهرهٔ مرغ خانگی را با زنجبیل و دارچین بهم سائیده در قضیب طلایه کند لذّت یابد.

طریفة: ایضاً بجهت تقویت باه آب پیاز سفید یک من، عسل دو من، با آتش ملایم آهسته آهسته بجوشانند تا بقوام آید. هر بامداد ده درم تناول نماید.

طریفة: ایضاً تخم شلغم راکوفته با عسل میل کنند نافع خواهد بود.

طریفة: گویند رازیانه را جوشانیده اندکی قند داخل کرده بجهت رفع اسهال رطوبی بنوشند و بجای آب در گلاب بخیسانند بهتر خواهد بود.

طریفة: ایضاً تخم مرغ نیم پز را اندک شبت صلایه نماید میل کند و شله برنج و خشخاش نیز نافع است بشرط آب نخوردن در میان آن.

طریفة: گویند بجهت امساک منی کبابه را بکوبند و حَب سازند و در دهن نگاه دارند و لعاب آن را فرو برند و گویند طلاکردن خائیده کبابه بر قضیب ملذّذ جماع است.

طریفة: گویند بورهٔ ارمنی را نرم سائیده با عسل آمیخته بر ذکر مالند و بر خصیه و جوانب آن، چندان آلت را سخت نماید که تنگ آید و آب گشنیز فرو نشانندهٔ آن است.

طریفة: از باهیّات آن است که خشت نو را در آتش اندازد تا سرخ شود و گوشت را بروی افشاند تا بریان شود و بخورد.(نقل از کتاب نخبهٔ مرتضی قلی شاملو).

طریفة: گویند محمد بن زکریا گفته است اگر کسی زردک را بجوشاند با عسل و مکرر بخورد خاصیّت فادزهر دهد.

طریقة: گویند حکیم عمادالدین محمود (ره) گوید اگر کسی صد درم پیاز سفید را بجوشاند با صد درم عسل سفید تا نیمه شود و هر روز پنج مثقال از آن را بخورد خاصیّت فادزهر دهد.

طریقة: قیل نقل عن ارسطو انّ من منذرات الوباء و الطاعون حدوث الزلازل العظیمة و مقارنة مریخ مع زحل کما قال إلیاس الیهودی فی رسالته فی الوباء و الطاعون .

طریقة: ایضاً قال هو ان الهواء المستور القعری فی زمان الوباء اصلح من الهواء المشکوف العلوی.

طریقة: ایضاً هو قال وجدنا فی زبور داود علیه السلام و تورات موسی علیه السلام ان فی کل زمان إذا أراد الله تعالی أن یعذّب العصاة یرسل بالخصوص مرض الطاعون و قال یحیی علیه السلام لاتخافوا من العلامات العلویه والآفات السماویه إن کنتم تسلکون إلی طریقی بالهدایة الإلهیّة.

طریقة: ایضاً قال (هو اعلم) إنّ فی هذا الدواء نفعاً عظیماً و سرّاً عجیباً یتّفق علیه الأولون المتقدمون و الآخرون و یجرّبون فیه تجربة کاملة لایلیق تفصیله بهذا المقام و هو هذا: خذ من الصّبر ثلثه دراهم و من المر درهمین و من الزعفران درهماً ثم تدق و تنحل و تحب مثل حمصة بماء لسان الثور یجفّف فی الظّل ثم یشرب وقت طلوع الفجر خمس حبّات و یستعمل کل اسبوع مرّه او مرّتین علی اختلاف الأمرین.

طریقة: ایضاً قال هو، روی عن داود علیه السلام انّ جمیع الأطبّا فی علاج الطاعون کالأعمی. ایضاً قیل المقرّر فی علم الطّب أنّ الشهب و الصواعق و عمود النّار علائم لکثرة الأبخرة و الرطوبات و هی تدّل علی حدوث الوباء و الطاعون و فی علم

النجوم أنها علائم انّ الحاكم فی ذلک الزمان هو المشتری و المشتری ضدّ الصحة و الحیوة.

طریفة: ایضاً قیل انّ الشتاء اقبل للوباء من سایر الفصول و ردّه بعض من الأطباء.

طریفة: فی الخلاصة إنّ محمد بن عثمان العمروی قدس سرّه النوری کان قد حفر لنفسه قبراً و سوّاه بالساج فسئل عن ذلک فقال للیأس أسباب ثم سئل بعد ذلک بشهرین فقال اُمرت أن اجمع أمری فمات بعد ذلک بشهرین فی جمادی الاولی سنة خمس و ثلثمأة و قیل سنة اربع و ثلثمأة و کان یتولی هذا الأمر نحو من خمسین سنة علیه رحمة الله و رضوانه.

طریفة: قیل قال ابوعلی بن سینا کلّما کنت احاور فی مسئلة او لم اظفر بالحدّ الأوسط فی قیاس ترددت الی الجامع و صلّیت و ابتهلت إلی مبدع الکلّ حتی یفتح لی المنغلق منه و تیسّر المتعسّر.

طریفة: گویند بجهت مقهوریت دشمن چهل مرتبه آیة الکرسی بخواند چون بمابین دومیم «یعلم مابین ایدیهم» رسد آن دشمن را بنظر آورد و خواندن آن نیز بعدد مذکور بجهت کفایت سایر مهمات مؤثر است بشرط آنکه بخاطر گذراند مهم مطلوب را در مابین دو عین «یشفع عنده» و ایضاً هفت مرتبه خواندن آن بر نمک طعام و در طعام نمودن و اطعام آن بمطلوب موجب محبت شدیدهٔ آن مطلوب خواهد شد.

طریفة: یک قسم از قلم عبری که اقرب باغلب سلائق است بدین نحو است

س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز ه ی

طریفة: گویند خواجه محمد علی در مذمت تنباکو فرموده:

چه طالع است که این رو سیاه تنباکو جهان گرفته سراسر چو ظلمت دیجور
غرین عالمیان است با همه خواری یکی ز جمله غلطهای در جهان مشهور

تا آنکه میگوید سمجی است که اگر سرش را در روزی هزار مرتبه چراغان کنند ترک دراز نفسی نمیناید، و هرزه خندی است که اگر چوب در حلقش فرو برند نفس گیر نمیشود تا آنکه میگوید زیاده از این گفتگو درد سر است و درد سر و دراز نفسی کار قلیان و تنباکو است. و راقم آثم را در باب قلیان و چای و سماور چند شعری است از آن جمله :

ز چایی آید آگاهی زقلیان فکرت و وجدان
کباب اسباب خواب است و پلو پهلو ده حیوان
اگر باشد ترا بر سر هوای طوبی و کوثر
عیان بین در سماور این زقلیان زان هویدا آن
وگر خواهی شوی مقرون بخمّ علم افلاطون
مجو دوری تو از قوری مکن هجران تو از قلیان
از سماور بشنو این راز نهانی تا بدانی
آن رموزی را که خواهانی ز اسرار نهانی
گوید ای غافل زفیضیّات این قلیان و چاهی
جوشم اندر دل که عیانی را نخوانی

طریفة: گویند شخصی صرفی بسلیقهٔ خود گفت که چون التقاء ساکنین جایز نیست باید در شریعت نیز تزویج دو خنثی بیکدیگر جایز نباشد.

طریفة: گویند ناصحی بتارک الصلاتی گفت که اگر چهل روز متوالی نمازگذار عادت آن برای تو حاصل میشود که دیگر ترک نمیکنی. جواب داد که اگر عاد چهل روزه را ترک نمی‌توان کرد من چگونه عادت چهل ساله را ترک میتوانم کرد

طریفة: گویند اگر زهرهٔ بز را با نوشادر حلّ نموده بر موضعی طلا نماید موی بر نیاورد.

طریفة: قیل إن شئت ۹۸۱ فـ‌ض المعشوق فلیقرء هذا المنتر سـ مرّات و انفخ علی الورد الأصفر فی کلّ مرّة نفخة واحدة و بعد الإتمام ایضاً انف سبع مرات فانه حا ۹۸ لدیک بعون الله و هو مجرّب و ان کان وق ذلک فـی یـوم الاحـد قـبل طـلوع الشـمس لكـان اولی و المـنتر بـالل الهندیة فل فلی بناکیسا بیری ای فل او بینا جیفل سنکا سلما سمار فوری نفوری ایسرکی باجاهنونتا بیراکی یوجاجاکیا ماکیا رکمان شاه دی یه.

طریفة: گویند هر فلزی که آب نشود آن را با شوره بزنند آب شود.

طریفة: گویند ترکیبی که طلای او بر بدن قلع میکند مو را آنست که زرنیخ ورق بقدر بیست و پنج درم در میان طاس سرخی ریخته که بقدر یک انگشت آب ببالا او بایستد و هر یوم قدری آب ریخته تا وقتی که برسد و رسیدن او این است که مرغی را هرگاه بر او فرو برند پر ریخته شود بعد از آن حصاًلبان را با صابون مکّ کوبیده داخل او نمایند و بجوشانند و قرصها ساخته استعمال کنند که احتیاج بنو نیست و الله العالم.

طریفة: گویند که سه شب هر شب چهل مرتبه سورهٔ مبارکهٔ اناأنزلناه را بخواند عالم غیب باو چیزی رسد و روزی او وسیع گردد و مجرّب مجرّب است.

طریفة: قیل بجهت کشف سرّ در خواب بخواند در وقت خواب:

«قل هو الله احد» ده مرتبه تسبیحات أربع دوازده مرتبه صلوات پانزده مرتبه ناد علی هفت مرتبه نمی إلی السّید الدّاماد قدس‌سره.

طریفة: گویند بجهت مار گزیده قدری هیمه بسوزانـد پس از آن آتشـی از آن برداشته بر بالای زخم گذارد آتش سیاه میشود و هکذا آتش دیگر گذارد تا مادامیکه سیاه نشود و مادام که زهر دربدن باقی استآتش نمیسوزاند بدن‌را.

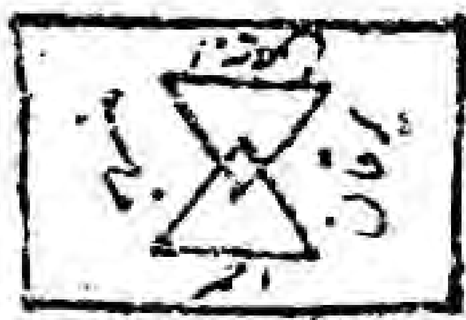
طریفة: گویند خواندن این اسم شریف بعد از نماز صبح هر روزه إلی نود و چهار روز بعدد نود و چهار مرتبه موجب کشف اسرار کیمیا خواهد بود «الجبار».

طریفة: گویند هر گـاه در روز اول کـه زکـام حـادث شـود آب گـرم در خـیشوم استنشاق کند نفع بلیغ دهد و استشمام کافور نیز تجربه شده در زکام صفراوی حادّ.

طریفة: گویند نظام الدین نیشابوری از ابن عباس روایت کند که منافقی و یهودیی مخاصمت کردند، یهودی گفت من پیش پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله میروم منافق گفت پیش کعب بن اشرف میرویم پس بالاخره پیش پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله رفتند آن حضرت حکم بر وفق مراد یهودی فرمود و منافق راضی نشد وگفت پیش عمر میرویم چون رفتند یهودی شرح حال گفت عمر گفت اینجا بایستید تا من بیرون آیم و بخانه رفت و شمشیر بدست داشت و بیرون آمد وگردن آن منافق مثل خود را زد بجهت تزویر و مکری که آن ملعون داشت ولذا او را جمتر مینامیدند یعنی روباه.

طریفة: گویند از آقا شمس الدین منقول است که هر کس هفت روز روزه بدارد و حیوانی نخورد و هر روز چهل مرتبه این اسماء را بخواند: «یا فرد یا خبیر یا شهید یا زکی یا لطیف یا غالب یا طالب یا جبار یا فعال یا خلاق» و روز هشتم این مهر را

بنویسد و مهر این است و بعد مهر را در زیر سجاده گذارد و هزار مرتبه «یا فعال یا
خلاق» بخواند و سجاده را بردارد و بقدرة الله تعالی هفت درهم در زیر سجاده ا
بهم رسیده باشد. وقتیکه بر میدارد که درکیسه گذارد چهل مرتبه «یا مذهب یا اسو
یا فعال یا خلاق» بخواند مادامی که آن درهمها درکیسه او باشد هر روز بإذن الله
هفت درهم درکیسه بهم رسد و در هر ماه هفت درهم صدقه کند و از برای ترویج آق
شمس الدین صد مرتبه فاتحه بخواند و هدیه کند و این مطلب بتجربه رسیده و مه
مزبور این است:



طریفة: قیل ان اسم ام موسی علیه السلام الذی تفتح به الأقفال و القیود هو هذ

طیسوم أیّوم قیّوم دیموم دیّوم

طریفة: گویند ختم سورهٔ مبارکهٔ الم نشرح بجهت قضای حوائج که اثر عظیم دارد
باین نحو است: که در روز چهارشنبه ماه شروع کند تا هفده روز روزی هفده مرتب
بخواند و بعد از هفده مرتبه خواندن یک مرتبه دعای «یا من تحلّ‌به» و دعای «ی
منتهی مطلب الحاجات» از صحیفهٔ سجادیه[۹۱] بخواند.

طریفة: گویند از حضرت امام حسین علیه السلام مروی است که فرمودند که حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرمودند که جهت قضای حوائج جمیعاً تا هفت روز هر روز هر یک از
این اذکار را هزار مرتبه باین ترتیب بخوانند حاجت او روا شود والا فردای قیامت
دامن گیر من باشد. روز شنبه «یا حیّ یا قیوم». یکشنبه «ایاک نعبد و ایاک نستعین»

www.telasm.com

دوشنبه «سبحان الله و الحمد لله». سه شنبه «یا الله یا رحمن». چهارشنبه «حسبی الله و نعم الوکیل». پنج شنبه «یا غفور یا رحیم». جمعه «یا ذاالجلال و الإکرام».

طریفة: گویند عرب دالی که ماقبل آن متحرک باشد آن را قلب بذال میکند چنانکه در همدان همذان میگویند ولی در استاد، استاذ می‌گویند بر خلاف قاعدهٔ مذکوره.

طریفة: یکی از عرفا گوید جمیع اجزاء عالم بحقیقت انسان مرتبط و ببرکت وجود او منضبط است .

زین آتش نهفته که در سینه من است

خورشید شعله ایست که در آسمان گرفت

شیخ ابو طالب مکّی در قوّة القلوب گوید أفلاک بأنفاس بنی آدم دایرند.

تو خود چه لعبتی ای شهسوار شیرین کار

که توسنی چو فلک رام تازیانهٔ توست

طریفة: گویند از حضرت امام محمد باقر عليه‌السلام مروی است که در ایّام هفته هر روزی هزار مرتبه و اگر طاقت ندارد صد مرتبه بخواند این اذکار را بترتیب آتی و در أثنای ذکر تکلّم باکسی نکند . سؤال نمیکند از خداوند تعالی چیزی را مگر آنکه باو عطاء خواهد فرمود انشاءالله تعالی:

روز شنبه «یا هو یا الله» روز یکشنبه «یا رحمن یا رحیم» دوشنبه «یا علی یا عظیم» سه‌شنبه «یا فرد یا احد» چهارشنبه «یا حیّ یا قیّوم» پنج شنبه «یا حنّان یا منّان» جمعه «یا ذالجلال و الإکرام».

طریفة: گویند اگر سوراخ مورچه را بسرگین گاو بگیرند دیگر بیرون نیایند.

طریفة: گویند اکثار در تلاوت سورهٔ «الفلق» موجب سهولت اسباب رز
وسعت آن خواهد بود.

طریفة: گویند هرکه این اسماء عظام را بعدد حساب جمل بخواند صفات بش
از او محو شود و بصفات حقّ باقی شود و دم عیسی علیه‌السلام پیدا کند و بسعادت
جهان رسد و رزق بروی فراخ گردد و از اسرار غیب بر او مکشوف گردد و بر ق
دیگر ۱۷۳۶ خواه به یک و خواه بدو دفعه در یک شبانه روز امّا در اول و آ
صلوات بفرستد «هوالله الذی لا اله الاّ هو الحیّ القیّوم القدیر المرید السمیع البص

طریفة: گویند جناب محمد بن حنفیه (رض)از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام
از اعداد اجزای جفری که بحسب تعداد حروف ابجد است و از ۲۸ درنگذرد نم
و اینکه مردمان در تعیین عدد اسماء سرگردانند این قدر در نیافته‌اند که وضع
حروف همان عدد او است بحسب ترتیب ابجدی و ابتثی و ایقغی و اهطمی و
شخصی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام سؤال کرد که من می‌خواهم که اسمی از اسمای
را دعوت کنم تعداد عدد او را نمیدانم. فرمود نظر کن که هر حرف او از چندم م
است از حروف ابجد، مراتب او را جمع کن تا عدد دعوت را دریابی و بعض
اولیاء این عدد را وسیط ابجدی خوانند.

طریفة: گویند هر یک از اسم مبارک «علي» علیه‌السلام و کلمه «لا إله إلاّ هو» مص
اسم اعظم الهی میباشد و عدد آنها نیز با یکدیگر بملاحظه یکی از قوانین عدد
جفریه مطابق است چنانکه در یکی از طرائف سابقه ذکرشد.

طریفة: گویند عزیمت اسم مادر حضرت موسی علیه السلم چنین است ا

رب هليا بنت وغيا المؤمنة الصديقة ام موسى عليه‌السلم بالله العزيز الكبير المتعال المهيمن الذی فتحت به الاطباق و استنارت به الافاق و فتحت به الاقاسی افتح هذا القفل او هذا الغلف و ان شئت قلت قلّت قلب فلان بن فلان علی مودّه فلان بحق هذه الاسماء الوحا الوحا الساعة الساعة العجل العجل العجل الحریق الحریق الحریق النار فی قلب فلان بنت فلان علی حبّ فلان بن فلان.

طریفة: قیل تصحف علی صاحب عجائب المخلوقات حیث قال حجر الصنونو بالصاد و الصواب انّه بالسین المضمومة و النونین و هو نوع من الخطاطیف.

طریفة: قیل کان عذاب سلیمان علیه‌السلام للطیر کما اشیر الیه فی قوله تعالی «لأُعذّبنّه» فی خصوص الهدهد جلسه مع غیر جنسه و قیل تزویجه عجوزا[٩٢].

طریفة: قیل الخضر علیه‌السلام هو ابن عامیل من ولد الطیّب یعنی ابراهیم الخلیل علیه‌السلام .

طریفة: یتمیز الذکر من العصافیر بلحیة سوداء کما فی الرجل و التیس و الدّیک.

طریفة: قیل لیس فی الارض طایر و لا سبع و لا بهیمة احنی من العصفور علی ولده کما هو المشاهد و هو لا یعرف المشی و إنّما یثب وثبا و هو کثیر السفاد فربما سفد فی الساعة الواحدة مأة مرّة و لذلک قصر عمره فانّه لا یعیش فی الغالب اکثر من سنة و عصفور الجنة هو الخطاف.

طریفة: قیل ان القرحة المستدیرة بطیئة الإندمال لعسر نبات اللحم فیها لانّ نباته انّما یبتدی من اطرافها فإذا کان لها زوایا کان نباته فیها اسرع ممّا فی منفرجتها و من ذلک قیل انّ من لوازم الطبیب العلم بالهندسة ایضاً.

طریفة: قیل ینبغی للعالم بعلم الطبّ الإقتصار علی اصل العلم و عدم الإقدام علی العمل و یکون قول الناس فلان یعلم و لا یعمل احبّ إلیه من قولهم یعمل و لا

يعلم إذ بالاول ينسبون اليه كمالاً و بالثانى يثبتون له وبالاً.

طريفة: قيل انه ظهر على منجم علامات غلبة الدم ، فشاور بعض جهال الأطباء بالفصد فقال منع جالينوس من فصد المنجم و جاء بكتاب فيه لا تفصد المنجم و قال هو منحم يا مفسود فقال اذا لم تسمع فافعل ماشئت و عن آخر انّه كان يطالع فى التشريح و يقرء الحسن البصرى بشهد بذلک فقيل له هو الحسن البصرى فقال هذا تصحيف و انّه كان جامعاً للعلوم و منه اخذ التشريح.

طريفة: قيل ان افعل التفضيل اذا اضيف الى نكرة يكون هو المضاف اليه فى المعنى كما اذا قيل زيد افضل رجل اذ المعنى انه اذا افضل الرجال واحداً واحداً فهو افضل فتامل.

طريفة: قيل ان الطب كان معدوماً فاوجده البقراط و ميّتاً فأحياه جالينوس و اعمى فبصّره حنين و متفرقاً فجمعه ابن زكريا و ناقصاً فكملّه ابن سينا.

طريفة: قيل ان فى بعض التواريخ ان لفظ فيلسوف يلقب به من تمهّر فى جميع اجزاء الفلسفه فصنّف جالينوس فى جميعها كتاباً و عرضه على ملک زمانه و سأله ان يلقب به فقال الملک نحن لانعرف مافيه لكن نبعثه الى فلان الفيلسوف فإن استحسنه نلقبک به فلما رآه قال مصنفه لايستحق هذا الإسم إنّما هو رجل طبيب.

طريفة: قيل وجه ان الجليد يطفو على الماء و يزيد ثقل الميّت فيه انّ الهواء ينفصل من الميت و ينسد منافذه بخلاف الجليد.

طريفة: قيل ان تولد الذكور فى الأيمن من الرحم و الأنثى من الأيسر و لذا كان مزاج الذكور أحرّ من مزاج الأنثى حيث انّ الأيمن من الرحم احرّ و لذلک قيل إن سبقت البيضة اليمنى فى العظم و الإنتفاخ وقت إنبات الشعر كان الشخص مذكارا و

إن سبقت اليسرى كان ميناثاً.

طريفة: قيل بروز اعضاء التناسل فی الذكور وكمونها فی الأُنثی دليل علی حرارة مزاجه و برودة مزاجها و لذلک لايكون فی من به اينة الذكر والبيضتان و اوعية المني مائلة إلی الخارج كالميل و لا يوجد مابون عظيم الذكر ينسل الخصی.

طريفة: قيل السبب الغائی لبرد مزاج الانثی انّ الجنين يحتاج فی تكوّنه و تغذيته و نشوه بعد الولادة بسبب الرضاع إلی مادة غريزة فلو كانت الانثی قويّة الحرارة لكان الغذاء يتحلل سريعاً و لا يجتمع منه مابقي بجميع ذلک يقيناً و ايضاً البرودة موجبة لأن يغلب عليهن الكسل ليصلحنّ لتربية الاخيه و لزوم المسكن و القيام بأمر الأولاد و مصالح البيت.

طريفة: قيل ان القلب يتحيرک دائماً حتی قيل أنه يتحرک فی النفس المعتدل عشر مرات خمساً انبساطية و خمساً انقباضيًا و لولا الريّة لتأذی عند سدّ النفس و حصره فی بعض الموارد.

طريفة:

بنويس سؤال را كم و بيش — زآينده و از گذشته خويش
اول عدد حروف بردار — و آنگاه بفارسی بنطق آر
پس هر دو عدد بيكديگر ضم — كردی كه نمود كشف مبهم
خواهی يابی ره وصالش — يک سطر بساز بی مثالش
از لفظ سؤال استوا پوی — و آنگاه بمدعات ره جوی
ملفوظی حرف را عدد گير — وز بعد عدد تو حرف برگير
وز بعد شه سرير لولاک — لولاک لما خلقت الأفلاک

میجوی امام و پیشوا را	سر دفتر کشور صفا را
یعنی که پس از الف بدل خواه	تو نقش مهین کعب را خواه
باباب ضمام و باب اول	کردیم ترا بحق محوّل
کاندر کتمان او بکوشی	وز ناهلان بجان بپوشی

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ

نظیره الحدی است که بعد از آنکه جواب برسد از موخر صدر رجوع بنظیره باید

اج دلکل س ع ص ض ق ش ذ غ

سروری چنین است

ب ه ز ح ط ی ف ر ت ث خ ظ

ملفوظی حروف چنین است

و م ن

طریقة: قیل لعقرب اثر ماتکون إذا کانت حاملاً و لها ثمانیة أرجل و عیناها فی

مـــيجوی امـــام و پـــيشوا را — ســـر دفـــتر كشـور صـفا را

يعنی كه پس از الف بدل خواه — تو نـقش مـهين كـعب را خـواه

بـاباب ضـمام و بـاب اول — كـــرديم تـــرا بـحق مـحوّل

كـــاندر كـــتمان او بكـوشی — وز نـــااهـلان بـجان بـپوشی

ن	م	ل	ک	ی	ط	ح	ز	و	ه	د	ج	ب	ا
غ	ظ	ض	ذ	خ	ث	ت	ش	ر	ق	ص	ف	ع	س

نظیره ابجدی است که بعد از آنکه جواب برسد از موخر صدر رجوع نظیره باید

اج دکل س ع ص ض ق ش ذ غ

سروری چنین است

ب ه ز ح ط ی ف ر ت ث خ ظ

ملبوبی حروف چنین است

و م ن

طريفة: قيل لعقرب اثر ماتكون إذا كانت حاملاً و لها ثمانية أرجل و عيناها فی

www.telasm.com

ظهرها و من لطيف أمرهاانها مع صغرهاتقتل الفيل و البعير بلسعها.

طريفة: قيل من غرائب أمر الحيّة أنها لاتريد الماء و لاترده إلاّ انّها لاتضبط نفسها عن الشراب إذا شمته لما فی طبعها من الشوق إليه فهی إذا وجدته شربت منه حتی تسكر و ربما كان السكر سبب هلاكها و انّها سايرة و عينها لا تدور فی رأسها كأنّها مسمار مضروب فی رأسها و كذلک عين الجراد و إذا قلعت عادت و كذلک نابها إذا قلع عاد بعد ثلثة ايّام و كذلک ذنبها إذا قطع نبت و من عجب أمرها أنها تهرب من الرجل العريان و تفرج بالنار و تطلبها.

طريفة: قيل قال موسی عليه‌السلام الهی أترزق فرعون و هو يدعّی الربوبيّة فأوحی الله إليه يابن عمران لوترک فرعون العبودية ما اترک الربوبيّة (۹۳).

طريفة: گويند بجهت قوهٔ حافظه چهل و يک روز اين آيـه را بـر انـجير خشک بخوانند و روزی چند دانه از آنها را بخورند و كمتر از يک دانه نخورند «إنّا نحن نزّلنا الذّكر و إنّا له لحافظون».

طريفة: قيل عن مولانا ابی عبدالله عليه‌السلام إذا همّ أحدكم يدخل بيتاً و يلصق خدّه بالتّراب ثم يقول:«أستغيث بالله و برسوله و بک يا فاطمة».

طريفة: گويند بجهت اولاد شدن مرداسنک با تخم مرغ ماليده بر ذكر مالند موجب اولاد ميشود چنانكه بتجربه رسيده و الله العالم.

طريفة: گويند در يكی از كتب تفاسير آورده آنكه بجهت توانگری عظيم كـه از حساب آن عاجز آيد در سه شب جمعه هر شبی دو ركعت نمازگذارده در هر ركعتی ده مرتبه سورهٔ مباركه حمد و يازده مرتبه سورهٔ مباركهٔ توحيد بخواند و بعد از سلام صد مرتبه صلوات بفرستد و الله العالم.

طريفة: قيل الحرارة على أربعة أقسام المحسوسة من جرم النار و المستفادة من الاشعّة و التى توجبها الحركة و الموجودة فى بدن الحيوان و هى الحرارة الغريزيّة و يسميها افلاطون النار الإلهيّة.

طريفة: قيل إنّ الخفاش يغذوالشعر و يهضمه و ليس فى أصناف الحيوان ماكان كذلک .

طريفة: قيل الشهوة قد تكون من الحرارة و تسمى شيرانيّة و قد تكون من البرودة و تسمى كلبية و هى التى بها المعدة جايعة و البدن غير جايع.

طريفة: از جمله مواضعی که مرئهٔ يائسه بايد عدّه نگاه دارد از جهت دخول وطی بشبهه است با او، و اگر شوهر او را طلاق دهد عدم عدّه طلاق موجب عدّه وطی مزبور نخواهد بود كما فی فتاوی العلماء.

طريفة: گويند نشاسته را با شكر و روغن بادام بريان كنند و نيم گرم تناول نمايند بجهت سينه و سرفه نافع خواهد بود انشاءالله تعالی.

طريفة: هرگاه چشم زاغ همراه كسی باشد او را خواب نميبرد والله العالم.

طريفة: گويند طريق حل كردن مريخ آن است كه برادهٔ مريخ را بآب نمک بشويند مكرر و بآب صافی نيز بشويند تا روشن شود پس خشک كنند و در تيزاب اشخار و فلفل مسجوق اندازد در بوتهٔ آهنی و آتش نرم كند تا آب نشف كند و بجوشاند تا هفت بار كه آن براده حل شود بر مثال سيماب و اين محلول جذب رطوبات و عقد طيارات كند و مشتری را محكم نمايد.

طريفة: گويند مريخ با علم و ملح قليا مذوب گردد و بشمس ممتزج گردد وصبغ ثابت دهد آن شمس مصبغ قمر را مصبغ نمايد.

www.telasm.com

طریفة: گویند نمک قلیا و تبرزد و طعام و سمّ الفار و نشادر هرکدام یک جزو و شوره دو جزو با هم خوب صلایه، یک روز بآب لیمو گذارند و بعد از آن بطرف کاشی کرده یک شب و یک روز در آتش گلخن گذارد و بعد از آن برآورده یک مثقال بر پنج مثقال مشتری یا زهره طرح نماید و مشتری را قائم نماید.

طریفة: گویند آب قلیائی که سه چهار روز غلیظ شده و نریخته باشند با سه مثقال توتیای هندی ممزوج نموده و فرّار را در آن ریخته بر آتش ملایم تا سه ساعت گذارده از کتان آب ندیده چند مرتبه صاف نمایند فرّار عقد شود باین تدبیر.

طریفة: گویند مکروه است آنکه در تاریکی نان خورند و غیبت کردن در مسجد و عطسه زدن در جامهٔ خواب موجب دیوانگی است و ایضاً در پشت طبق یا پرویزن نباید نان خورد.

طریفة: گویند رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: یا علی علیه السلام بر حذر باش از دعای أهل سخاوت و قران خوان که خداوند تعالی ایشان را زود اجابت فرماید و چون ماه نو بینی بگو: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله إلاّ الله و الله اکبر و لله الحمد و لا حول و لا قوة إلاّ بالله العلیّ العظیم» و گوشت خروس بسیار مخور که بسیار بد می‌باشد. یا علی مویز میخورده باش که فصاحتت زیاد میکند و بلغم را میبرد. یا علی چون سفر کنی یا بحرب دشمن روی سورهٔ «یس» را بسیار بخوان و سورهٔ «إنّا أنزلناه» را ده مرتبه بعد از «یس» بخوان و صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله فرستاده میباش. یا علی چون روزه بگشائی این دعا را بخوان: «بسم الله اللّهمّ بوجهک وجّهت و علی رزقک افطرت و علیک توکّلت یا غفّار إغفرلی یا غفّار».

طریفة: گویند بجهت تعجیل رزق مجرّب است «یا هو، یا من هو، یا لا إله إلاّ هو،

منعقد گردد و نشان آن پیاز آن است که در وقت کندن اگر سوزنی در وی زنی سرخ گردد و الله العالم.

طریفة: گویند طریقه سفید کردن زرنیخ آن است که بیاورد یک سفالی را و زرنیخ وزن نموده در بن دیگ گذارد و بر سر دیگ سرپوش سفالی و لب دیگ را بگل بگیرد هر گل که باشد تا بخار بدو نرود و هفت ساعت آتش زیر دیگ کند بعد از آن سر دیگ را بردارد و زرنیخ بر سر بسته باشد سفید جمع نموده یک بر پنج مس طرح نماید نقره گردد انشاء الله.

طریفة: گویند هرگاه روح را فرس سعاف سفیداب قلعی نموده در بوته بگذارد ثابت گردد.

طریفة: گویند بستاند شاخ و برگ زرشک و بکوبد و آبش را بگیرد و مس را در آتش سرخ کند و صد و بیست بار در آن فرو برد مثل زر طلایه می‌شود برنگ برابر شمس عمل کند.

طریفة: گویند هر گاه جیوه را با روغن گردو ملقمه و بسیار صلایه نمایند ثابت شود و حنظل هم همین حکم دارد و سفیده تخم مرغ هم چنین است.

طریفة: گویند بجهت احضار مشروع بر هفت دانه فلفل سفید بر هر یک سبع مرّات سورة زلزال بخواند و بدمد بر آن.

طریفة: قیل مرّ سلیمان علیه‌السلام ببلبل یتصوّت و یرقص فقال إذا أکلت نصف تمرة فعلی الدنیا العفا.[۹۵]

طریفة: گویند اگر خواهی هر چه بشنوی یاد بگیری این اسم را بنویس پشت دست چپ و بزبان بِلیس «الله موامه با سهلیم سعبرا سماعیر عمیر».

طریقة: گویند در عقد فرّار بیاورد مرداسنگ باجروی زرنیخ زرد صلایه کند و با سرکه بجوشاند تا دانگی از سرکه کم شود آنگه فرّار در آن بجوشاند مانند سنگ شود.

طریقة: گویند هرگاه خواهی عقرب را سفید کنی باید او را در کمین عوامل سحق کنی و آب بر سر وی ریزی تا خشک شود دو سه نوبت مکرّر چنین کنی سفید میشود انشاءالله تعالی.

طریقة: گویند چون فرار منعقد را بر نحاس طرح کنند آتش بسیار باید کرد چون سیخ آهنی در بگردانند زیبق در آن نچسبیده باشد مزاج تمام یافته آنگاه بگذارند و قدری سرب داخل کنند بدمند تا سرب بسوزد باز قدری سرب داخل کنند و بدمند تا سرب بسوزد چون سه دفعه آن عمل کنند نقره روناسی بیرون آید انشاءالله تعالی.

طریقة: فی الحدیث قال ابلیس یا موسی علیه السلام ایّاک أن تعاهد الله عهدا فانه ما عاهدالله احداً إلاّ کنت صاحبه دون أصحابی حتی أحول بینه و بین الوفاء به(۹۶).

طریقة: قیل قال رجل للحسن یا ابا سعد أینام إبلیس فقال لو نام لوجدنا راحة و لا خلاص للمؤمن منه إلاّ بتقوی الله (۹۷).

طریقة: قال فی الاحیاء(۹۸) من غفل عن ذکر الله تعالی و لو لحظة لیس له قرین فی تلک اللّحظة إلاّ الشیطان قال الله تعالی: «و من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطاناً فهو له قرین»(۹۹).

طریقة: قیل ان قیل لم قدّم الجنّ علی الإنس فی قوله تعالی «و ما خلقت الجنّ و الإنس إلاّ لیعبدون» (۱۰۰) فالجواب إنّ لفظ الإنس أخفّ لمکان النون الخفیفة و السّین المهموسه و کان الأثقل أولی بأول الکلام من الأخف لنشاط المتکلّم و راحته.

طریفة: قیل إنّ النبیّ صلی الله علیه و آله نهی عن نکاح الجنّ و عن زید العمی إنّه کان یقول اللّهم ارزقنی جنیّة أتزوّج بها تصاحبنی حیث ما کانت.

طریفة: قیل کان الشیخ عزّالدین عبدالسلام یقول و قد سئل عن ابن عربی فقال شیخ سوء کذّاب فقیل فکذاب ایضا قال نعم تذاکرنا یوماً نکاح الجنّ فقال الجنّ روح لطیف و الإنس جسم کثیف فکیف یجتمعان ثم غاب عنّا مدةً و جاء و فی رأسه شجّة فقیل له فی ذلک فقال تزوّجت امرأة من الجنّ فحصل بینی و بینها شیء فشجّنی هذه الشجّة قال الامام الذهبی بعد ذلک و ما اظن عن ابن عربی تعمّد هذه الکذبة و إنّما هی من الخرافات الریاضیة.

طریفة: قیل یمکن الزواج بین الجن و الإنس من جهة العشق کما فی الصرع علی ما قیل و قال الله تعالی «و شارکهم فی الأموال و الأولاد» و قد ذکروا أنّ الواق واق نتاج مابین بعض النبات و بعض الحیوان.

طریفة: قیل الأغلب انّ کُرة النار تکون مملوّة من الروحانیات.

طریفة: قیل فی الحبشة ضرب من الحیّات تطیر فی الهواء.

طریفة: گویند اسم اعظم بر دو قسم است خاص و عام و طریق معرفت عام مختص خواص است و اما طریق معرفت خاص بنابر طریق عارفین آن است که هر اسم از اسماء الله تعالی بحساب جمل یا قانون جفر با اسم احدی از آحاد مطابق بود اسم اعظم او آن است و قانون ارباب جفر چنان است که از عشرات هر ده را یکی اعتبار کنند و از مآت و ألوف هر صد را یکی گیرند و هزار را نیز همچنین یکی حساب کنند چرا که اسقاط عشره مصطلح ایشان است بدین اعتبار دوازده نه را طرح کنند و نه چون از ده طرح شود یکی بماند و از صد و هزار چون اسقاط نمایند

یکی بماند و از آحاد چیزی مطروح نشود بر تقدیری که عدد احاد بعد از اجتماع اعداد از عشر و عشرین متجاوز گردد زیرا که اگر اسقاط واقع شود مکرر طرح لازم میاید و گویند بنابر حساب جمل همان اسم را بعددش بخواند بعد از خواندن سورهٔ فاتحه بهمان عدد و سورهٔ الم نشرح نیز بـهمان عـدد و بـعد از آن بـهمان اسـم از خداوند تعالی حاجت را درخواست کند که انشاءالله تـعالی مسـتجاب است کـما ادعی فیه التجربه و اگر موافقت را در یک اسم نیافت در دو اسم الی چهار اسم هم می‌شود و الله‌العالم و در نزد بعضی مطابقت را بقانون جفری مذکور نیز میتوان اجرا نمود فتامل.

طریفة: گویند هر که اسم مبارک «الواجد» بجیم را بر هر لقمه نان که دردهن گذارد بخواند صاحب یقین خواهد گردید انشاءالله تعالی.

طریفة: گویند اگر کسی خواهد بجائی رود و کسی او را نبیند این دعاء را بنویسد و بر بازوی راست بندد:

«بسم الله الرحمن الرحیم لهّوه لهوما هفقا هفقاء».

طریفة: گویند بجهت ۳/۴ ۱/۳ ۲/۱ ۴/۶ این دو مثلث راکه یکی باسم طالب است و یکی باسم مطلوب نوشته و اسم طالب و اسم مطلوب بر روی هم گذارند و در زیر سنگ گران نهند که آزموده و مجرّب است و این مسلط در چهار رکن آن بدوح نوشته شده بحروف مقطعه و باید هریک از اسم طالب و مطلوب را بعدد در آورند و آن عدد را

بنویسند مثلاً اسم علی را باین نحو بنویسند ۱۰۳۰۷۰ و اسم نرجس را باین نحو ۲۰۵۰ ج س و هرگاه خواهند از غیر عدد نویسند باین نحو باید نوشته شود.

۳	۵۳ ۱	۲
۳۳ ۲	طالب	۸۳ ۳۲
۸	۳۱۶ ۳۱۱	۶

۳	۵۳ ۱	۲
۳۲ ۲۱	مطلب	۸۳ ۳۲
۸	۳۱۶ ۳۱۱	۶

د	حنی	ب
علیک	[illegible]	[illegible]
ح	[illegible]	د

د	حنی	ب
علیک	[illegible]	[illegible]
۸	[illegible]	د

طریفة: گویند از خواص زاج سفید آن است که چون کسی را چشم بد رسیده باشد آن را بخور نماید در آن قطعه بخور بقیه بصورت و شکل چشم ظاهر گردد و هرگاه او را در طرف قبلهٔ خانهٔ آن شخص بگذارند هرگز چشم بد بأهل آن خانه اثر نکند انشاءالله تعالی.

طریفة: گویند بجهت خفاء از انظار خصوصاً از خصوم و اشرار بر کف دست خود نویسد «ربّ أرنی ... تا و أنا أوّل المؤمنین»(۱۰۱) را و بر زبان نیز بخواند هیچ کس او را نخواهد دید انشاءالله تعالی.

طریفة: گویند از شیخ عاملی بهائی قدس سره العالی منقول است آنکه هر زنی که او را فرزند نشود این آیه کریمه با حروف مقطعه کسی که محرم آن باشد بر پهلوی راست زن نویسد و اگر محرمی نباشد غیر محرم بر کاغذی نویسد و بر پهلوی راست او بچسباند انشاءالله تعالی او را فرزند شود اما باید گوسفند فربهی شیشک بی‌عیب سیاه را در جایی که آسمان پیدا نباشد ذبح نماید و گوشت او را بچهل مؤمن خوراند

www.telasm.com

و شرط دیگر آن است که تعویذ بحروف مقطعه بدون کم و زیاد بنویسد تا فرزند کامل شود و شیخ مذبور که این تعویذ را قریب بنهصد کس دادیم از همه فرزند بوجود آمد آیهٔ مزبوره این است «ولو أنّ قرآناً سیّرت به الجبال أو قطعّت به الأرض أو کلّم به الموتی بل لله الأمر جمیعاً»(۱۰۳)

طریقة: گویند هرگاه نقره را بر موضع عقرب گزیده گذارند درد آن ساکن گردد انشاءالله تعالی.

طریقة: گویند هرکه هفت بار بر آب بخواند و بخورد «و مریم ابنة عمران» امساک حاصل شود و چون خواهد گشاده شود هفت بار نیز بر آب بخواند بقیهٔ آنرا که «الّتی احصنت فرجها...»(۱۰۴) باشد گشاده شود انشاءالله تعالی.

طریقة: ایضاً گویند نوشتن این حروف بر خرقهٔ سفید و بر بازوی راست بستن موجب اکثار در جماع خواهد بود [illegible]

طریقة: گویند نوشتن این شکل با تربت حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام و بگلاب شستن و آشامیدن آن موجب شفاء معجل خواهد بود و قد قیل انه والله شفاء و انه والله شفاء و انه مکتوب بین کتفی النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله

[illegible]

طریقة: گویند در وقت ماه نو دیدن نظر کردن در این سور بترتیب مزبور موجب محفوظیت از آفات و بلیات خواهد بود انشاءالله تعالی. محرّم: در سورهٔ الرحمن، صفر: در سورهٔ حمعسق، ربیع الاول در سورهٔ قد سمع الله (مجادله)، ربیع الثانی در سورهٔ تبارک، جمادی الاولی در مزّمل، جمادی الثانیه در مدثّر، رجب در سورهٔ یس شعبان در سورهٔ ص، شهر رمضان در سورهٔ محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله شوال و ذي‌القعده در

www.telasm.com

سورهٔ انّا فتحنا (فتح) و نساء، ذي‌الحجّه در حجر.

طریفة: گویند از حضرت امام موسی علیه‌السلام مروی است که چون خواهی رقعه‌ای به کسی بنویسی بجهت مطلبی که خواهی زود روا شود، وقتی که هنوز قلم را از مرکب سیاه نکرده باشی بر سر کاغذ بنویس: «بسم الله الرحمن الرحیم وعدالله الصابرین المخرج ممّا یکرهون و الرزق من حیث لا یحتسبون، جعلنا الله و ایّاکم من الذین لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» بعد از آن مطلب خود را بنویس، راوی گوید مکرر تجربه شد و تخلّف نداشت.

طریفه: گویند یکنوع از طرق خواندن سورهٔ مبارکهٔ یس این طریق است که سه مرتبه صلوات بفرستد و سه مرتبه سوره اخلاص بخواند و یک مرتبه آیةالکرسی بخواند و بعد از آن این دعا را بخواند:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم اللّهمّ یا صمدی من عندک مددی علیک معتمدی یا ناصر یا معین بحقّ ایّاک نعبد و ایّاک نستعین اغثنی علی کلّ حال بقوة قدرتک یا رحمن یا رحیم بحرمة یس و نبیّنا محمّد و اله الطیّبین الطاهرین المعصومین علیهم‌السلام من آل طه و یس و الحمدلله رب العالمین.

طریفة: گویند صاحب درّالنظیم آورده آنکه هر که سورهٔ الم نشرح را بر سینهٔ خود یا غیر بخواند از تنگی صدر خلاصی یابد و باطن وی منشرح گردد انشاءالله.

طریفة: گویند از شیخ معروف کرخی منقول است که هرگاه کسی بجهت حصول مقاصد هزار بار این دعاء را بخواند اگر مطلب او حاصل نشد بر من لعنت کند:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم آمنت بالله العلیّ العظیم و توکّلت علی الحیّ القیّوم».

طریفة: گویند آنکه اشعار معروفهٔ «و کم لله من لطف خفیّ...» الخ که منسوب

www.telasm.com

بجناب امیرالمؤمنین علیه السلام است و اینکه از لوح محفوظ بر آن جناب منکشف شده بسبب ولایت طریق خواندن آنها آن است که بعد از نماز صبح هفت مرتبه بخوانند و در وقت خواب نیز هفت نوبت بخوانند بجهت رفع و دفع آفات.(۱۰۵)

طریفة: گویند صاحب درالنظیم آورده آنکه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مروی است که هرکس سورهٔ مبارکه یس بنویسد و بشوید و آب او را تناول نماید در باطن روی هزار دواء و هزار یقین و هزار برکت و هزار رحمت درآید و هر مرضی از اندرون او زائل گردد.

طریفة: گویند شخصی از آخوند علاءالدین محمّد نقل نموده که هرکه را چیزی گم شود در وقت خواب با وضوء رو بقبله سیصد و یازده مرتبه بخواند «یا دلیل المتحیّرین» و در وقت خواندن با کسی حرف نزند و بخوابد البته دزد را در خواب بیند و ناقل گفته مکرر تجربه کرده‌ام.

طریفة: گویند هرکه فرزند خود را بنیّت حفظ کلام‌الله سورهٔ یوسف را یاد دهد و وی هرروزی یکبار بخواند بدین نیّت موفق خواهد شد بحفظ کلام‌الله انشاءالله تعالی.

طریفة: گویند خواندن سورهٔ مبارکه انفال بنیّت توانگری سه مرتبه مؤثر خواهد بود.

طریفة: گویند خواندن سورهٔ جمعه بجهت موافقت زن و شوهر پنج مرتبه و بیست و یکبار سورهٔ عصر بجهت رفع بدگوئی خصوم و ده بار سورهٔ لمزه بجهت

درد شکم نافع خواهد بود .

طریقة: گویند خواندن حرف میم بجهت امتناع مطلوب از اجابت خواهش او هفتاد مرتبه مؤثر خواهد بود.

طریقة: گویند اگرکسی آیهٔ «وافوّض أمري إلی الله إنّ الله بصیرٌ بالعباد» را بعدد او که هزار و هفتصد و هشتاد (۱۷۸۰) باشد بخواند با ضمّ عدد اسم خود مداومت کند خداوند تعالی او را مال کثیری یا منصبی یا دفینه‌ای باو برساند انشاءالله تعالی.

طریقة: گویند بجهت برخواستن ۳/۴ ۱/۳ ۲/۱ ۴/۶ بعدد طاق ۳ یا ۵ مرتبه بخوانند «و تَرَی الجِبال تَحسَبها جامِدَة و هِیَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحاب»[۱۰۵].

طریقة: درکتاب رفع و دفع مرحوم فیض قدسی (ره) نوشته بجهت سرعت انزال بر کاغذی نویسد و در دهن گذارد تا بیرون نیاورد انزال نشود :

ـــاا ٩ ط ٩ ٩ ـــاا ٩ ط ط ٩ ٩ . ـــاا ٩ ٥ ط ط ٤ ٩ ـــاا ٩ ط ٩ ٥

نسخه دیگر این طور است

طریقة: گویند بجهت قولنج بتجربه رسیده آنکه هرگاه اندکی حنا را بر آب زنند و بیاشامند در حال تسکین یابد انشاءالله تعالی.

طریقة: گویند اگر زاج سیاه را بسوزانند و در سوراخ موربریزند دیگر بیرون نیایند.

طریقة: قیل اذا صبّ عصیر السلق علی الخمر خللها بعد ساعتین و علی الخل خمّرها بعداربع و عصیرالصلق اصله تریاق وجع السن و الأُذُن سعوطاً وکذا للشقیقة.

نادِ علیاً مظهر العجائب

نادِ علیاً مظهر العجائب تجده عوناً لک فی النوائب
کل همٍّ و غمٍّ سینجلی بولایتک یا علی یا علی یا علی

طریفة: قیل عن امیرالمؤمنین علیه‌السلام انّ التاویل مشتق من الاول و الاول فی لغة العرب الاصل لانّ الاوّل اصل الأعداد و التاویل من الاول کالتاخیر من الآخر الی ان قال علیه السلام وکما انّ التاویل فی الرؤیا معکوس کذلک التاویل فی الشریعة.

طریفة: قیل فی ارض البلقاء جبل اسود علیه مکتوب بالعبرانیة «باسمک اللّهمّ جاء الحق من ربّک بلسان عربی مبین لا اله الاّ الله محمّد رسول الله علیّ ولی الله صلی الله علیهما» وکتب موسی بن عمران علیهماالسلام بیده.

طریفة: فیما اوصی محمّد علیاً علیه‌السلام من کتاب من لا یحضره الفقیه یا علیّ انّ الله عزّوجلّ اشرف علی الدنیا فاختارنی منها علی رجال العالمین .....ثم اطلع ثالثة فاختار الائمة من ولدک علی رجال العالمین ثم اطّلع رابعة فاختار فاطمة علیهاالسلام علی نساء العالمین قال بعض العلماء (ره) هذا یدل علی افضلیة کلّ الائمة علیهم‌السلام علی فاطمة علیهاالسلام.(۱۰۶)

طریفة: عن النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله حبّب الیّ من دنیاکم النساء و الطّیب و جعل قرّة عینی فی الصلوة (۱۰۷) قیل لم یکن مراده صلی‌الله‌علیه‌وآله بهذالخبر الاّ الصّلوة وحدها حیث یزداد الصلوة بالتزوّج و التعطّر کما فی الاخبار.

طریفة: گویند بستن انگشتان خنصر و بنصر از جانب مخالف یا هر دو جانب رعاف را باز می‌دارد علی ما جرّب.

طریفة: فی رسالة برء الساعة ان احبّ انسان برء هیجان عینه فی الحال اخذ الماء القراح و هو الماء الساذج فیغلی فیصب علیه شیئاً من الماء البارد و سقاه فیکون برء ذلک فی الساعة.

طریفة: قیل مما یشعر من اشعار ابن عربی علی ادعائه بانّه خاتم الولایة هذه

الابيات:

و ما فاز بالختم الذى لمحمّد صلى الله عليه و آله | من امّته و العلم الاّ انا وحدى
لقد بان لى رشدى و بانت معالمى | و لست بمجهول و لا انا بالمهدى
فذلک من اهل البيت و هو محمّد | او احمد لا يدرى و ربّى به يهدى
الى السنّة المثلى صراط الهنا | و عن امره العالى و هذا الذى يجدى

طريفة: قيل قال الشيخ محمد الحرّ(ره) فى جواب بعض المسائل الاحاديث الواردة فى ذم الصوفيه عموماً و خصوصاً و فى لعنهم و تكفيرهم و بطلان كلّ ما اختصّوا به متواترة تقرب من الف حديث و ليس لها معارض.

طريفة: فى كشكول الشيخ احمد الاحسانى من مستطرفات السرائر لابن ادريس عن يونس ابن ظبيان قال دخلت على ابى عبدالله عليه السلام و به رمد شديد فاغتممت لذلک ثم اصبحنا الى الغد فدخلنا عليه فاذا هو لا رمد بعينه و لا به علّة فقلنا جعلت فداک هل عالجت عينک بشىء ؟ فقال عليه السلام نعم فقلنا بما هو من العلاج فقال بعوذة فكتبناها و هى : «اَعُوذُ بِعِزَّةِ الله وَ اَعُوذُ بِقُدرَةِالله اَعُوذُ بِنُورِالله وَ اَعُوذُ بِعَظَمَةِاللهِ و اَعُوذُ بِجَلالِ اللهِ وَ اَعُوذُ بِبَهاءِاللهِ وَ اَعُوذُ بِجَمعِ الله (قلنا و ما جمع الله ؟ قال بكلّ الله) وَ اَعُوذُ بِعَفوِاللهِ وَ اَعُوذُ بِغُفرانِ اللهِ وَ اَعُوذُ بِرَسُولِ اللهِ وَاَعُوذُ بِأَئِمَّتِهِ (وَ سمى واحداً واحداً على ما يشاء) مِنْ شَرِّ ما أَحْذَر اللّهُمَّ اَنْتَ رَبُّ الطَّيِّبين»(١٠٨).

طريفة: فى كشكول الشيخ احمد الاحسائى : ميزان الاعتدال كتاب فى الرجال للذهبى من علماء المخالفين كبير محيط ليس لاصحابنا مثله فى الصحابة ذكر فيه ما معناه اردت الحجّ فلقيني زرارة بن اعين فقال لى إذا لقيت اباعبدالله عليه السلام سألته عن ذلک و قلت له انّ زرارة قال لى كذا و كذا ، فقال لى قل هو من اهل النار فتعجّبت من

ذلک فقال لی من زعم انّی اعلم من فی الجنة و من فی النار فقال لی نعم فلمّا لقیت اباعبدالله علیه‌السلام سألته عن ذلک و قلت له انّ زرارة قال لی کذا وکذا فقال لی قل هو من اهل النار فتعجبت من ذلک فقال لی من زعم انّی اعلم من فی الجنة و من فی النار فهو فی النار فلمّا رجعت و لقیت زرارة اخبرته بما قال فقال زرارة القی الیک من جراب النورة(۱۰۹).

طریفة: قیل اسم ابی طالب علیه‌السلام عبد مناف و اسم هاشم علیه‌السلام عمر.

طریفة: گویند هرگاه خون کنه را بر جائی مالند مو بیرون نیاورد.

طریفة: گویند کبریت با یک جزو نمک قلیا در قاروره مطین کنند بآتش زبل خفیف یک شب بگذارند و صبح بیرون آورند و بهر یک جزو سه جزو آب شیرین داخل کنند بجوشانند تا تمام آب را بخورد و بعد از آن در آب ریزند در ساعت حل شود و مزج گردد و بکار برند.

طریفة: گویند در عمل شمسی ترکیب فضّه چهار مثقال زهره سه مثقال روح توتیا نیم مثقال شمس نیم مثقال بهم بگذارند اعلا شود انشاءالله.

طریفة: گویند :

شش جزو ز زهره گر منقی سازی	یک جزو ز روح توتیا بگدازی
مانندهٔ زهره نقره گر یار کنی	معلوم کنی سرّ صفت پردازی
می‌ریز بریجه و همی آر برون	و آنگاه بکن با قمر و زر بازی

طریفة: گویند قلع منقی (یک و نیم) نحاس (یک) زیبق (نیم). قلع راگداخته با وی ملقمه نماید بعد مس راگداخته ملقمه را در آن اندازد و مکرر گداخته در پول ریخته قمر اعلا شود انشاءالله.

طریفة: هرگاه روح را با سفیداب قلع چنانکه ذکر شد ثابت کنی و با زیبق ملقمه نموده بامرموز در طریفهٔ سابقه ازک م ل و و پ ن ا چ ک ه که کلس شده باشد فرش و لحاف کرده تا زیبق نیز ثابت شود بعد از آن با نقره ضم کن اگر زودگداز شود قدری زهره منقی را با او ضم کن انشاءالله تعالی درست می‌شود فلیجرّب.

طریفة: آثم گوید هرگاه کسی مایل بمصداق یکی از قواعد کیمیائیه مذکوره در این کتاب شود بحقیقت آن واصل گردد هرگاه دید که صدق معنای شمس یا قمر بطور حقیقت بر آن نمی‌شود هر آینه از خدا بترسد و تدلیس نکند و بهرکس می‌فروشد صریحاً بگوید که این طلای معدنی و نقره معدنی نیست و بقید این وصف بفروش رساند و بعبارة اخری صریحاً بگوید این مصنوعی است و با این حیث می‌فروشم چنانکه مصنوعی را که بشوره و امثال آن درست می‌کنند صریحاً باین وصف می‌فروشند و هرکس عمل باین وصیت این عبد آثم نمی‌کند اگر عملی را از این کتاب فراگیرد بر او حرام و مورد مؤاخذه ملک علاّم قَهَرَ سُلطانه باد.

طریفة: قیل انّ بعض الامم القدیمه کانوا إذا خافوا وباء نهقوا نهیق الحمار یزعمون انّ ذلک یمنعهم من الوباء و انّ منهم من یزعمون انّ دماء الملوّن یشفی من الخبل و من یزعمون انّ علاج حول البصر ادامة النظر الی حجر الرحی فی دورانه و إنّها توجب استقامة العین و من معالجاتهم التی تعد الیوم الخرافة انّ المجروح اذا شرب الماء مات.

طریفة: قیل فی الحدیث إذا بلغ الرجل من امتی الخمسین فلیکل الحجامة.

طریفة: قیل لمّا بلغ معاویة (لعنه الله) خبر موت الاشتر النخعی (رضی‌الله عنه) بسبب عسل مسموم من دهقان من جانب معاویة قال ان لله جُنداً من العسل.

طریفة: قیل قال المثنی بن خارجة لان أموت عطشاً احبّ إلیّ من أن اُخلف وعداً.

طریفة: گویند در این دوره حاضره مهارت اطباء جدید بحدّی است که اعضاء رئیسه مرضی را که معیوب شده باشد می‌کند از ابدان ایشان و از ابدان اموات از انسان یا حیوان اعضاء رئیسه صحیحه آنها را بیرون آورده در اجواف آن مرضی قرار می‌دهند و بدین واسطه رفع امراض ایشان می‌کنند حتّی آنکه یکی از ایشان که اسم آن دکتر کرل می‌باشد می‌گوید دفن اموات بتمامها اسراف است و می‌گویند چنانکه ممکن است از ساعت معیوبهٔ مکسوره یکی از اجزاء صحیحهٔ آن را بیرون آورند و در ساعت دیگر قرار دهند همچنین ابدان انسان و حیوان نیز این امر در آنها متصور و ممکن خواهد بود و ترقیات عملیه را مراتب غیر متناهیه می‌باشد.

طریفة: قیل قال الاطباء الجدید وزان الکحول الذی یعنون به المادة السائله الفعالة التی هی روح الخمر و هی الساریة فی جمیع المسکرات هو مقدمه لداء السل فی شاربیها و مدرجة للامراض العضالة فی الکلیتین و الکبد و اذا ورث ابن السکیر نقصاً تبع به الحال لان یکون جانباً او مجنوناً.

طریفة: قیل من الآراء الخرافیة ما هو شایع علی الألسن من انّ القهوة تساعد علی الهضم.

طریفة: قال بعض العلماء انّ الاسلام فی هذه الاعصار محجوب بالمسلمین الاشرار.

طریفة: گویند از عادت قبیحهٔ هنود از اهل آمریکا آن است که مجانین را باید بقتل رسانند و همچنین از عادت قبیحه آن است که بعد از دفن میت خود اگر آن میّت را اسبی بوده باشد بیک دفعه هجوم می‌آورند بر سر آن اسب رجالا و نساءاً و به شمشیر و اسلحه آن حیوان را می‌کشند و پوست او را می‌کنند و گوشت او را

قطعه قطعه می‌کنند و در خانهٔ آن میّت تا مدتی اهل او از آن می‌خورند و چشم و گوشها و سمهای او را بجهت تذکر آن میّت حفظ و ضبط می‌کنند تا آنکه یکی از ورّاث قائم مقام او گردد.

طریفة: قیل ممّا ابدع من الصنایع العجیبة فی عصرنا هذا تلغراف بلاسلک (بی سیم) یوضع فی الجیب.

طریفة: قیل انّ عند اهل طبّ الافرنج انّ مضارّ التدخین لا تنحصر فی نیکوتین ای سمّه فقط بل انّ للدخان سموماً اخری تصیب شاربیه و هی موجودة فی ترکیب مادّة الدخان و هی البیریدین والکریزول و حامض الکربون و غیرها.

طریفة: قیل من معالجات اطباء الجدیدین للجنون استعمال مقدار کثیر معین من الافیون.

طریفة: گویند در خبر است آنکه تورات هزار سوره بود و هر سوره‌ای هزار آیه و هر آیه‌ای مقدار سورهٔ بقره بود.

طریفة: قیل سأل اعرابی عن النبیّ صلی الله علیه و آله أ یوسف أحسن أم أبوک ؟ قال صلی الله علیه و آله حسن یوسف علامة من آدم و قیل انّه بعد الذنب ظهرت فیه الادویة.

طریفة: گویند فرعون ملعون چهارصد سال عمر کرد و در این مدت او را بیماری عارض نشد و بیشتر غذای او مویز بود چنانکه در اخبار خواص بی‌شمار در مویز وارد شده.

طریفة: از ربیع منقول است آنکه چون تورات را از لوح نقل کردند یک جزو از اجزاء دوازده‌گانهٔ بار هفتاد شتر بود که در عرض یک ماه نتوانستند خواند.

طریفة: گویند پیش از خطاب الهی بحضرت مریم علیهاالسلام بلفظ «و هُزّی إلَیکَ..»(۱۱۰)

روزی او بدون تکلّف و سعی می‌رسید. مریم علیهاالسلام سبب را از حضرت حق پرسید جواب او آمد آنکه در قبل حالت تجرد ترا بود و الحال تعلّق قلب داری بفرزندت عیسی علیه‌السلام.

طریفة: گویند هنگامی که مائدهٔ آسمانی از برای قوم حضرت عیسی علیه‌السلام نزول یافت روی آن خوان بزیر و پشت آن بآسمان بود.

طریفة: گویند در بعضی از تفاسیر وارد شده که اسم حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله محمد و محمود و احمد است و محمّد از محمود بلیغ‌تر و احمد از هر دو بلیغ‌تراست.

طریفة: گویند نماز بصورت احمد است «الف» بصورت قیام «یاء» بصورت رکوع «میم» بصورت سجدهٔ «دال» بصورت قعود.

طریفة: گویند سلمان رَوّاق تفسیر کرده «الف شهر» در سورهٔ قدر را به هزار شهر که ملک سلیمان علیه‌السلام و ملک ذوالقرنین که هزار ماه بود.

طریفة: گویند در عهد چنگیزخان صیادی زنبوری را تعلیم کرده بود که چشم پلنگ را نیش می‌زد روزی در حضور آن سلطان این صید را نشان داد پادشاه مذکور حکم نمود آن زنبور را کشتند و دست صیاد را بریدند و فرمود هر خرد که بر بزرگی دلیری کند جزای او این است.

طریفة: در مصباح الشریعة آورده «العبودیة جوهرةٌ کنهها الربوبیّه فما فقد فی العبودیة وجد فی الرّبوبیة و ما خفی فی الرّبوبیة اصیب فی العبودیة»(۱۱۱) بعضی این حدیث را باین طور معنی کرده‌اند که عبودیت یعنی مخلوقیت کنه آن که حدوث باشد خبر از موجد و صانعی می‌دهد و آنچه در مخلوق نیست از صفات واجبیه در ربوبیه یافت می‌شود و آنچه در مخلوق است از صفات کمالیّه اصلا آن را در واجب

باید دانست علی حسب التکلیف.

طریفة: گویند تخمیر عقرب یعنی کبریت بدین گونه است : عقرب،نمک طعام نوشادر باهم صلایه کن تا غبار شود بعد از آن در دیگ کن و سرش محکم و یک شبانه روز آتش کن تا بگدازد و بگذار تا سرد شود (۳) از این ادویه را با (۷) زیبق صلایه کند و در شیشهٔ مسدود الراس در تنور خبّازان نهد تا سرد شود بغایت سرخ یک برده قمر طرح کند شمس شود انشاءالله.

طریفة: در نسخهٔ عقیقه‌ای مرقوم شده بود آنکه هرکس این دعا را هفت صبح بر هفت دانه مویز خوانده بخورد خداوند تعالی حفظ عظیمی باو کرامت فرماید و بتجربه رسیده : «اللّهُمَّ نَوِّر بکتابک قلبی و اشرح لي صدري و اطلق به لساني بحولک و لا قوّةَ اِلاّ بِالله العليّ العظیم».

طریفة: گویند تعلیق کهربا بر معده منع تخمه می‌کند و با خود داشتن آن جهت تقویت دل و رفع خوف طاعون نافع است.

طریفة: گویند چون آب زیره را بر بدن مولود در حین ولادت بمالند تا بخاصیة در مدت العمر منع تولد قمّل می‌کند و از مجرّبات شمرده‌اند.

طریفة: من طلب العلم فلیواظب علی قوله تعالی «رَبِّ زِدني عِلماً».

طریفة: لا ادری :

سخن چونیک نگوئی هزار نیست یکی   ولی چو نیک بگوئی یکی هزاربود

طریفة: قیل فی هذه الأذکار «یا هو،یا من هو،یا من لا إله إلاّ هو،یا من لا هو إلاّ هو» انّ الاوّل فناء عمّا سِوَی الله و الثانی فناءٌ فِی الله و الثالث فَناء عمّا سوی الذات و الرابع فناء عن الفناء عمّا سوی الذات.

www.telasm.com

طریفة: گویند در یکی از احادیث وارد است مفاد آنکه خدا را در زمین بندگان خالصی است که هیچ تحفه‌ای بزمین نمی‌فرستد مگر آنکه از ایشان باز می‌دارد و هیچ بلائی نمی‌فرستد مگر آنکه بسوی ایشان می‌فرستد.

طریفة: قیل وجوب التوبة عن الآثام کوجوب رفع السموم المهلکة عن الأجسام فانّ سمیّة الذنب و اهلاکه فی القلوب اشدّ من سمیة السموم فی القوالب فتصبر.

طریفة: قیل نسبة العادة الی الطبع کنسبة الشرع الی العقل وکان العادة طبع من خارج کما انّ الطبع عادة من داخل و یتظاهران و یتعاضدان إلی أن یصیرا کأنّهما متّحدان و العرف اخس الخمسة و مع ذلک یحکم علی الجمیع فی اکثر الناس قال بعض الحکماء رئوس الشیاطین ثلثة : شوائب الطبیعیة و وساوس العادة و نوامیس العامّة.

طریفة: قیل : در دل اهل دل بوقت طعام گندمی کژدمی بود بحرام.

طریفة: قیل اول من اثبت الاجسام الکون عنصراً ترجع الیه بعد التحلیل و لوکان تحلیلاً فرضیاً انّما هوطالیس الملیطی قبل المیلاد لستّة قرون علی ما دلّنا التاریخ فقال إنّ الماء هو الأصل الاوّل لکلّ شیء و انّ الأرض لیست الا ماء جمد و الهواء ماء ثقیل الزّنة و انّ جمیع الاشیاء تتغیّر دائماً من حالة إلی حالة إلی أن یؤول امرها إلی رجوعها ماءاً فاثبت للموادّ بامرها عنصراً واحداً هو الماء و انّ غیره یرجع الیه بعد تغیّرات تعرضه و هذا الرأی قریب جدّاً ممّا صرحت به الکتب السماویّة و مقالات شریعة الاسلام تعاضد فحواه و کذالک اصول الفلسفة الحدیثیة بأدنی تصرف فی التعبیر.

طریفة: قیل من اهمّ العناصر المکتشفة اخیراً «الرادیوم» کلمة یوم علی وزن ثوم

بمعنی العنصر و اول من عثر علیه (مسیوبکریم) فـی مـعدن اوزان ، و یـقولون انّ غرامان من الرادیوم یستحصل من ۳۰ الف پـوند (۷۰۰۰ خـروار) الاوزان . و مـن لطیف ما جری علی کاشفه انّه حین ما حمل الزاد الی لندن لأجل استیضاح احواله وضعه فی انبوبة من زجاج فی جیبه علی صدره فلاحت حُمرة علی جلده بعد ۱۵ یوماً و اعقبت تلک الحمرة مرضاً شدیداً علیه ما برء الکاشف منه الاّ بـمعالجات صبعة و هذا العنصر له آثار جلیلة و فوائد جزیلة تفضل علی الإکسیر الموهوم بکثیر و الله اعلم بما خلق و هو اللّطیف الخبیر.

طریفة: قیل من اراد عمل الحبر الکوبیا (ای الحبر الذی بعد أن یکتب به علی ورق ینقل الی ورقة ثانیة) فلیاخذ من الحبر الاعتیادی ثلثة اجزاء و یذوب به جزءاً واحدا من سکر النبات فیصیر معه الحبر المطلوب.

طریفة: قیل صفة صنعة الحبر الصیفی هی أن تأخذ من هباب الدخان ما شئت و لیکن ناعماً جداً و اعجنه بصبغة الکاد الهندی ثم ضعه علی نار هاویة لیصیر شدید القوام فهذا المکرب اذا حلّ منه بالماء یکون حبرا سودا جالکاً.

طریفة: قیل لحفظ الحبر و المداد من الغض و الفساد ضع فی کل ۳۰۰ درهم حبر قطعه من ملح الطعام بقدر البدقة.

طریفة: گویند اصطلاح اطباء و حکماء در نفس و روح بر تعاکس می‌باشد چه نفس در اصطلاح اطباء ارفع از روح است که روح بخاری باشد و نفس انسانی و در اصطلاح حکماء روح ارفع از نفس است که نفس طبیعت باشد و روح ملکوتی و در اصطلاح شرع بر حسب آیة شریفهٔ «الله یتوفی الأنفس حین موتها» نفس آن قوه‌ای را گویند که مادهٔ عقل و تمیز است و روح آنچه نفس و حرکت بان قائم است چنانکه

مضمون مذکور از ابن عباس منقول است.

طریفة: قیل من الفروق بین العلم و المعرفة انّه یعتبر فی العلم الاحاطة بالعلوم و حصوله للعالم و لا یعتبر فی المعرفة و لذا یقال عرفت الله و لا یقال علمت‌الله.

طریفة: عن النبی صلی الله علیه و آله من أراد أن یوتیه الله علماً بغیر تعلّم و هدیً بغیر هدایة فلتیزهّد فی الدنیا(۱۱۲) قیل الوجه السرّی انّ العلم مکنون فی کمون النفس و اذ یرفع الأمراض المعنویة لظهر و هذا الرفع هو التّزهّد المذکور فی الحدیث فتأمل.

طریفة: در روایتی است که حضرت ابی‌الحسن علیه السلام بـعلیّ بـن یـقطین (ره) فرمودند: ضامن شو تو از برای من یک مطلب را تا من ضامن شوم از برای تو سه چیز عرض کرد آن و آنها چیست فرمودند: اما آن سه چیز اول آنکه هرگز حرارت آهن بتو نرسد یعنی ترا نکشند و هرگز فقیر نشوی و هرگز بحبس و زندان نیفتی و امّا آن یک چیز این است که هر وقت یکی از دوستان ما پیش تو می‌آید باید همیشه او را اکرام نمائی پس علی بن یقطین ضامن شد و آن حضرت نیز ضامن(۱۱۳).

طریفة: در حدیثی است که حضرت کلیم علیه السلام کلام خدا را از جمیع جهات و جمیع اعضا می‌شنید قیل وجه ذلک انّه تعالی هو الاوّل و الآخر و الظّاهر و الباطن قیل المراد من الاوّل عالم العقل بحسب المبدأ فی القوس النزولی و من الآخر العالم المذکور بحسب الإنتها فی القوس الصعودی و من الظاهر مقام الواحدیّة و الالوهیّة و من الباطن مقام الاحدیّة و الغیب المطلق و قیل انطباقها علی العوالم الاربعه النزولیة اعنی الاّهوت والجبروت والملکوت و الناسوت فتأمل.

طریفة: قیل اولیته تعالی عین آخریّته و آخریّته عین اولیته من غیر ابتداء و لا نهایة کما استفید من الاخبار.

طریفة: گویند اگر قلعی را آب کنند و خوب گداخته شود با قدری زفت رومی اسفیل کوبیده در عمل قمری بکار آید چون خواهی بکار بری بگیر آب پیاز یک سیر پس بگیر طلق محلوب را و بر روی وی ریز این آب را بعد از آن فتیله و سه شبانه روز تحریک می‌کن هر روز پنج بار که نحیل می‌شود چون حلّ شد بگیر از این آب درهمی و از زیبق ده درهم و هر دو را با هم آمیزد در سوبه قصب فارسی کن یعنی در نی و مطیّن کن در خمیر آرد جو و شعیر و خشک ساز پس یک روز در آتش زبل اسب نه و بیرون آر منعقد شده باشد،درهمی از این بر ده درم رصاص کن که قائم گرداند بر خلاص انشاءالله تعالی و بعونه العزیز الحلیم.

طریفة: گویند مریخ با علم و ملح قلی مذوب گردد و بشمس ممتزج شود و صبغ ثابت دهد آن شمس منصبغ قمر را منصبغ کند.

طریفة: گویند طریق حل کردن مریخ آن است که بیاورد برادهٔ مریخ را و بآب نمک بشوید مکرر و بآب صافی نیز بشوید تا روشن شود پس خشک کند و در تیزاب اشخار و فلفل مسحوق اندازد و در بوتهٔ آهنین و آتش نرم کند تا آب نشف کند و بجوشاند تا هفت بار که آن براده حل شود بر مثال سیماب این محلول جذب رطوبات و عقد طیارات کند و مشتری را محکم سازد.

طریفة: گویند آب برنج که بیست روز در آفتاب گذارند تیزاب شود و طلق را حل نماید والله العالم.

طریفة: حضرت مستطاب ثقةالاسلام استادی العلام القمقام آقای حاجی میرزا یحیی اصفهانی بیدآبادی اعلی‌الله مقامه فی دار السلام که یکی از تلامیذ حضرت مستطاب آیةالله الباری شیخ مرتضی انصاری (قدس سره) بودند می‌فرمودند شیخ

استاد مذکور بتلامذهٔ خود وصیت فرمودند که سه خصلت است که یکی از آنها را خواه قصد قربت داشته باشید یا نه اتیان نمائید و یکی از آنها را خواه قصد قربت داشته یا نه ترک نمائیدو یکی از آنها را هرگاه قصد قربت داشتید اتیان و هرگاه قصد قربت ندارید ترکِ نمائید. اوّلی مباحثه و مدارسهٔ علمیه می‌باشد و دویمی مرافعه و قضاوت کردن و سیمی امامت در نماز جماعت کردن است و لقد اجاد فیما افاد من الوعظ الوقاد افاض الله تعالی علی روحه الشریف صنوف الإرفاد.

طریفة: آن بزرگوار براقم آثم فرمودند از یکی از اساتید اذن و اجازهٔ احضار جن گرفتم طریقه و دستوری داد که در یک اربعین در خانهٔ خلوت نظیف آن را با بخورات مقرره معمول دارم بعد از عمل و رسیدن روز چهلم در اطاق خلوت مشغول اوراد و عزائم مقرره بودم و مجمر آتش بخورات نیز موجود بود که ناگاه دیدم از سقف اطاق چند نفر بقامت اطفال که گویا پارچهٔ نازکی بر روی آنها بود فرود آمدند و در یک سمت اطاق نشستند و مشغول صحبت و مکالمه با یکدیگر شدند من صحبت آنها را گوش می‌کردم و می‌شنیدم یکی از ایشان بانها گفت که این شخص بجهت چه چیز مشغول این کار شده یکی در جواب گفت این شخص می‌خواهد از ما اسم اعظم الهی را فرا گیرد آن شخص اولی گفت که بمحمّد بن عبدالله صلی الله علیه و آله قسم که صلاح ما و صلاح او نیست زیرا که در میان ما جنگ واقع خواهد گردید و موجب هلاکت او خواد شد. فرمودند من چون این کلام را از ایشان شنیدم دست از عمل کشیده عزائم را قطع نمودم آن چند نفر نیز از نظرم مخفی گردیدند و یکی از اساتید راقم آثم می‌فرمود که اغلب از طائفه جن دروغ بسیار می‌گویند.

طریفة: ممّا یمکن ان یقال علی سبیل الاحتمال ان للنبیّ و الإمام علیهما السلام ابداناً مختلفة متطورة من المثالی اللّبی و المثالی العنصری اللّبی و العنصری القشری و انّ نسبة الکل غیر الاخیر الی سایر ابدان مَن سِواهم کنسبة الروح إلی البدن و انّها اشداء الشاب و القوام لا یتطرّق الیها دثور و فساد و انفصام امّا الأخیر فهو کاللّباس الساتر الطاری اخذاه باختیارهما کالعواری و هو کالقالب الاسدی الذی ربّما تقلب فیه امیرالمؤمنین اسدالله الغالب علیه السلام و هو ممّا یقبل الدثور و البلی و هذا ینحل اشکال ما فی بعض الاحادیث مفاداً «انّ میّتنا إذا مات لم یمت و إذا بلی فما هو ببال» (۱۱۴) فتأمل و افهم.

طریفة: از مجمع البیان نقلاً از ابن عباس مروی است که انّما بعث الرسول من الإنس ثم کان یرسل هو إلی الجن رسولاً من الجنّ. و عن العیون هل بعث الله نبیّا الی الجنّ ؟ فقال علیه السلام نعم بعث إلیهم رسولاً یقال له یوسف و فی نسخة یوسف بن یانان فدعاهم الی الله تعالی فقتلوه و هذا کان مبعوثا علیهم قبل أن یخلق آدم علیه السلام.

طریفة: یستفاد من بعض الاحادیث انّ نار السّموم التی خلق منها الجان لیس لها حرّ و لا دخان.

طریفة: از مرحوم مبرور عماد الاسلام و سناد العلماء الأصفیاء الاعلام آخوند حاجی ملا فتحعلی سلطان آبادی قدس سره منقول است که فرمودند : در زمان ارتحال مرحوم آیة الله سید بحر العلوم (رض) نوحه جن بجهت فقدان آن جناب از سرداب خانه او استماع شد چنانکه یکی از اعاظم علماء معاصرین ما از خود مرحوم حاج مذکور این حکایت را استماع فرموده.

طریفة: و ایضاً جناب مستطاب معاصر مفخم مذکور در کتاب مبارک خود که

مسمّی است به (منبر الوسیلة) می‌فرماید ملخصاً و مفاداً آنکه جناب میرزا محمد علی نام رشتی که از تلامذهٔ مرحوم فاضل اردکانی بود روزی گفتند فلانی تو خیلی زحمت مراکشیدی می‌خواهم یک چیزی بتو بدهم بایشان گفتم یعنی چه چه چیز گفتم احضار جن ، من گفتم اولاً شما خودتان بنمائید من ملاحظه کنم ، آیهٔ «قل اوحی» را تا آخر خواندند فرمودند حاضرند هر چه می‌خواهی سؤال کن من انگشتر فیروزه‌ای که در انگشت داشتم مخفیاً در دست گرفتم ایشان گفتند می‌گویند انگشتر فیروزه بدست راست گرفتی و من گفتم می‌خواهم خودم بشنوم و انگشتر را بدست چپ دادم صدای ضعیف باریکی از زیر تخت حوض که روی او نشسته بود شنیدم گفت : انگشتر فیروزه بدست چپ دارید تا آنکه می‌فرمایند بعد از آن نسخهٔ دعای قریثا بمن دادند و دستور العملی دادند که در صندوقخانه حجره که جای تنگ و تاریک باشد بجهت جمعیت حواس مشغول باشم حقیر قدری تامل نمودم بعضی از چیزهای او را بقول مقدسین اشکال نمودم گفتم جناب میرزا من از إلتفات شما در گذشتم و بهمان اخلاص باقیم. خیلی تعجب کردند متفکر شدند گفتند من بزحمت ها این عمل را بدست آوردم تو میگوئی نمی‌خواهم.انتهی کلامه زید اکرامه.

طریفة: یکی از علماء معاصرین از اهل بیرجند نقل فرمودند از جناب حاج مذکور آنکه یکی از صلحا عظام را خود ملاقات نمودیم که از جهت تصرف تقوائی و عبادتی بمقامی رسیده بود که جمع کثیری را بمطبوخ در دیگچهٔ کوچکی ضیافت کرد و همگی راکفایت نمود.

طریفة: صاحب کتاب مبارک منبر الوسیله مذکور نقل نموده ما مفاده ملخصاً آنکه روزی مرحوم سید بحرالعلوم مذکور اعلی الله مقامه در روز شدید الحرّی از کربلای

معلّی بیرون آمد بعزم نجف اشرف چون از شهر و باغات او گذشتند ابری مخصوص پیدا شده و بر سر آن بزرگوار و همراهان ایشان سایه افکن گردیده و آن غمامه همراه ایشان بوده تا بکاروانسرای شور رسیدند.

طریفة: در مخزن می‌فرماید حل طلق بطریق اسهل: صابون حلبی را بطلق بمالند و طلق را در بوته کرده بآتش برافروزند و بعد از آن بطریق جواهر روی سنگ سماق صلایه نموده استعمال نمایند.

طریفة: گویند لرؤیة المطلوب فی المنام بر دست راست بخوابد و هفت بار بگوید «یاأخی اخفربي» و هفت بار دیگر «اخفربي یاأخی» و بخوابد و با کسی تکلم ننماید، آنچه مطلوب است باو گفته شود انشاءالله تعالی.

طریفة: قیل إذا أردت أن تعلم أیّ الزوجین یموت قبل صاحبه فاحتسب اسم الرجل و اسم المرئة و القی من الجمله واحدة و القی ما اجتمع معه کل سبعة سبعة فإن فضل زوج، ماتت المرة قبل الرجل، و إن فضل فرد، مات الرجل قبلها.

طریفة: گویند هرکه سه حرف نورانی که در آیهٔ «و لله یسجد ما فی السموات و ما فی الأرض من دابّة و الملائکة و هم لا یستکبرون، یخافون ربهم من فوقهم و یفعلون ما یؤمرون» بنویسد و ۶۰ حرف سین برگرداگرد او بنویسد بدور آن و سه اسم بر تحت او بنویسد اوّلی «یا حیّ» دوم «یا مهلک» سوم «یا ملک» و درجائی با بوی خوش بنهد ، غائب زود بیاید و نام غائب را در تحت او بنویسد.

طریفة: گویند بجهت زکام هفت عدد خرما را در سرکه ترش نهد و در شبنم گذارد

هر صباح بناشتا بخورد یک عدد خرما را و قدری از آن را شب بخورد نافع باشد.

طریفة: گویند از برای دفع صلابت قمر باید سمّ‌الفار و رشته قلم راگرفته هر یک را جدا صلایه نموده در وقت جوشیدن قدری از آن.

طریفة: گویند هرگاه شاهتره را بجوشانند و آبش را بریزند و ببویند زکام را نافع خواهد بود.

طریفة: قیل فی تبیض النحاس تنفع العاقرقرحا و الملح و الخل ثلث ایام ثم تحمی النحاس و تطفیه فی هذا الخل کذلک اثنی عشرة فیصیر النحاس مثل الرصاص لینا و بیاضاً.

طریفة: گویند در تنقیهٔ زهره تا همچو نقره سفید شود بستاند بوره و شب و زاج و نوشادر و کف دریا و تنکار مجموع را سحق کند پس زهره را بگذارد و اندک اندک طرح کند تا همچو برف سفید شود اما همه برابر باشد.

طریفة: گویند تنقیهٔ زهره بجهت شمس ، زهره را آب کند و در میان شیره بریزد سه مرتبه .

طریفة: در نسخه‌ای نوشته بود آنکه هرگاه زاک را پی «پیه» زنند موم می‌شود.

طریفة: ایضاً چون خواهد کاری را شروع کند که زود تمام و عاقبت او بخیر گردد زنخ را بر سر زانو نهد و سه مرتبه بخواند «سهلاً بفضلک یا عزیز».

طریفة: گویند بجهت پاک کردن نوشته از کاغذ سفیداب قلعی را نرم سوده بهمان

وزن صمغ عربی را گداخته سفیداب را با صمغ عربی قرص سازد هرگاه خواهد از آن قرص قدری تر نموده بسر قلمتراش بر بالای مرکب نوشته و غیره بمالد و بگذارد که خشک شود چون سر قلمتراش بمرکب رسد تمام از روی کاغذ محو شود بی آنکه جای خط معلوم شود.

طریفة: گویند پوست تخم مرغ نفوخ سوختهٔ او بقدری که سیاه شود و خاکستری نگردد جهت رعاف (۱۱۵) مهلک مجرب است.

طریفة: گویند نور حلو شیرهٔ او با شکر جهت سرفه مجرب است.

طریفة: گویند روغن زخم آن است که روغن بید انجیر خالص و مساوی آن آهک آب ندیده اعلای تازه صلایه نموده در آن ریزد و نصف روز بگذارد و بطریق قرع و انبیق یا تنکیس روغن بچکاند جهت همهٔ زخمها بی عدیل است.

طریفة: گویند تریاک مصنوعی عملی آن است که به را در کهنهٔ نم‌دار پیچیده در زیر خاکستر پخته کند بعد آن را با تریاک مساوی صلایه کند یکی شود.

طریفة: گویند سوره «اک ن و ا ل ف ا ن د ح ز ف ل ع ن ص ا» را سیزده مرتبه بر نمک بخواند و بر «ا ص ث ع ش» اندازد «ی ک ل ح ق ض ک ر».

طریفة: گویند بجهت «ا ن ح ک ض ف ام ر» چهارصد و چهل و چهار مرتبه بخواند تمام نشده مقصود حاصل گرددانشاءالله یا مقلب القوب به نیّت امر مذکور.

طریفة: گویند «یابصیر» را هرگاه در لوح گذارد و با خود دارد هر آرزوئی که از خدا طلب نماید البته حاجت او رواشود و سیصدودو نوبت یابصیر بگویدلوح این است:

ر	ی	صیر	ب
ب	صیر	ی	ر
ی	ر	ب	صیر
صیر	ب	ر	ی

طریقة: گویند بجهت قضای حوائج نظر کند بآسمان و بگوید:«بسم‌الله الرحمن الرحیم» سه مرتبه پس حاجت را بخواهد و باید پلکهای چشم را بر هم نزند.

طریقة: گویند از ابوجعفربن بابویه قمی مروی است آنکه هرکه این دعا را هفتاد و یک مرتبه بخواند اگر در روز باشد شب بمقصود رسد «یا حیّ یا قیّوم یا حلیم یوم لا ینفع مالٌ و لا بنونٌ إلاّ منْ أتَی الله بِقَلبٍ سَلیمٍ و اُزلِفَت الجنّة للمتّقین غیر بعید»

طریقة: گویند هر کس یک حروف ظلمانی که از بسم الله است مثل «ب» بنویسد و شش ۶ حرف سین برگرد او بنویسد و نام شخصی که خواسته باشد $\frac{۱}{۸}\frac{۱}{۱}\frac{۳}{۳}\frac{۲}{۱}$شود در زیر ظلمانی که میان است بنویسد و در دیوار رو بقبله نهد مجرب است که غائب شود و الله العالم.

طریقة: گویند از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام منقول است که بجهت حصول مراد این ذکر را بعد از نماز صبح دوازده نوبت بخواند در همان روز بمراد رسد و مجرب است :«بسم الله الرحمن الرحیم توکّلت علی الحیّ الّذی لا یموت و الحمد لله ...الی کبّره تکبیراً».

طریقة: در نسخه‌ای نوشته بود که قرطاس رقیق بر طرفین درهم یا دینارگذارد و بفشارد که سکه بردارد و بعد کاغذ را برهم بچسباند و در زیر مصلی گذاشته دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت حمد و آیة الکرسی و آیهٔ «و عنده مفاتح الغیب ...تا مبین» بخواند و در سجده آخر آیه را بخواند و ببرون آورد درهم شود در وقت طلوع آفتاب یکشنبه.

طریقة: قیل:

خوردن خشخاش آرد خواب را — رغبتش کن ای ز بیداری سقیم

www.telasm.com

سـرعت انـزال اگـر داری دهـد   سـرعت انـزال را نـفع عـظیم

طریقة: ایضاً گویند مبالغهٔ اطباء در معالجه بحدّی است که اگر کسی در خواب بیند که مسرسم است همان ساعت که بیدار شود فصد کند و دوا خورد.

طریقة: ایضاً گوید پیاز راکه او را بصلیه گویند بجهت زیادتی منی و قوت باه و از برای سرد مزاج نافع بود و مضر است از برای محرورین و مصلح او زرشکیا و سمافیا طریقهٔ او آن است که گوشت را قیمه کنند و در روغن بریان کنند و دو وزن گوشت پیاز ریخته و قدری دارچینی و زیره و گشنیز و نمک در هم آویزند و بپزند تا مهرا شود و آن قدر آب داشته باشد که نسوزد و اگر زردچوبه و زعفران داخل کنند بهتر باشد و بجهت مبرود اگر سیر داخل کنند انفع اشیاء است.

طریقة: ایضاً چون آهک و برگ توت کوفته و بیخته بروغن دنبه سرشته برزخم مار و عقرب نهند درد را بالخاصیه ساکن گرداند و یا قدری کوفته و بدوشاب سرشته فی الحال درد را ساکن کند و همچنین چرک گوش خمیر و سریش بسرکه ترکرده و ورق الکرم و مغز جوز و انجیر و سیر کوفته و اگر سیر را کوفته بر موضع نیش مار گذارند زهرکار نکند و در ضرر هوام موذی تریاقی نیست چون مس خراطینی و هیچ تریاقی بآن نرسد و صفت آن در کتب طبیّه مذکور است فلیرجع الیها.

طریقة: گویند حلاب در اصطلاح اطباء غیر از گلاب فقط است بلکه مراد از آن شکر گلابی است بطریقی که معمول ایشان است و می‌سازند.

طریقة: گویند القاهربالله که از خلفای بنی عباس بود و مرد قاهر جابری بود چون چشم او را کندند تا سی‌سال دیگر زندگانی کرد و بردرهای مساجد و مدارس می‌ایستاد و میگفت ایها الناس خلیفهٔ خدا را چیزی بدهید ایها الناس امام و پیشوای

خود را رعایت کنید.

طریفة: از جمله چیزهائی که موجب ضعف چشم می‌شود نگاه کردن در چشمه آفتاب و هر درخشنده و مطالعه خطوط خفیّه و سربرهنه در آفتاب گشتن و بریان و کباب تنوری و سیر و پیاز و عدس و باقلا و گوشت قدید و سرکه و چیزهای شور خوردن و شب دیر غذا خوردن و برامتلای معده خوابیدن و روز بسیار خوابیدن و در تاریکی مکث کردن و در جرم خورشید منکسف نگاه کردن است. و بسا موجب عمی شود و فریاد کردن و آب بسیار خوردن و صبر بر تشنگی و ترشی خوردن و یخ و برف خوردن و بر چیز سیاه نگاه کردن. و از آنچه موجب قوۀ چشم می‌شود آب بادیان ساده و با شکر کشیدن است و ازآن بهتر آب انار ترش و آب بادیان و زهره گاو و عسلی که آتش ندیده باشد و اکتحال آن نفع بسیار می‌دهد و اکتحال به زعفران چشم را جلا می‌دهد و چکانیدن گلاب در چشم و چشم را بآن شستن صحت آن را نگاه می‌دارد و باصره را قوی میکند و بوئیدن شکر در هر شبانگاه روزی چند بار از برای قوّۀ باصرۀ مشایخ نافع بود و کذا سعوط باب ببخ سلق و نظر کردن در چشم گورخر موجب صحت چشم و منع نزول آب خواهد بود و نظر کردن به دُبّ اصغر که کوکبی است مشهور و بقطب و جدی هر علتی که در چشم حادث گردد زایل گرداند و قوه دهد و مالیدن دست و پا قوۀ باصره را زیاد کند و اگر کسی انگشتر فیروزۀ خالص خوب در انگشت کند هرگز کور نشود و محتاج بعینک نگردد انشاءالله و قوۀ کحلها تا یک سال است مگر کحلهای از احجار معدنیه که سالها قوۀ آنها باقی است و داروهای چشم را باید در آبگینه نگاه دارند.

طریفة : در کتاب مذبور مذکور است در باب حَبهای امساک منی از آن جمله این است که بسیار نافع است هم امساک کند و هم قوّت بیفزاید و هم عنین را که نزد مقاربت انزال شود سود دارد و سرعت انزال را زایل کند اجزایش هفت است بغیر عسل و قند و شربتش آن مقدار در هر طبعی که اندک تحذیر آورد و هر حبی برابر بنقی(۱۲۰) و عنین تا یک ماه استعمال کند و غیر آن تا مراد برآید ص جوز ابوابسبابسه دارچینی قرنفل حرمل افیون مکد یکدرم کنجد سیاه شش درم همه را سائیده افیون را در عسل حل کنند و با بیست و پنج مثقال قند سفید حب کنند تا آنکه گوید این حب مستعمل این ضعیف است و از این حکایتهاست الخ. ۱

طریفة : ایضاً حرمل،زنجبیل،نخود بریان،قند سحق کنند مساوی و حبها کنند مقدار نبق و هر شام مقدار یک رطل شیر گاو و شیر گرم در عقبش می‌خورند و تا دو حب و بیشتر توان خوردن.

طریفة : ایضاً دندان مار ربع را زائل کند و شاخ سودهٔ گاو در طعام همچنین و استخوان که بر کنار بال خروس است چون بر مربوع بمالند رفع تب کند و تعلیق چشم راست خروس چون در خرقه پیچیده همان نفع دهد و تار عنکبوت که کثیف تنیده بدستور.

طریفة : ایضاً اگر قولنجی بر پوست گرگ نشیند و بر آن خسبد نفع تمام دهد و اگر کمری از آن سازند و بر میان بندند و هر سال کمر را نو کنند همچنین است. و همچنین عقرب سوخته همین عمل کند و قرن ابل محرق وجع قولنج شدید مهلک را در دم شفاء دهد چون یک مثقال از آن را بیاشامد.

طریفة : ایضاً حب شبیار یستعمل باللّیل و ینام علیه یفعل فعله و لا یؤذی و هو

ینقی الدماغ والمعدة و یسهل اسهالا خفیفا ص صبر مغسول دو درم، مصطلکی نیم درم، کوفته و بیخته بآب بادیان حَب کنند و همه یک شربت است.

طریفة: گویند مضمضهٔ زیره کرمانی که طبخ یافته باشد مسکن درد دندان و نزلات خصوصاً با صعتر خواهد بود.

طریفة: گویند خائیدن کُندر بجهت سرفه رطوبی و تقویت لثه و دندان نافع است و چون یک مثقال او را در آب خیسانند و آن آب را بنوشند و مداومت بآن نمایند جهت رفع نسیان از مجربات دانسته‌اند ولیکن اکثار آن باعث جنون و جذام خواهد بود.

طریفة: گویند همراه داشتن کهرباء بجهت تقویت دل و رفع خوف طاعون نافع خواهد بود.

طریفة: گویند:

شبه را در زجاج سوده بگداز	همان تا سرد گردد بوته سرباز
زجاج سوده ار ماند در او زیر	میان اندر شبه ای ماه کشمیر
بروز آید بمانند زر پاک	که قرنی خفته باشد در دل خاک

طریفة: گویند در بیان عمل حملانی قمری آنکه بستان زرنیج سرخ یا زرد چندانکه خواهی و بازردهٔ تخم مرغ بغایت نیک بکوب و آن را در پاتیله کن و شیر تازه بر وی بریز که کف از وی گرفته باشند و بآتش بجوشان تا شیر تمام برود و باز او را بکوب کوفتنی نیک بعد از آن در شیشه کن و بگل حکمت ببند و دو سر وی گیر

بآهک و سفیدهٔ تخم مرغ و در تنوری نه که تافته باشند و یک شب بگذار چون سرد شود بیرون آر بعد از آن بگیر مس را و بگداز و در آب قلیا یا آهک ریز چند نوبت تا نیکو پاکیزه گردد پس از آن زرنیخ بد را مثقالی برده مثقال از این مس پاک کرده مطهر طرح کن سفید گردد بعد از آن برابر با نقرهٔ خالص بگداز حملانی باشد در غایت خوبی و پاکی.

طریفة: گویند در وصایای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بحضرت امیر علیه‌السلام است آنکه هر که در وقت طلوع آفتاب هفت مرتبه سورهٔ فاتحه الکتاب و هفت مرتبه آیة الکرسی و هفت مرتبه قُل اَعُوذ را بخواند و بعد از آن هفت مرتبه بخواند: «اَللّهُمَّ اغـفِرلي وَ لِوالِدَيَّ وَ لِجَميعِ المُؤمِنينَ وَ المُؤمِنات وَ المُسلِمينَ وَ المُسلِمات الأحياءِ مِنهُم وَ الأموات إنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیءٍ قَدیرٍ» تا مدت یک سال فرشتهٔ دست چپ گناهان او را ننویسد و محفوظ از همهٔ آفات و نیک بخت دو جهان گردد.

طریفة: قیل إذا رأیت رؤیا فی المنام فانظر الی اللّیلة التی أنت فیهاکم من الشهر ثم خذ بعدد اللیالی سوراً من القرآن من اولی الی لیلة الرویا ثم خذ من السورة الأخیره بعدد السور آیات فالآیة الأخیرة تفسیرها تعبیر الرؤیا و الله العالم.

طریفة: قیل اذا نفع العصف فی الخل سوّد الشعر.

طریفة: در اخبار اهلبیت علیهم‌السلام بجهت رفع و دفع خستگی پیادگان در سفر امر به نَسَلان فرموده‌اند ونَسَلان مثل هَیَجان بمعنی سرعت درمشی است.

طریفة: گویند فوتنج تریاق ذوات السموم است کلّها.

طریفة: گویند سیر مشوی بجهت درد دندان متاکل نافع است.

طریفة :گویند فجل کغفل که ترب باشد خوردن آن بعد از طعام هاضم و بعد از آن مطفی حرارت است.

طریفة : لفظ متاخم که علمای شرع در ظنون استعمال می‌کنند بر وزن مناسب است از باب مفاعله بمعنای هم حدّ بودن است که از تخوم بمعنای حدود باشد.

طریفة : قیل: قال مولانا الصادق عليه السلام لرجل خراسانی اشتکی من وجع الرأس قم من ساعتک هذه فادخل الحمّام و لا تبتدءان بشیء حتی تصبّ علی رأسک سبعة اکف ماء حار و سم الله تعالی فی کلّ مرة فأنّک لاتشتکی بعد ذلک انشاءالله تعالی (١٢١).

طریفة : من عجب خواص الدهنج إنّه إذا سقی انسان من محکوکه یفعل فعل السمّ و إن سقی شارب السمّ نفعه.

طریفة : قیل الملح اکّال للحوم الزائدة و یشدّ اللّثة المسترخیة خصوصاً الاندرانی و هو الذی کالبلور.

طریفة : قیل إن غسل الارز ثم جفّف ثم قلی ثم رضّ فطبخ ثم اکل بالشحم فهو نافع من الزّحیرکماروی عن الصادق عليه السلام .

طریفة : قیل ان شویت جوزة بالنار و اکله نفعت من المقص کما فی الحدیث .

طریفة : قیل ان دوق وزن دانق شونیز و نصف دانق کندس ثم ینفخ فی الأنف فإنّه یذهب بالزکام کما روی عن الصادق عليه السلام . قیل قال الکندی کان ابونصر لا یبصر القمر و لا الکوکب باللّیل فاستعطّ بمثل عدسة کندس بدهن بنفسج برأ فی اللیلة الثالثه برءاً تامّا.

www.telasm.com

طريفة : قيل طبيخ الحلبة بالماء جيد للزحير و الإسهال.

طريفة :گويند فانيد كه در طبّ اخبار و كتاب اطباء كثير الإستعمال است بمعناى شكر پنير است.

طريفة :گويند لبن حليب كه در اخبار آمده احتراز از ماست است.

طريفة : قيل اذا دخنت المقعدة ببذر الكراث اذهب البواسير.

طريفة : قيل اكل التفاح نافع للوباء كما فى الحديث.

طريفة : قيل نقف الشعر من الأنف يورث الجذام و تربة المدينة تنفى الجذام.

طريفة : قيل إن أُخذ السّنا مع الزبيب الأحمر الذى لا نوى له و يجعل معه هليلج كابلى اصفر و اسود اجزاء سواء و اخذ على الريق مقدار ثلثة دراهم و حين يأوى إلى الفراش مثله فذلك امان من الجذام و الفالج و اللقوة و الجنون.

طريفة : قيل فى الحديث انّ البسنفج باردٌ فى الصيفِ حارٌّ فى الشتاء لين على شيعتنا يابس على عدوّنا[١٢٢].

طريفة : فى الحديث انّ الحرمل شفاء من سبعين داء اهونه الجذام فلا تغفلوا عنه و فى خبر فتداووا بها و بالكُندر.

طريفة : عن النبى صلى الله عليه وآله من شرب الحرمل اربعين صباحاً كلّ يوم مثقالاً لاستنار الحكمة فى قلبه و عوفى من اثنين و سبعين داء اهونه الجذام[١٢٣].

طريفة : قيل:قال جالينوس كلّما كان من الادهان يعتصر من غير الزيتون فإنّه يسمى بزيت بطريق الإستعارة.

طريفة : قيل الفرق بين البرص و البهق انّ البهق مخصوص بالجلد و لا يغور فى

اللحم و البرص بنوعیه الأسود منه و الأبیض یغور فیه.

طریفة: قیل عن امیرالمومنین علیه السلام إذا کان باحدکم اوجاع فی جسده و قد غلبته الحرارة فعلیه بالفراش فقیل للباقر علیه السلام ما معنی الفراش قال غشیان النساء فإنّه یسکنه و یطفیه(۱۲۴).

طریفة: گویند در این ربع مسکون هفده هزار شهر است از شهرهای بزرگ و هرگز این ربع از هزار پادشاه خالی نباشد.

طریفة: گویند قلعی از زرنیخ و زیبق است نه از کبریت و حکما متفقند برآنکه سرب بهتر است از قطعی.

طریفة: گویند از عبایر (۱۲۵) حکماء اکابر است که العقل و النفس و الطبیعة بمنزلة واحدة.

طریفة: حکماء گویند اگر زحل نبودی طحال نبودی و اگر زحل نبودی بعد پیری مرگ نبودی و آن وبال عظیم نبودی.

طریفة: گویند در علم هیئت مبرهن داشته‌اند آنکه در میان افلاک تجویف نیست و سخن افلاکیان ملکی باشد نه جسمی.

طریفة: گویند هر چه عقل از واجب الوجود پذیرد بیک دفعه پذیرد چنانکه هوا از نور آفتاب و هوای خانه از چراغ.

طریفة: گویند منجمان ادوار را سیر جلالی گویند و اکوار را سیر جمالی و ادوار گردیدن کوکبی است یک بار یادو بار یا بیشتر گرد فلکهای خویش و اکوار باز از سر گرفتن این دورها باشد.

طریفة: بعضی از حکماء را اعتقاد این است که در هر سی و شش هزار سال تمام

عالم بگردد چنانکه همهٔ زمین درخت و نبات و حیوان شده باشد و باز فنا شده و خاک گشته و زمینها که مردگان در آنجا بوده باشند کشت زار و درختان شده و غذای حیوان گشته و هکذا.

طریفة : گویند از عبارات حکماء است که الطبیعة لن تفعل شیئا باطلا.

طریفة : گویند اوّل قوّتی که از طفل بعد از زادن بظهور رسد قوّهٔ شهویّه باشد چنانکه طلب شیر کند و بعد از آن قوّه غضبیه چنانکه گریه آغاز کند بجهت رفع موذیات.

طریفة : حکماء گویند إذا جاعت النفوس صارت الأجسام أرواحاً و إذا شبعت صارت الأرواح أجساماً و ایضاً من أصلح نفسه ملکها و من اهمل نفسه اهلکها.

طریفة : گویند افلاطون نفس ملکی را در لینت و انعطاف بذهب تشبیه کرده و نفس بهیمی را در صلابت و امتناع بحدید.

طریفة : گویند از حروف تهجّی حروفی است چهارده گانه که آن را صوامت خوانند و آنها این است «ا ح د ر س ص ط ع ک ل م و ه لا» و از آنها چهار اسم ترکیب کرده‌اند و اسماء صوامت خوانند «احد وسص طعکل موهلا» اگر این اسماء را در نوزدهم هر ماه که باشد یا در روزی که کسوف باشد یا شبی که خسوف باشد بر صفحه‌ای از سرب نقش کنند و در زیر نگین انگشتری نهند موجب عقد اللسان بود که غمّازی و بدگوئی از جن وانس در غیبت و حضور کاری نتوانند بکند بقدرةالله تعالی.

طریفة : حکماء لعنت را عبارت از چهار سقوط که اسباب انقطاع از حضرت الوهیت است دانند : اول سقوطی که موجب اعراض بود و استهانت بتبعیت آن

لازم آید، دویم سقوطی که موجب حجاب بوده و استخفاف بتبعیت آن لازم آید، سیم سقوطی که موجب طرد بود و مقت بتبعیت آن لازم آید، چهارم سقوطی که موجب خسارت بود یعنی دوری از او و بعض تبعیت لازم آید.

طریفة : بعضی در علم اخلاق در این مسئله که عدالت مستجمع فضائل است و او را مرتبه وسط است اشکال کرده‌اند و آن این است که فضل محمود است و داخل نیست در عدالت چه عدالت مساوات بود و تفضل زیادت پس چنانکه نقصان از وسط مذموم است زیادت هم مذموم است پس تفضّل مذموم بود و این خلف باشد جواب آن این است که تفضّل احتیاط بود در عدالت تا از وقوع نقصان ایمن شود فتامل.

طریفة : فقهیة للراقم الآثم:

اختلفوا فی صحة العبادة	من الصبی المائز الإرادة
فبعضهم قد قال بالتمرین	و عدم الصحة و الیقین
و تلک تمرینیه اصلیة	لیس لها الثواب بالجبلیّة
و بعضهم مال الی صحتها	من جهة التمرین و هو وجهها
بان فی التمرّن الثواب له	و لیس فی الفعل الذی قد عمله
و تلک تمرینة شرعیه	لها ثواب العاة المرعیة
و قیل ذی شرعیة صحیحة	بها له منویه صریحه
و قد یری هنا احتمال رابع	لم یلف فیه قائل و تابع
و هو احتمال انّ اصل العمل	له به اجر و لکن للولیّ
و قد یری ایضاً هنا احتمالا	مخمساً و هو بأن یقالا

مــــرادنـــا بـــالصحة التأثـــیر　　　لهـــــا بـــمعنی انّـــها تـــنیر
قـــلب الصـــبی و تـــصفیه کـــما　　　یـــصیر بـــالعصیان ذاک مـــظلماً

طریقة: گویند اگر کسی این نقوش را با خود دارد دچاربی خرجی نشود :

طریقة : للسعدی :

اگـــر شـــبها هـــمه شب قـــدر بـــودی　　　شب قـــــــدر بـــــی قـــــدر بـــــودی
گـــرسنگ هـــمه لعـــل بـــدخشان بـــودی　　　پس قیمت لعل و سنگ یکسان بودی

طریقة : ایضاً : هرکس را دندان بترشی کُند شود مگر قاضی که بشیرینی.

طریقة : قیل درکلام بزرگان است که دنیا عاشق خود را تارک است و تارک خود را عاشق[۱۲۶].

طریقة : لا ادری :

طغیان نمود بحر خیالم بسوی دوست
چون سیل میروم همه جا سینه بر زمین

طریقة: گویند این دعای مختصری است عظیم الأثر و فوائد کلیّه از آن ملاحظه شده طریقهٔ خواندن آن این است که هر روز هفت نوبت بخواند و از خانه بیرون رود: «اللّهم إنّی أخافک و أخاف من لا یخافک، بحق من یخافک اکفنی شرّ من لا یخافک».

طریقة: گویند بجهت $\frac{1}{9}\frac{2}{6}\frac{3}{3}\frac{2}{7}\frac{1}{5}\frac{4}{6}\frac{1}{9}$ دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول حمد و یک مرتبه آیة الکرسی و در رکعت دویم حمد و یک مرتبه این آیهٔ مبارکه بخواند که مجرّب است «عسی الله أن یجعل بینکم و بین الذین عادیتم منهم مودّة و الله قدیر و

الله غفور رحیم » و در قنوت هفتاد و هفت مرتبه بگوید «اللّهم صلّ علی محمّد و آل محمّد اللّهم لیّن لي قلب فلان بن فلان کما لیّنت الحدید لداود علیه‌السلام و سخرت الریح لسلیمان علیه‌السلام » و نماز را تمام کند البته روا گردد انشاء الله.

طریفة : گویند بجهت ازدیاد عمر و دولت و پریشانی اعداء و خوشحالی احبّاء این دعا را بخواند یا با خود دارد که مجرّب است «بسم الله الرحمن الرحیم یا عزیز العزّ فی عزه ما اعز العزیز فی اعزه اعزنی بعزتک و ایدنی بنصرک و ادفع عنّی اعدائی بدفعک و اجعلنی من خیار خلقک یا احد یا احد یا فرد یا صمد».

طریفة : در عمل شمسی گویند این نسخه را امیر محمد علوی از امیر ابراهیم تعلیم گرفته : بیاورند توتیا را صلایه کنند و چهار وزن توتیا آب چغندر بخورد او دهد و صلایه کند و خشک کند باز دو مقابل توتیا زهرهٔ گاو و چهار مقابل زهرهٔ گاو شکر سفید با هم بیامیزد و با توتیا صلایه کند بمرور یعنی تلحیف کند بعد از آن در بوته کند و در بالای آبگینه سفید خورد کرده بر سر بوته کند و بگدازد و بروغن زیت ریزد اکسیر شمس نیکو بیرون آید بعد از آن بر فضّه طرح نماید در نهایت خوبی باشد.

طریفة : در کتاب اخلاق ناصری می‌فرماید حکمای قدیم را مثلی بوده است که در هیاکل و مساجد آن را اثبات کرده‌اند و آن این است که فرشته‌ای که موکل است بر دنیا می‌گوید که در دنیا خیری است و شرّی و چیزی هست نه خیر و نه شرّ و هر که این سه را بشناسد چنانکه باید شناخت از من خلاص یابد و سلامت بماند و هر که نشناسد او را بکشم بتباهترین کشتن و آن چنان بود که من او را یک بار نکشم تا از من برهد بلکه او را آهسته آهسته می‌کشم در زمان دراز.

طریفة : گویند از حروف تهجی حروفی است که آنها را حروف الخواتیم گویند و

آن این است «اد ذ ز ر و لا» اگر این حروف را بر دیوار قبلهٔ خانه یا اندورن خزانه یا در صندوق نویسند در روز چهاردهم ماه حرزی باشد از دزد و موش و آتش.

طریفة : لا ادری:

از نقطه چه حرفهای بیحد که نمود   وین طرفه که غیر نقطه را نیست وجود
انگشت ز حرف غیر گر برداری   یک نقطه شود مرکز پرگار شهود

طریفة : گویند این دعاء از حضرت امیر علیه‌السلام مروی است نقلا از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بجهت برکت در عمل و روزگار و شر حاسدان و اشرار و حفظ از آفات و مضار حیوانات و غیرها بخوانند یا همراه دارند:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم اللّهم یا بدیع الحساب و یا شدید العقاب یا غفور یا رحیم یا خالق کلّ شیء یا فاطر السماوات و الأرض یا فالق الحبّ و النوی یا فالق الإصباح یا مسبّب الأسباب یا مجیب الدعوات یا ولیّ الحسنات یا مقیل العثرات یا محیی الأموات یا نور الأرض و السماوات یا غافر الخطیئات یا قاضی الحاجات اقض حاجاتی فی هذه الساعه یا اله الأولین و الآخرین یا ذالجلال و الاکرام یا ارحم الراحمین و صلی‌الله علی محمّد و آله اجمعین اللّهم لک الحمد و إلیک المشتکی و انت المستعان لا حول و لا قوة إلاّ بالله العلیّ العظیم برحمتک یا أرحم الراحمین».

طریفة : درکتاب وسیلة السعادة ترجمه مهج الدعوات آورده آنکه مروی است که خداوند تعالی حضرت یوسف علیه‌السلام راکه به حضرت یعقوب علیه‌السلام رسانید این دعا را خواند هرکه بخواند هر چه از خدا طلبد عطاکرده شود: «بسم‌الله الرحمن الرحیم یا من خلق الخلق بغیر مثال و یا من بسط الأرض بغیر اعوان و یا من دبّر الأمور بغیر وزیر و یا من یرزق الخلق بغیر مشیر و یا من یخرّب الدنیا بغیر اشیاء.

طریفة : ایضاً فیه دعائیکه آصف تخت بلقیس را حاضر و حضرت عیسی علیه‌السلام مرده را زنده گردانید هرکه بخواند ، آنچه بخواهد مستجاب گردد انشاءالله تعالی : «اللّهم إنّی أسألک بأنّک أنت الله لا إله إلاّ أنت الحیّ القیّوم الطاهر المطهر نور السموات و الأرضین عالم الغیب و الشهادة الکبیر المتعال المنّان ذوالجلال و الإکرام أنْ تفعل بی کذا و کذا».

طریفة : ایضاً از عطا منقول است که مکرر تجربه کرده اسم اعظم در این کلمات و اسماء است : «یا اَللّهُ یا اَللّهُ یا اَللّهُ یا رَحمٰنُ یا رَحمٰن یا نُور یا نُور یا ذَالطَّول یا ذَالجَلالِ وَ الإِکرام».

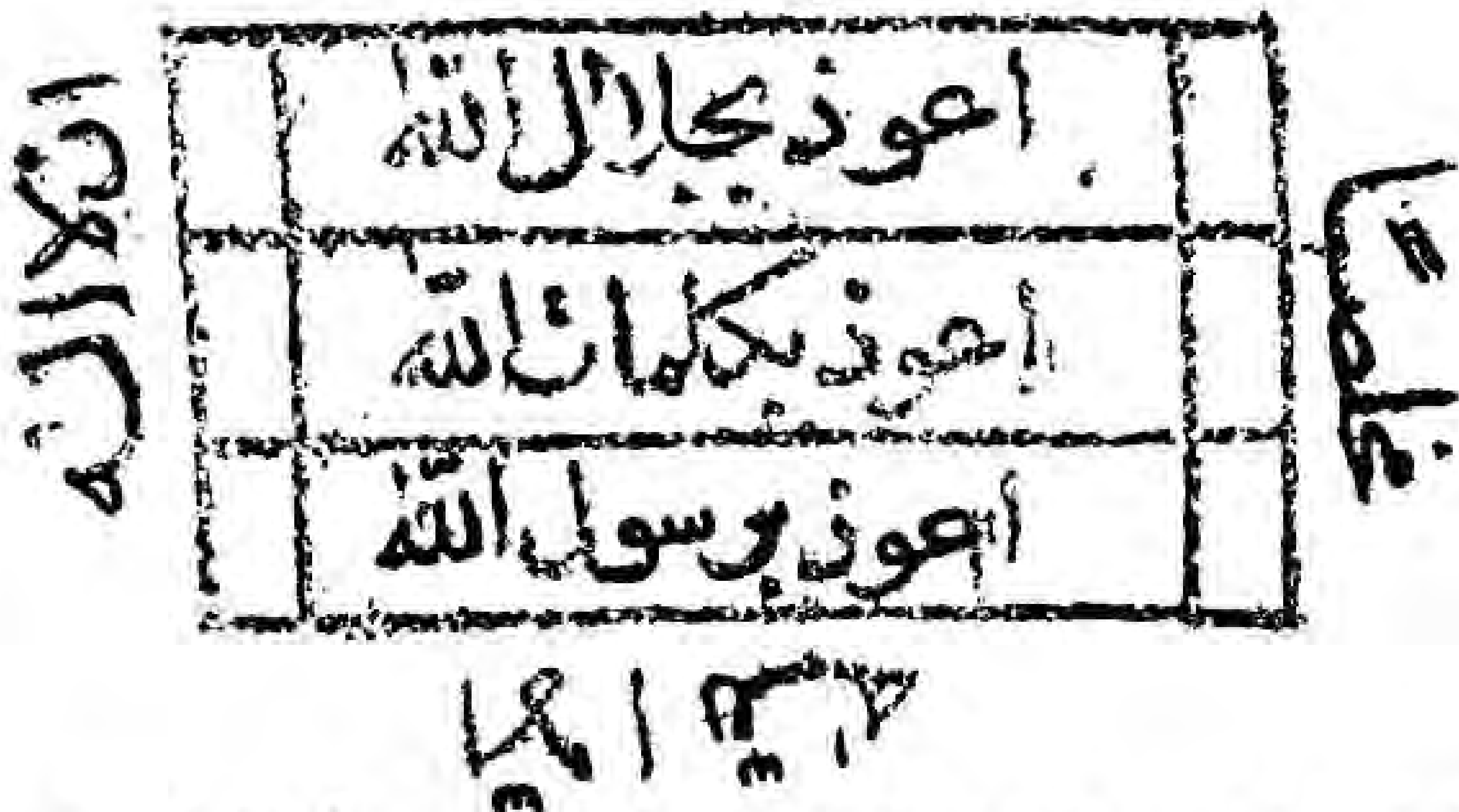
طریفة : بتجربه رسیده آنکه در هنگام عروض امور صعبه خواندن این سه ذکر «بسم‌الله الرحمن الرحیم و لا حول و لا قوة الاّ بالله العلیّ العظیم و صلّی‌الله علی محمّد و آله الطیّبین الطاهرین» که حاملین عرش بجهت آسانی حمل آن آنها را خواندند و سهل گردید موجب سهولت آنها خواهد شد.

طریفة : قال الشیخ احمد الاحسائی:کتاب الفقه الرضوی شاع نسبه الی مولانا الرضا علیه‌السلام و الأمر غیر محقق فإنّ کلامه لا یشبه کلام المعصوم ولم ینسبه من المعتبرین الذین یعتمد علی اقوالهم و اطلاعهم و لا یبعد أنْ یکون من تالیفات علی بن الحسین بن بابویه بل صرح بعض الأفاضل انّه المراد بالرسالة التی کتبها علی بن الحسین بابویه لابنه الصدوق محمد و لیس ببعید فانّ کثیراً ممّا فیه موافق لما ینقله فی الفقیه عن الرسالة و الله اعلم و هو غیر صحیفة الرضا علیه‌السلام .

طریفة : گویند جرجیر را بقلهٔ عایشه می‌گویند چنانکه خرفه را بقله فاطمه علیهاالسلام و ناصببین لعنهم الله او را بقلة الحمقاء نامند.(۴۲۷)

www.telasm.com

فقال عليه السلام استعمل خاتماً فصّه حديد صينى عليه من ظاهره ثلثة اسطر، الاول: أعوذ بجلال الله، الثانى: اعوذ بكلمات الله، الثالث: اعوذ برسول الله و تحت الفصّ سطران، الاول آمنت بالله وكتبه، الثانى: واثق بالله و رسله و انقش حول الفص على جوانبه: اشهد أن لا إله إلاّ الله مخلصاً. و هذه صورة الفصّ و إذا خفت أذى احد من الناس فالبسه فانّ حوائجک ينجح و مخاوفک تزول و كذلک علقه على المرأة التى يتعسر عليه الولادة فإنّها تضع بمشية الله تعالى وكذلک من تصيبه العين فإنّها تزول و احذر عليه من النجاسة و الذهومة و دخول الحمام و الخلا و احفظه فانّه من أسرار الله عزّوجلّ ثم التفت الحسن عليه السلام علينا و قال انتم ممّن خاف على نفسه فليستعمل ذلک و اكتموه عن اعدائكم لئلا ينتفعوا به و لا تبيحونه إلاّ لمن تثقون به و قال الراوى لهذا الحديث قد جربّت هذا الحديث فوجدته صحيحاً.



طريقة: عن هشام بن سالم عن الصادق جعفربن محمد: انّه قال فى حديث يذكر فيه قصة داود عليه السلام انه خرج يقرء الزبور وكان إذا قرأ الزبور لا يبقى جبل و لا حجر و لا طائر إلاّ اجابه و انتهى إلى جبل فاذاً على ذلک الجبل نبىّ عابد يقال له حزقيل فلمّا سمع دوىّ الجبال و اصوات السباع و الطير علم انّه داود عليه السلام فأخذ حزقيل بيد

داود علیه السلام و رفعه إلیه فقال داود یا حزقیل هل هممت بخطیئة قطّ ، قال لا ، قال فهل دخلک العجب بما أنت فیه من عبادة الله عزّوجلّ قال لا ، قال فهل کنت إلی الدنیا فأحببت أن تأخذ من شهواتها و لذّاتها قال بلی ربما عرض مثل ذلک بقلبی قال فما کنت تصنع إذا کان ذلک ، قال ادخل هذا الشعب فاعتبر بما فیه فدخل داود علیه السلام الشعب فاذا سریر من حدید علیه جمجمة بالیة و عظام فانیة و اذا الواح من حدید فیه کتابة ، فقرأها داود علیه السلام فاذا فیها: انا اروی بن سلم ملک الف سنة و بنیت الف مدینه و افتضضت الف بکر فکان آخر عمری ان صارت التراب فرشی و الحجارة وسادتی و الدیدان والحیات جیرانی فمن رآنی فلا یغترّ بالدنیا(۱۳۳).

طریفة: قیل کلّ عضو من الحیوان خلق زوجاً و الذی لا یری زوجاً فهو ذو شفتین کما یظهر بالتامل فی الکتب التشریحیه قال الله تعالی «و من کلّ شیء خلقنا زوجین لعلکم تذکرون»(۱۳۴).

طریفة: کلمهٔ متضافر که در ألسُن علماء فقه و اصول استعمال می‌شود بضاد اخت صاد است و بظاء فثاله چنانکه در اغلب کتب آورده‌اند غلط مشهور است و مرحوم آقاجمال خونساری قدس سره تصریح باین مطلب فرموده‌اند درکتب خود.

طریفة: گویند از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام مروی است مفاد آن اینکه هرگاه غرّه شهر رمضان معلوم نباشد ملاحظه می‌کنی ایام هفته راکه چه روزی اول شهر رمضان گذشته بوده و یوم احد را یکی می‌گیری و اثنین را دو و هکذا تا شنبه که او را هفت میگیری پس از آن عدد دوازده را بر عدد مذکور آن روز میافزائی و از همه هفت هفت طرح می‌کنی هر چه باقی ماند یکی را از او ناقص می‌کنی باقی همان عدد روز غرّه شهر رمضان حاضر مجهول الاول خواهد بود فتأمل. مثلاً سال گذشته

غرّه رمضان او روز پنج شنبه بود و عدد آن پنج است اضافه می‌کنی بر او عدد دوازده را مجموع هفده می‌شود و هفت از آن طرح می‌کنی سه باقی می‌ماند یکی از او ناقص می‌کنی دو می‌ماند و آن عدد روز دوشنبه است پس غرّه ماه رمضان از این سال حاضر روز دوشنبه خواهد بود والله العالم.

طريفة: نقل عن مولانا الصادق عليه‌السلام فی باب النهی عن التداوی بالخمر انّه قال لا و الله لا يحلّ لمسلم أن ينظر إليه فكيف يتداوی به (١٣٥).

طريفة: فی البحار عن ابی اسامة الشحّام قال سمعت اباعبدالله عليه‌السلام يقول ما اختار جدناصلى‌الله‌عليه‌وآله للحمی إلاّ وزن عشرة دراهم سكر بماء بارد علی الريق(١٣٦).

طريفة: عن علی عليه‌السلام قال لا يصلح اكل الثوم الاّ مطبوخاً.

طريفة: فی الحديث قال عليه‌السلام ذِكرنا اَهلَ البَيت شفاء من الوعک و الأسقام و وسواس الريب(١٣٧). راقم گويد شايد يک قسم از ذكر ايشان همين مرثيه خوانی و بيان مصائب و مدايح و مناقب ايشان باشد چنانكه بجهت شفای امراض مستعمل اهل اين زمان شده.

طريفة: فی البحار عن محمد بن سنان عن الرضا عليه‌السلام قال سمعت موسی بن جعفر عليهما‌السلام و قد اشتكی فجائه المترفعون بالأدوية يعنی الأطباء فجعلوا يصفون له العجائب ، فقال اين يذهب بكم اقتصروا علی سيد هذه الادوية الهليلج و الرازيانج و السكر فی استقبال الصيف ثلثة اشهر فی كل شهر ثلث مرّات و فی استقبال الشتاء ثلثة اشهر فی كلّ شهر ثلث مرّات و يجعل موضع الرازيانج مصطكی فلا يمرض إلاّ مرض الموت(١٣٨).

طريفة: قيل عن مجاهد فی قوله تعالی «و إنْ منكم إلاّ واردها» قال من حمّ من

المسلمین فقد وردها و هو حظّ المؤمن منها(۱۳۹).

طریفة: قیل عن ابن سیرین قال اذا بلغ اربعین سنة لم یحتجم.

طریفة: قیل الحجم فی البلاد الحارة انجح من الفصد و الفصد فی الباردة انجح من الحجم.

طریفة: فی البحار روی عنه ای عن الصادق علیه السلام ان بعض اهل بیته ذکر له أمر علیل عنده فقال ادع بمکتل فاجعل فیه برّا و اجعله بین یدیه و امر غلمانک إذا جاء سائل ان یدخلوه الیه فلیناوله منه بیده و یأمره ان یدعو له قال افلا اعطی الدنیانیر و الدارهم قال اصنع ما آمرک به فکذلک رویناه ففعل فرزق العافیة(۱۴۰).

طریفة: قیل لبن الشاة السوداء خیر من لبن الحمراء و لبن البقرة الحمراء خیر من لبن السوداء.

طریفة: قیل البصل یذهب البلغم و یشدّ القلب و یذهب الحمی و یطرد الوباء بالمد و القصر(۱۴۱).

طریفة: فی‌الحدیث : من کتم وجعاً ثلثة ایام من الناس و شکی إلی الله عزّوجلّ عوفی(۱۴۲).

طریفة: فی الحدیث من جاع او احتاج وکتمه من الناس و مضی الی الله تعالی کان حقاً علیه ان یفتح له رزق سنة حلالاً(۱۴۳).

طریفة: فی الحدیث من أکل ما یسقط من المائده عاش ما عاش فی سعة من رزقه و عوفی ولده و ولد ولده من الحرام(۱۴۴).

طریفة: فی الحدیث اذا لم یکن للمرء تجارة إلاّ فی الطعام طغی و بغی.(۱۴۵)

طریفة: فی الحدیث من احتکر علی المسلمین طعاماً ضربه الله تعالی

بالجذام و الإفلاس(۱۴۰).

طريفة: فی الحديث ثلث لقمات بالملح قبل الطعام تصرف عن ابن آدم اثنين و سبعين نوعاً من البلاء منها الجنون والجذام و البرص و من أكل الملح قبل شیء و بعد كلّ شیء دفع الله تعالی سنة ثلثمأة و ستين نوعاً من البلاء اهونها الجذام(۱۴۱).

طريفة: فی الحديث كان صلی الله عليه و آله ياكل القثاء بالملح و يأكل البطيخ بالجبن.

طريفة: فی الحديث نفقة درهم فی سبيل‌الله بسبعمأة و نفقة درهم فی خضاب الحناء بتسعة آلاف.

طريفة: فی الحديث إذا أكلتم الفجل و أردتم أنْ تجتنبوا نتنه فصلّوا عليّ عند اول قضمة منه(۱۴۲).

طريفة: فی الحديث كلوا الثوم فإنّ فيها شفاء من سبعين داء(۱۴۳).

طريفة: فی الحديث قال صلى الله عليه وآله ما قال عبد عند امریء «أسأل الله العظيم ربّ العرش العظيم أن يشفيک» سبع مرّات إلاّ عوفی .

طريفة: فی الحديث من اراد ان لا يصيبه ريح فی بدنه فليأكل الثوم كلّ سبعة ايام مرّة و من اراد ان لا تفسد اسنامه فلا يأكل حلواً إلاّ بعد كسرة خبر.

طريفة: قيل الدخول علی النساء فی اول الليل شتاءاً و صيفاً يوجب الفلج و اللقوة و النقرس و ضعف البصر كما فی الحديث.

طريفة: فی البحار الأوقية تطلق علی اربعين درهماً و علی سبعه مثاقيل و فی عرف الأطباء عشرة دراهم و خمسة اسابيع درهم.

طريفة: فی الحديث من اعجبه من أخيه شیءٌ فليبارک عليه فإنّ العين حقّ.

طریفة: فی الحدیث قال رسول‌الله صلى الله عليه وآله ما وقع الناس ابصارهم إلی شیء الأ وضعه الله تعالی.(۱۴۶)

طریفة: قیل اختلف فی انّ الساحر إذا قَتَلَ بِسحره احداً فهل علیه قصاص أو دیة ام لا ، قیل لا لأصل البراءة و انّ هذا القتل لیس من افراد القتل العادی المتعارف و قیل نعم للعموم و الکل لا یخلوا من نظر فیه فتأمل .

طریفة: گویند در عمل شمسی بگیر زیبق را یک مثقال و زحل را دو مثقال و زحل را بگذار و زیبق را داخل او کن بعد از آن با تیزاب فاروق یک روز صلایه کن و بعد از آن تصعید کن که سرخ می‌شود و طرح کن یکی را بر ده از زهره، شمس گردد انشاءالله تعالی. تیزاب فاروق را چنین کوبد شوره ۲ زاج ۱۲ شب ۱۶ اگر شب نباشد زاج ۱۲ اضافه نمایند و با هم صلایه نمایند و در کوزه آب ندیده کنند و آب بر آن ریزند و بر آفتاب گذارند و ظرف چینی در زیر کوزه گذارند که تیزاب قطره قطره از کوزه بظرف مذکور جمع شود و قدری آب بر او زنند که چون شیر شود تیزاب فاروق این است بلا فروق فاعمل و جرّب الله العالم.

طریفة: فی الحدیث کما فی البحار:«سلمان خیر من لقمان» و هو مروی عن الصادق عليه السلام(۱۴۹).

طریفة: فی البحار: قالوا المعراج خمسة أحرف : فالمیم مقام الرسول صلی‌الله علیه و آله عند الملک الأعلی و العین عزّه عند شاهد کل نجوی و الراء رفعة عند خالق الوری و الألف انبساط مع عالم السرّ و أخفی و الجیم جاهد فی ملکوت العلی(۱۵۰).

طریفة: فی الحدیث: معراج ابراهیم عليه السلام السماء الدنیا لقوله تعالی «و کذلک نري

www.telasm.com

ابراهيم ملكوت السموات ...الاية»[151].

طريفة: فى البحار روى ابوحمزه الثمالى رضى‌الله عنه عن زيد بن على عليهماالسلام انه قال انى لأرجو للمحسن منّا أجرين و اخاف على المسىء منّا أن يضاعف له العذاب ضعفين كما وعد أزواج النبى صلى الله عليه و آله[152].

طريفة: فى مجمع البيان قال عبدالله بن مسعود ايّما رجل جلب شيئاً إلى مدينة من مدائن المسلمين صابراً محباً فباعه بسعر يومه كان عندالله بمنزلة الشهداء ثم قرأ «و آخرون يضربون فى الارض....»[153].

طريفة: قيل الفرق بين الغضب و الغيظ ان الغضب هو ضد الرحم من اىّ موضوع صدر و الغيظ من هيجان الطبع بتكره ما يكون من المعاصى و لهذا يقال غضب الله و لا يقال اغاظ الله.

طريفة: قيل فى الحديث قال رسول‌الله صلى الله عليه و آله أنا قائد العرب إلى الجنة و سلمان قائد العجم إلى الجنّة.

طريفة: گويند در حديث است آنكه با طهارت در جامهٔ خواب رفيق موجب رسيدن روزى است از جائى كه طمع ندارند.

طريفة: نقل عن العالم المازندرانى فى شرحه على الاصول لقد راى بعض الصالحين ممن اصدقه فى عقايده جماعة من الناس فيجنب كل واحد منهم كلب بحقيقه الكلبية و صورته، له ذنب و اذن و عينان و راس و فم و شفة مثل كل الشاهد قيل مراده من هذا البعض هو ملاناالمجلسى الاول قدس سره الاجلّ.

طريفة: قيل للغنى يذكر الغنى و المعنى بعدد اللفظ و هو مجرّب.

طريفة: روى عن النبى صلى الله عليه و آله القيام قبل الصبح يورث ثلث خصال صحة فى البدن

و سعة فی الرزق و محبة فی قلوب العباد.

طریفة: گویند بجهت رفع صداع بانگشت شهادت بر پیشانی نویسند:

«کهیعص حمعسق ق ن».

طریفة: گویند بجهت علاج رعاف، حنا و نشاسته و کافور را کوبیده و خمیر نموده بر سر مالند بند شود.

طریفة: یکی از اطباء می‌گوید میوه خوران کم تندرست باشند و اکثر جاها که میوه بسیار باشد بیماری بسیار باشد.

طریفة: صاحب ذخیره می‌فرماید در استراباد شخصی را دیدم که زمستان در میان آبهای یخ نشستی و تختهای یخ را سوراخ کرده درگردن افکندی و وقتی که یخ بستی برهنه لنگی زده مروحه بدست و ظرفی پر آب در دیگر دست داشتی و آن آب را بر سر ریختی و بمروحه خود را باد دزدی و مویهای ریش او یخ بسته بود و مع ذلک اظهارگرمی هواکردی و چون هواگرم شدی بفصل دیگر چند جامه و پوستین پوشیدی و متصل خود را بآتش گرم کردی و چنان نمودی که میلرزد و سالها بود که بدین نهج می‌گذرانیدی و تندرست و خوشحال بودی.

طریفة: ایضاً می‌گوید شخصی بود او را ملاکوزه می‌گفتند و هزال بود و یک خیک آب بکرود غلبه می‌خورد.

طریفة: گویند بجهت رفع کرم و ملخ آیة الکرسی را بنویسید و بر چهارگوشه باغ فرو برند.

طریفة: گویند که من اکل طعاماً بشهوة حرّم الله تعالی الحکم علی قلبه بعضی گویند معنی بشهوت آنست که بهوس خورند نه باشتهای طبیعی.

www.telasm.com

طریفة: اطباء گویند باید قطع طعام باشتها شود نه قطع اشتها بطعام.

طریفة: گویند حکمای هند بر این عادت بطور مبالغه می‌باشند که در هر صباح از خواب که برخیزید سه لقمهٔ نان خشک یا سفوف دیگر که کار او کند خوردند و بعد از آن اشتغال بامور نمایند.

طریفة: گویند یکی از قواعد مرسومه جوکیان اهل هند در حفظ صحّت و اطاله عمر عدم اخراج منی است از خود و چنان مراعات این امر را مواظبند که اگر احیاناً ایشان را احتلام افتد آن را از جامه شویند و بخورند تا ضایع نشود و از قواعد ایشان افکندن پوست است همچو مار که سالی پوست افکند و تازه می‌شود و درازی عمر مار را از این فعل دانسته‌اند و بعد از پوست افکندن بادویّه مقرره موبهائی کـه بـر ابدان ایشان روئیده می‌شود سیاه می‌باشد اگر چه بسیار معمّر هم باشند.

طریفة: گویند بعضی از جوکیهای هند چون در امعاء خود قصوری یابند از طرف شیب روده‌های خود را بعضی بیرون آورند بازگردانیده آن را بآبهای ادویه مناسبه بشویند دیگران را بیالایند و تیمار کرده بخود باز کشند و بعضی هستند که نفس را فرود گیرند و در درون خود آن را حرکت دهند چنانچه هر عضوی را که خواهند تا قوی سازند تمام دم را بدانجا مایل گردانند و در مداخل آن در برند بتوجه و آن را بزرگ کنند چنانکه گویا ورم کرده و باز بجای اصلی عود دهند یکی از اطباء می‌گوید من جوکی‌ای را دیدم که دم می‌گرفت و در درون شکم خود روده‌ها را چنان حرکت می‌نمود که آن را از بیرون پوست شکم او کسی پنداشتی که چیزی مجتمع گشته پوست را بلند برداشته بهر طرف می‌رود و در آن حین شکم او قراقر عظیم می‌کرد.

طریفة: گویند بتجربه چنان یافته‌اند که کام طفل را بهر چیزی که بردارند در مدت

عمر از آن کم مضرّت یابد حتی اگر بعقرب یا مار سوده بردارند از عقرب و مـار الم نیابد.

طریفة: گویند اگر طفل در اوایل عمر بمرض ام الصبیان گرفتار نشده در اواخر عمر لابد مبتلا باو خواهد گردید والله العالم.(۱۵۴)

طریفة: بعضی از اطباء می‌فرمایند در خواص چنین یافته‌ام در سه چهارشنبهٔ آخر ماه چون برابر ماه سه نوبت ثؤلول را بجاروبی از طرف تن بخارج بمالند و بگویند ای ماه همچنانکه تو میکاهی این را بکاهان و بدو سه نوبت بگویند و هر سه نوبت جاروب را بر زمین زنند آن ثالیل هر چند غلبه و بد باشد بآهستگی بریزد و دفع شود باذن الله تعالی.

طریفة: گویند سبب پیری لیز شدن سطوح باطن است از عروق و شرائین و امعاء و مـعده و غـیرها بـجت مـرور رطوبات بـر آنـها چـنانچه در صـحن حـمامها مشاهده می‌شود.

طریفة: گویند حکماء هند سیر خام را عظیم معتقد و مداومت بر آن را در حفظ صحت مدد بزرگ می‌دانستند از جهت تریاقیت او سموم حیوانی را و تریاق همهٔ آبهای مختلف پیاز است سیما پروردهٔ بسرکه.

طریفة: گویند در هوای وبائی خوردن جدوار و نان خشک و بوئیدن پیاز و سرکه نهایت مؤثر و نافع خواهد بود.

طریفة: اطباء گویند ریش از خصیه آب می‌کشد بحکم رابطهٔ خـلقی کـه در آن عضوین ذکور واقع است.

طریفة: گویند مالیدن آب نمک درحمام بربدن موجب منع تولدشپش خواهدبود.

طریفة: گویند هرگاه بشره از آفتاب سیاه شده باشد پیه مرغ را با موم بگدازند و با آرد نخود بصورت بمالند و با آب گرم بشویند.

طریفة: در ذخیره آورده آنکه زرنیخ و آهک و صبر را بجوشانند و در آفتاب نهند تا به ته نشیند سپس بیالایند و دیگر بار زرنیخ و آهک را بجوشانند و بر آفتاب نهند و مکرّر می‌کنند تا چنان کنند اگر پر مرغی بدان بیالایند در ساعت موی آن برود پس قدری نیکو روغن در آن ریزند و با آتش نرم بجوشانند تا آب آن برود و روغن بماند، از این روغن چون طلاکنند موی را بسترد و هیچ نسوزاند و اگر هر نوبت شخاره نیم جزو داخل سازند قوی بود.

طریفة: گویند اکثار در اکل لبنیات و انجیر موجب تولد شپش خواهد بود و گوشت سوسمار مولد عظیم است در این باب.

طریفة: گویند یکی از موجبات فربهی لقمهٔ بزرگ فرو بردن است.

طریفة: گویند بجهت علاج نزله که تعلق بسینه و زکام که تعلق به بینی دارد شستن سر بصابون و سر را ببخار شلغم و طبیخ بابویه داشتن نافع است.

طریفة: گویند کسانی را که کثیر الفکر یا سودائی مزاج باشد زکام آنها را مفید خواهد بود.

طریفة: گویند بجهت ترکیدن لبهاخوردن پاچهٔ برهٔنیم‌برشت بسی‌نافع‌خواهد بود.

طریفة: گویند جالینوس گفته آنکه بجهت اسهال، پنیر شور قدری را چون بشویند مسحوق چندانکه شوری آن کم شود و بر روی انگشت افروخته آن را بریان کنند بخورند نافع خواهد بود انشاءالله.

طریفة: گویند بجهت کثرت احتلام بلادر را باکنجد کوفته بقانون مقرری بخورند

نافع خواهد بود انشاءالله تعالی.

طریفة: بعضی اطباء گویند بجهت امساک منی چنان تجربه کرده‌اند که در حین اقتدار بر امساک لحظه‌ای در مباشرت و وقوع لذت غلبه خود را بازکشند و ترک کنند چندانکه نعوظ و خیال آن بر طرف شود دیگر بار استعمال نمایند و چون بقرب انزال رسد دگر هم چنان باز ایستد و بدین مداومت و ممارست قوّت عظیم در حفظ و منع منی حاصل شود و محبت عظیم مابین زوجین پدید آید اگر چه این فعل هم بسا موجب درد خصیه می‌شود ولکن بسیار هم بخیر بگذرد.

طریفة: گویند برگ درخت سنجد را بر جراحات ضماد نمایند جراحت را بچرک آورد و پاک می‌کند و ملایم می‌گرداند و مکرر تجربه شده و اگر برگ تازه نباشد برگ خشک آن نیز مؤثر است فاغتنم.

طریفة: گویند هر حرفی که بحسب عدد مرتبه اول دارد از احاد و عشرات مآت و ألوف متعلق بفلک الأفلاک خواهد بود مثل «ا ی ق غ» و هر حرفی که مرتبهٔ دویم دارد متعلق بفلک البروج مثل «ب ک ر» و هکذا إلی آخر المراتب گویند حروف جمل مشاقه بدین گونه است: ابجد تعلق بزحل دارد هوزح تعلق بمشتری دارد طیکل تعلق بمریخ دارد منسع تعلق بشمس دارد و فصقر تعلق بزهره دارد شتثخ تعلق بعطارد دارد ذضظغ تعلق بقمر دارد.

طریفة: گویند هر اسم از اسماء الهی راکه حرف آخر آن اسم بر اولش مقدم دارند اسم ملکی بوده باشند چنانچه دراسم علیم مثلاً چون حرف میم را مقدم بر حرف عین دارند و کلمه ئیل از خارج بر آن اضافه کنند اسم ملکش معلیائیل است و این قاعده‌ایست از قواعد مقرّره.

www.telasm.com

طریفة: گویند عقل در مقام افاضات نوریه بر نفس بمنزله شمس است نسبت به قمر و بدن بمنزلهٔ ارض است و چنانکه حیلوله ارض مانع از اشراقات شمسیه و موجب خسوف می‌گردد همچنین تعلقات بدنیه طبیعیه مانع شوارق عقلیه می‌گردد از برای نفس فتأمل.

طریفة: یکی از حکماء می‌فرماید مجاورت ابو الشرور و ابو الداوهی در مقهوریت با نقطهٔ خاتمیه صلی‌الله علیه و آله یک نحو عذابی است که خداوند تعالی معجل داشته از برای آنها چه مجاورت با غیر جنس عذابی است از برای ناقص از طرفین چنانکه گفته‌اند:

روح را صحبت ناجنس عذابی است ألیم

طریفة: قیل انّ التبلیغ و التنظیم و نحوهما انّما هی من فوائد وجود الأنبیاء علیهم‌السلام و عوائد نصب الأولیاء علیهم‌السلام لا أنّها تکون غایة لوجودهم و الاّ لکان ذلک أشرف و افضل و اهمّ و اتمّ فی عنایة الله و نظره تعالی من وجودهم کما هو شأن کل غایة مع مغیّاها فتأمل.

طریفة: قیل مطابقة قرائة الصلوة لقرائة واحد من القراء السبعة لازمة الاّ فی ترک البسمله من السورة.

طریفة: گویند وبق را که او را مویزک عسلی گویند هرگاه با عسل و دوشاب و سپستان طبخ داده مثل خیاطت ترتیب دهند و بر روی اشجار گذارند طیوری که بر آن نشینند پای بست گردند و صید شوند.

طریفة: گویند هرگاه سیب ترش را در میان خمیر طبخ دهند بجهت رفع اسهال نافع خواهد بود.

طریفة: گویند مضمضه کردن بآب طبیخ پوست انار ترش بجهت تقویت لثه نافع خواهد بود.

طـــــریفة: گـــوینـد رافـــع بـوی پـیاز خـائیدن نـان سـوخته و گـردکان مشوی و باقلاست .

طریفة: گویند شبّ یمانی را هرگاه در جامهٔ خواب گذارند مانع از احتلام خواهد بود و همچنین زاج را در زیر جامه نگاه داشتن چنین اثر دارد والله العالم.

طریفة: گویند هرگاه سنگ گچ را بر روغن زیتون و انـدکی بـوره و شب یـمانی بسایند و بر نوشتجات بیالایند ازالهٔ کتابت می‌کند و بر جامها باعث قلع چروک و چربی او می‌گردد.

طریفة: گویند تعلیق سنک آتش زنه بر ران زنان که در لته بسـته بـاشند جـهت عسرت ولادت مؤثر است.

طریفة: گویند هرگاه حدید را با رصاص یا مرقشیثا یا رهج الفار یا زرنیخ گذارند بمرتبهٔ رصاص زود گداز شود.

طریفة: گویند آب آهن تافته بغایت مقوی باه و قابض است و رفع هیضه و اسهال مزمن بواسیری کند.

طریفة: گویند بخور اسپند بجهت درد دندان مؤثر است و تعلیق او در لتهٔ کبود رافع سحر است و افشانیدن او در خانه باعث فرقت و بخور او مبطل این اثر است.

طریفة: گویند پیه مرغ و خروس بجهت نرم کردن صلابات و مواد سـوداوی و طلای نیم گرم او بر سر جهت مالیخولیا عجیب النفع است.

طریفة: گویند مداومت بر شیرهٔ انگور با شیر تازه و اندک بادام جهت هزال مفرط

و خفقان و ضعف احشاء عجیب الأثر خواهد بود.

طریفة: گویند بتجربه رسیده آنکه هرگاه بعد از خوردن طعام دست را بر محاذی معده و شکم برد و هفت مرتبه بمالد و هفت بار صلوات فرستد از نفخ شکم ایمن گردد انشاءالله تعالی.

طریفة: گویند هرگاه سورهٔ مبارکهٔ عمّ را نوشته و بشویند و صاحب اسهال بیاشامد زائل گردد انشاءالله.

طریفة: ایضاً گویند بجهت رفع اسهال قهوه را بطریق نخود گرم برشته کند و سیاه نشود، بخورد بغایت موثر خواهد بود انشاءالله تعالی.

طریفة: گویند ازحضرت امام محمد باقر علیه‌السلام مروی است که حضرت حزقیل علیه‌السلام را قرحه‌ای در جگر بهم رسید دعاء کرد حق تعالی باو وحی فرستاد که شیرهٔ انجیر را بر سینه خود از بیرون بمال چنان کرد بر طرف شد.(۱۵۵)

طریفة: گویند در حدیث است آنکه بجهت درد پا از اول سورهٔ انا فتحنا تا عزیزاً حکیما را بخوانند شفا یابد.

طریفة: گویند از جمله خواص حرف سین آنست که اگر کسی خواهد با خصمی در مخاصمه و محاوره غالب آید بنحوی که قادر بر جواب مطلقا نباشد اسم خصم را در مابین دو سین امتزاج و هر چه را ممکن باشد متصل و غیر ممکن را منفصل نوشته در دست گرفته تا او در سخن درآید خصم عاجز گردد باذن الله تعالی، مثلاً قمر نام را چنین نویسد که در اوانفصال است سقمسمرس و شمس نام را چنین نویسد که دراو اتصال است سشسمسس.

طریفة: گویند این چهار اسم را در مربع چهار در چهار بر روی اطلس زرد یا

www.telasm.com

شنجرف بنویسد اگر پادشاهی بر شقهٔ علم زرد نویسد هیچ لشگر با او مقابله نتواند کرد و هرکه با دارندهٔ این لوح مجادله کند مقهور گردد و در وقت نوشتن بخور شرط است و در ساعت سعد بهتر است و در این مربع غرائب بسیار است.

القادر	المقتدر	القوی	القائم
القادر	المقتدر	القوی	القائم
القادر	المقتدر	القوی	القائم
القادر	المقتدر	القوی	القائم

طریقة: گویند عمربن خطاب از امّ کلثوم دختر حضرت امیر علیه‌السلام پسری داشت اسم او زید بود و فیه ما فیه.

طریقة: فی عمل قمری گویند خرزهره که در راه کربلای معلّی یافت می‌شود اگر آب برگ آن را بگیرند و مشتری را گداخته هفت مرتبه در او ریزند و در هر مرتبه آب آن را عوض نمایند قمر خالص گردد انشاءالله تعالی.

طریقة: سزوار است متهجدین بعد از هشت رکعت نوافل لیلیّة این دعاء را که منقول است از حضرت امیرلمؤمنین علیه‌السلام بخوانند و ترک ننمایند:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم اللّهم انّي أسألک بحرمة مَن عاذَبِکَ مِنک وَلَجَأَ اِلیٰ عزّک و استظلّ بِفَیئِکَ و اعتَصَمَ بِحُبِّک و من لم یثق الاّ بک یا جزیل العطاء یا مُطلِقَ الأُساریٰ یا من سَمّیٰ نَفْسَهُ مِنْ جُودِهِ وَهّاباً اَدعُوکَ رَغَباً وَ رَهَباً وَ خَوفاً و طَمَعاً وَ اِلحاحاً وَاِلحافاً وَ تَضَرُّعاً و تَمَلُّقاً و قائماً و راکعاً و ساجداً و راکبا و ماشیا و ذاهبا و جائیا و فی کلّ حالاتی أسالک أن تصلّی علی محمّد و آل محمّد و أن تفعل بی کذا» و حاجت خود را ذکر نماید. (۱۵۶)

طریقة: گویند از حضرت صادق علیه‌السلام مروی است که بجهت سهولت کارها و

خلاصی از حوادث یک صد مرتبه این دعا را بخوانند یا با خود دارند مؤثر خواهد بود انشاءالله تعالی و آزموده است البته :

«بسم‌الله الرحمن الرحیم سهلاً بفضلک یاعزیز برحمتک یا ارحم الراحمین».

طریفة: گویند بجهت عزت یافتن در مجلس ظالمان و کافران این نقوش را همراه خود نمودن نافع خواهد بود انشاءالله .

لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَکَ اِنّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمِینَ

طریفة: گویند هرکه این مهر را با خود دارد محبوب همه کس گردد :

طریفة: گویند بجهت رفع درماندگی خواندن این کلمات نافع خواهد بود انشاءالله تعالی : «یا حیّ یا قیّوم برحمتک أستغیث و اغفرلی سیئاتی و فرّج همّی».

طریفة: در کتاب طالینوس فردوس آورده آنکه چون مریخ بحمل درآید نوزده الف بنام آن کس که خواهد نقش کند بر پارهٔ مس و در آتش اندازد بدین صورت

که محبت را اثری عظیم دارد باید که قمر در اسد بود اما باید بشکل مثلث بکشد و در اندرون آن بنویسد واین شکل را با خود داشتن ایمنی از اعداء بخشد و در وقت مجامعت با خود داشتن قوتی عظیم دارد و منقطع نگردد و این شکل را در آب کاسنی انداخته بیاشامد اشتهاء پیدا شود و بعورت بستن موجب بول نکردن در خواب و نترسیدن در آن خواهد بود .

طریفة: ایضاً در آن کتاب است آنکه نوشتن سیصد حرف «تا» برکاغذی و مانند کلاهی بر سر گرفتن و چهل عدد نوشتن آن و بر دماغ گرفتن موجب قطع رعاف خواهد بود.

www.telasm.com

طريقة: فی کشکول الشيخ احمد الاحسائی حروف السکون ای ی ی ص ص ص ح ح ح و هذه حارّة رطبة و باردة رطبه و لو فارقتها لما حصل بها السکون اصلاً لانّ هذه الطبيعة من اجلها يکون السکون لانّ السکون فيه راحة الأبدان و فيه الأمر لکلّی و فيه التعريف الأکبر لطلب الرزق فمن أراد ذلک فيکتبها فی قطعة من فضة يوم الخميس و يحملها معه فيأتيه رزقه من حيث لا يحتسب و من کسدت عليه صنعة فليکتبها علی باب حانوته و يسبقها بحرف الألف لأنه مفتاح الحروف فإنّ العالم يأتی إليه بأسره و لا يری بعدذلک کساداً.

طريقة: ايضاً فيه روی انّ رجلاً جاء إلی اميرالمؤمنين عليه‌السلام فقال انّی اجد فی رزقی ضيقاً فقال عليه‌السلام له لعلّک تکتب بقلم معقود فقال لا فقال لعلّک تمتشط بمشط مکسور قال لا قال لعلّک تمشي امام من هو اکبر سنّاً منک قال لا قال لعلک تنام بعد الفجر قال لا قال لعلّک ترکت الدعاء للوالدين قال نعم يا اميرالمؤمنين فقال عليه‌السلام فاذکرهما فإنّی سمعت رسول الله صلی‌الله‌عليه‌وآله يقول ترک الدعاء للوالدين يقطع الرزق(۱۵۶).

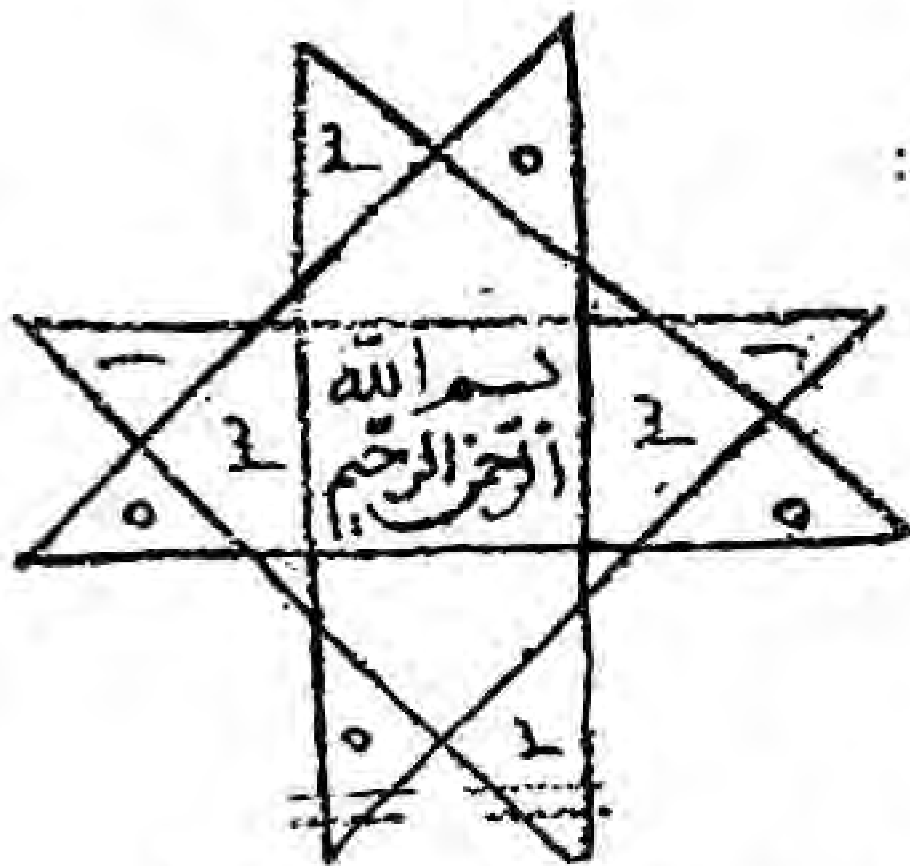
طريقة: لا ادری :

غداً تری اذا انجلی الغبار	أ فـرس تـحتک أم حـمار

طريقة: فی حديث علی بن مهزيار عن القائم عليه‌السلام إلی أن قال فقلت متی يکون ذلک يابن رسول‌الله صلی‌الله‌عليه‌وآله فقال اذا حيل بينکم و بين سبيل الکعبة بأقوام لا خلاق لهم والله و رسوله منهم براء و ظهرت الحمرة فی السماء ثلاثاً فيها أعمدة کأعمدة اللجين يتلألؤ نوراً يخرج الرؤوس من آرمنيه و آذربيجان يريد وراء الریّ الجبل الاسود متلاحم بالجبل الاحمر ..الخ(۱۵۷).

طريقة: گويند هرکه اين نقش خاتم سليمانی را همراه خود دارد از شر جن و پری

و عقرب و مار در حفظ الهی خواهد بود انشاءالله:



طریفة: فی الوسائل عن الرضا علیه‌السلام قال من خرج فی حاجة و مسح وجهه بماء الورد لم یرهق وجهه قتر و لا ذلّة و من شرب من سؤر أخیه المؤمن یرید به التواضع أدخله الجنة البتة و من تبسّم فی وجه أخیه المؤمن کتب الله تعالی له حسنة و من کتب الله له حسنة لم یعذبه(۱۵۸).

طریفة: درکتاب طالینوس مزبور است آنکه حرف صاد را بر صفحه‌ای از رصاص با روی هزار عدد نقش کن جهت عقد اللسان مؤثر است و حرف صاد را در اعمال آثار است بدون تخصیص باتفاق اکثر حکماء فتامل.

طریفة: بعضی از آیات زبوریه که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام آنها را ترجمه فرموده‌اند بعربی در این اوراق ثبت می‌شود نقلاً عن بعض الکتب و گویند حضرت داود علیه‌السلام این آیات را تلاوت کرد سر بسجده می‌نهاد و بعد از ساعتی سر از سجده بر میداشت بلا توقف مدّعی حاصل می‌شد از آن جمله این است که بجهت هر مهمی که بخوانند زود برآید:

إذا عبدی عصانی لم یجدنی　　　سریع ألاخذ فاطلبنی تجدنی

و ایضاً این آیه بجهت وسعت رزق بسیار خوانده شود:

و لیس یحلک الفردوس غیری　　　أنـا الرزاق فـاطلبنی تـجدنی

و ایضاً این آیه است از برای طلب دنیا بعد از نماز صد بار بخوانند :

لی الدنـیا و مـا فـیها جـمیعاً　　　لی الملکوت فاطلبی تجدنی

و ایضاً این آیه است برای عرفان بخوانند :

اتعرف من له اسـم کـاسمی　　　أنا الرحمن فاطلبنی تجدنی

و ایضاً این آیه است برای رسیدن غائب چهل و یکبار بخوانند:

أتعرف ساترا للغیب غـیری　　　أنا السـتّار فـاطلبنی تـجدنی

و ایضاً این آیه می‌باشد از برای جمیع حاجات چندانکه توانند بخوانند :

أنا اللّه الذی لا شیء عیری　　　أنا الدیان فـاطلبنی تـجدنی

و ایضاً این آیه می‌باشد بجهت رؤیت حضرت صاحب الزمان علیه السلام باید خوانده‌شود:

أنا الموجود قـبل القـبل قـبلاً　　　و بعد البعد فاطلبنی تـجدنی

طریفة: گویند صد و ده اسم خداوندی است بی نقطه که بر آنها آثار غـریبه از قبیل وصول بحکمت و علوم عجیبه و رفع آفات و دفع بلیّات و انجاح مقاصد و اصلاح مفاسد و کامکاری دارین و سعادت نشأتین و غـیرها مـترتب است و آنـها اینهاست :«الم الله لا اله الاّ هو، هو الله العلیّ الأعلی و له الأسماء العلی (الاعلی) الالاء العطاء السامح المادح الممدوح الروح الراح المصرح الملحح المصحح الاحد الصمد الواحد الاحمد الحامد المحمد الواعد الموعود الممدود الصاد المـرصاد السداد العماد المعاد العامر المعمور المطهّر الطاهر الطهور المصور المکسر المدمر الامر الداهر الدهور السرور المسرور المحرس الماسّ المطمس المحصص الصراط الواسـط الصـارع اللامـع المـطلع السـامع الواسـع المـوسع المسـرع المـالک المملکوالمالک المملوک الملک الملوک المدرک المدکدک الأول المأول المـحلل

المعدل الموكل المطول المحصل المسهل الممكل الساكل المسئول المحول الحول و الاحوال الحامل المحمول الكامل الاكمل العادل الاعدل الواصل الاكرم العالم الاعلم الدائم السالم المسلّم الحاكم المحكم العاصم المعصوم الراحم المرحوم المكارم المكالم المعالم المحرم المطعم السلام الاسلام الاكرام الكلام المدعو العلو الحلو السمو الاله المولاه الاوّاه و الاسماء كلها لله و لا معه اله و لا اله سواه و الحمدلله كماهو اهله و لا اله الا الله وحده اللهم صلّ على محمّد و آله و سلّم سلاما سلاما»(۱۵۹).

طريقة: گويند اين دعا را اسرار مكنونه نامند بجهت مهمات عظيمه بعد از هر نماز يک بار بخوانند که از اسرار مکنونه است بااعتقاد كامل خوانده شود : «اللّهم إنّى أسالک باسمک المكتوب فى سرادق المجد و العظمه و اسألک باسمک المكتوب فى سرادق البهاء و اسألک باسمک المكتوب فى سرادق العظمة و اسألک باسمک المكتوب فى سرادق الجلال و اسألک باسمک المكتوب فى سرادق العزّة و اسالک باسمک المكتوب فى سرادق القدرة و اسألک باسمک المكتوب فى سرادق السرائر السابق الفائق الحسن النضير رب الملائكة الثمانية و رب العرش العظيم و بالعين التى لا تنام و بالاسم الاكبر الاكبر الاكبر و بالاسم الاعظم الاعظم الاعظم المحيط بملكوت السموات و الأرض و بالاسم الذى اشرقت به الشمس و اضاء به القمر و سجّرت به البحار و بالاسم الذى قام به العرش و الكرسى و باسمائک المقدسات المكرمات المخزونات المكنونات فى علم الغيب عندک اسالک بذلک كله ان تصلى على محمد و آل محمد و ان تفعل بى كذا و كذا و بجاى كذا حاجت خود را ذكر كند كه بمنزلهٔ گوگرد احمر است در اجابت(۱۹۰).

طريقة: گويند يكى از طرق ختم سورهٔ مباركهٔ توحيد آن است كه دو ركعت نماز

حاجت کند و صد مرتبه صلوات فرستد پس چهار صد و چهل و چهار مرتبه سورهٔ قل هوالله احد را بنذر حضرت امیر علیه‌السلام قصد نموده چهار صد مرتبه را در یک مجلس خوانده بروح اقدس آن جناب هدیه نماید و چهل و چهار مرتبه دیگر را گرو نگهدارد تا آنکه بمطلب برسد و بسیار سریع الإجابه میباشد و اگر در شب جمعه باشد این عمل بهتر خواهد بود.

طریقة: گویند بجهت عزّت در مجالس سلاطین و حکام هر وقت بحضور رود با انگشت سبّابه لفظ بدّوح را بر پیشانی نویسد بطریقی که حاء بدوح تمام صورت را فرو گیرد و از مجربات است.

طریفة: گویند از حضرت امام علی النقی علیه‌السلام مروی است که فرمودند من از حق سؤال کردم که هرکه باین دعاء دعا کند ناامید نگردد خداوند تعالی دعای او را مستجاب کند: «یا عدّتی دون العُدَد و یا رجائی و المعتمد و یا کهفی و السند یا واحد یا احد یا من هو الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد اسألک بحقّ من خلقته من خلقک و لم تجعل فی خلقک مثلهم احداً أنْ تصلّی علی جماعتهم و أن تفعل بی کذا کذا»(۱۶۱).

طریفة: گویند از حضرت صادق علیه‌السلام مروی است که بعد از نماز بامداد بجهت روزی حلال و دفع بلیّات و آفات بخوانند: «بسم الله الرحمن الرحیم یا رازق المتقین یا ذالقوة المتین یا ولیّ المؤمنین یا دیّان یوم الدین یا أرحم الراحمین یا راحم المساکین اغفرلي و ارحمنی و أغننی من الفقر و صلّی الله علی محمّد و آله اجمعین».

طریفة: گویند از حضرت امیر علیه‌السلام مروی است آنکه بجهت عزّت نزد سلاطین و

(١٤٦)

طریفة: گویند در حل طلق بیک ساعت طریق آن چنین است که درانهٔ اشنان پارسی و خستک کند و تقطیر کند و طلق محلوب را در بوتهٔ گرم کند که سرخ شود و در این آب که تقطیر نموده بریزد در حال حل شود بوقت حاجت بکار برد.

طریفة: فی حدیث المعراج فقال رسول الله ﷺ یا ربّ اعطیت انبیائک فضائل فاعطنی فقال الله تعالی و قد اعطیتک فیهاکلمتین من تحت عرشی:«لا حول و لا قوّة الاّ بالله و لا منجا منک الاّ إلیک»(۱۶۴).

طریفة: گویند تاثیر مجاورت در اناس واضح است اما در جمادات پس آهن را هرگاه زمانی با مغناطیس گذاری طبع آن در او ظاهر خواهد شد و در نباتات هرگاه نارنج سال گذشته راکه در درخت گذارده باشند و خشک و پژمرده شده باشد چند یومی با نارنج تازه مجاورت داده شود سرشار و خرم و شاداب می‌شود و در حیوانات هرگاه حیوان رام ذولولی را با حیوان صعب شریری در یک طویله ببندی بعد از چندی همان حیوان رام شریر و نافرجام می‌گردد بلکه مجاورت اناس با حیوانات نیز مؤثر است چنانکه جمالان چون شتر حلیم و بردبار و قاطرچیان چون قاطر شریر و ناهنجار می‌شوند.

طریفة: گویند بعضی بواسطه تطابق عدد با ده یا دوازده نفوس وقاده او را در اشعار شعرا حمل بر دوستی و ولاء آن اولیاء علیهم‌السلام نموده‌اند فتامل.

طریفة: گویند از مزایای عدد سبعه آن است که در او معانی هر عددی جمع است چنانکه هر عددی یا زوج باشد یا فرد یا فرد و زوج با یکدیگر باشد در عدد سبعه همه اینها موجود است چه زوج یا زوج اول بود یا زوج ثانی و فرد یا فرد اول بود یا فرد ثانی و در سبعه هم زوج اول است و هم زوج ثانی و هم فرد اول است و

www.telasm.com

هم فرد ثانی چون دو و چهار و سه و پنج و اگر فرد اول با زوج ثانی جمع کنی هفت شود و اگر زوج اول با فرد ثانی جمع کنی هم هفت می‌شود.

طریفة: گویند یکی از مزایای عدد هشت آن است که مکعب است زیرا که دو در دو چهار باشد و چهار در دو هشت و هشت نخست عدد مجسم است از آنکه هیچ عددی تا مکعب نشود مجسم نشود چه جسم آن بود که او را طول و عرض و عمق است و هر خطی را دو سر باشد و آن بمنزلهٔ جذر بود چون در عرض زنی چهار شود و چون در عمق زنی هشت شود و این مثال نقطه و خط و سطح باشد.

طریفة: گویند چنانکه حساب نامتناهی است اشکال نیز نامتناهی است و هر یک آیت واحده حقیقه ساریه در کثرت است.

طریفة: گویند ارسطوطالیس در یکی ازکتب خود گوید که بسیار بود که من بنفس خویش خالی شوم و تن را بجای بمانم چنانکه پنداری که جوهر مجردم بی تن و همه چیزهای عالم را دریابم و ذات خویش تنها چیزهای نیکو بدانم و داخل بنفس خویش و خارج موجودات باشم پس بدین سبب دانستم که از عالم علوی شریفم و قطره‌ای از آن دریایم.

طریفة: فی البحار نقلاً عن فقه الرضا قال العالم علیه السلام: فی العسل شفاء من کلّ داء من لعق لعقة عسل علی الریق یقطع البلغم و یکسر الصفراء و یقمع المرة السوداء و یصفوا الذهن و یجود الحفظ اذا کان مع اللبان الذکر و السکر ینفع من کلّ شیء و لا یضرّ من شیء و کذلک الماء المغلی ونروی انّ الثمار اذا ادرکت ففیه الشفاء و اروی عن العالم علیه السلام فی القرآن شفاء من کلّ داء(۱۶۵).

طریفة: فیه ایضاً عنه علیه السلام شرب الماء من الکوزالعانم امان من البرص والجذام(۱۶۶).

طـــریفة: گـــویند دبـــیله تـــصغیر دبـــله بـــمعنای دمـــل کـــبیری است کـــه او را کفگیرک نامند.

طریفة: فیه ایضاً قال من ادمن أکل الزبیب علی الریق رزق الفهم و الحفظ و الذهن و نقص من البلغم(۱۶۷).

طریفة: فی الرسالة المنسوبة الی امیرالمؤمنین علیه‌السلام من کتب ثمان مأة و خسمة ضاداً لیلة السبت و نشب علی خشب الرّمان علی هیئة عَلَم و یفرز فی جدار القبله اری له کلّ ماله عند الناس و من وضعه فی الکتاب العزیز المجید صار مکرّما و لیَکُن ذاکراً لهذین الإسمین و هما «یا مذّل یا نور».

طریفة: قیل قالواکل اسم فیه الطاء مثل اللطیف و الطاهر فالمداومة علیه یجعل القلب ثابتاً علی الطاعة و الرزق واسعاً و من قرأه مأتی مرّة اطاعه کلّ من رآه.

طریفة: قیل فی کتب المشایخ کلّ اسم فیه القاف عدده ۱۸۱ یقرء عند غروب الشمس لحصول العزّة و الاقبال و الجاه و الدولة و ذلک مثل یا قیّوم یا قادر.

طریفة: گویند بجهت کشف ارواح هر اسمی را از اسماءالله تعالی که در او کاف باشد مثل کافی و کریم هزار و پانصد مرتبه بخوانند مؤثر خواهد بود انشاءالله.

طریفة: گویند بجهت زیادت فهم و عقل و حفظ و رفع نسیان هر اسمی راکه در او میم باشد مثل رحیم و رحمن نود مرتبه باید خواند.

طریفة: فی البحار عنه علیه‌السلام فی المرأة التی یستمر بها الدم فتستحاض قال تغسل عند الصلوة احتساباً فإنّه لم تفعله امراة قط احتساباً الآ عوفیت من ذلک(۱۶۸).

طریفة: فیه ایضاً روی انّه إذا عرضت الحمّی لانسان فینبغی أن یداویها بصب الماء علیه فإن لم یسهل ذلک علیه فلیحضر له إناء فیه ماء بارد و یدخل یده فیه(۱۶۹).

طریفة: قیل فی حدیث عمر اذا اقیمت الصلوة ولّی الشیطان و له خبج بالتحریک ای ضراط و یروی بالحاء المهلمة(١٧٠).

طریفة: قیل انّ فی البدن قوی اربع هی الموجبة لفوات السعادات الروحانیه: احدها القوة الخیالیه المودعة فی البطن المقدم من الدماغ و إلیها الإشارة بقوله «من بین ایدیهم» و الثانیة الوهمیة الموضوعة فی البطن المؤخر من الدماغ و الیها الاشارة بقوله تعالی «و من خلفهم» و الثالثة . فی البطن الأیمن من القلب و الیها الا شارة بقوله «و عن أیمانهم» و الرابعة فی البطن الأیسر .... و الیها الإشارة بقوله «و عن شمائلهم» فلذلک خص إتیان الشیطان فی الوسوسات المموهات بهذه الأربع من الجهات فتأمل .

طریفة: گویند گاهی شعراء عجم الف رویْ را اماله کنند و بیاء خوانند مثلاً عماد را عمید خوانند و اگر چنین یائی را با یاء اصلی مثل خورشید مقابل آورند هر آینه از عیوب شعریه خواهد بود.

طریفة: گویند هر گاه نمک را بپارچه سرخی بسته و بر طرف چپ زنان تعلیق کنند باعث سرعت ولادت او گردد انشاءالله تعالی.

طریفة: گویند چون ملح القلی را در سرکه حل کرده عقد کنند و با نوشادر بسایند در نقل معادن بمرتبه اعلی مجرب دانسته‌اند و چون بازای هر سه درهم نوشادر یک عدد زرده تخم مرغ پخته اضافه نموده بآتش برشته بافشردن ، روغن او را بگیرند در عمل رصاص مجرّب شمرداند و الله العالم.

طریفة: طریق عقد محلول در اصطلاح اهل صنعت آن است که آن محلول را در قاروه کنی و سر او را بآهک و سفیده تخم مرغ محکم نمایی و گودی بکنی و آن

قاروره را در گل حکمت بگیری و در آن گودی نهی و اطراف او را بخاک انباشته کنی و اندکی آب بر آن خاک پاشی و پای بر آن خاک نهی چنانکه محکم شود وقاروره نشکند پس بیاری سرگین خشک را در بالای او ریزی بقدر داروئی که در قاروره می‌باشد نه کم و نه زیاد پس آن سرگین را آتش زنی پس بگذاری تا زمانی که آتش تمام شود و سرد گردد پس بیرون آور و تجزیه کن بانکه او را در صفحه تافته از مس یا نقره بریز اگر دود کند ناتمام و الاّ تمام است و الله العالم.

طریفة: گویند ملقمه آن است که روحی را با جسدی بهم آمیزی که یکی شود و آلت این کار سنگ مهره و سنگ صلایه مثل مرمر یا آبگینه یا پشم یا سنگ سماق است که بآنها آن دو را سحق کنی.

طریفة: گویند آلت تشویه قدحی آبگینه می‌باشد دو قدح با یکدیگر ترکیب کرده که در اندرون دو قدح باشد و بآتش نرم مانند خاکستر گرم یا مانند آن تشویه کنند.

طریفة: گویند در عمل قمری تمام بگیرد زرنیخ زرد بغایت نیکو و در کفچهٔ آهنین کند بعد از آن که نیکو سحق کرده باشد پس باتش نرم کرده و روغن کرده پیه در وی افکند تا آنگاه که روغن سیاه شود و او را بریزد و دیگر بروغن کرده پیه در وی افکند تا آنگاه که سفید شود چون سفید شدن کند او را بیرون آورد و بآب نمک بشوید و دیگر باره همان عمل می‌نماید تا زمانی که بغایت سفید و لطیف و قائم گردد و بعد از آن درمی از آن بر پنجاه درم زهره منقی طرح کند نقره در غایت سفید و نرمی باذن الله تعالی بیرون آید.

طریفة: ایضاً در عمل مزبور گویند بگیرد کبریت زرد سندرومی و نیکو نرم صلایه

کند و بروغن زیت بپزد و هرگاه روغن سیاه می‌شود آن را می‌ریزد و دیگر روغن بر آن می‌چکاند و همچنین تکرار می‌کند تا آنگاه که سفید شود درمی از آن بر بیست درم زهره منقی طرح کند قمری گردد سفید بفرمان خداوند تعالی.

طریفة: گویند تنقیه سرب چنان است که سرب را بگدازد و در آبی که شب یمانی حل کرده باشند و گرم باشد بریزد و یک بار در آب ببرد همچنین مکرر کند تا سفید و خوش لطیف شود.

طریفة: ایضاً گویند قمر یک مثقال، قلعی یک مثقال، برادهٔ حدید یک مثقال، این مجموع را بر نه مثقال زهره منقی طرح کند قمر نیکو گردد و تنقیه زهره را با مازوی گیلانی باید کرد و الله العالم.

طریفة: گویند هرگاه کسی بیضهٔ مرغ خورده باشد نباید فصد کند اگر چه یک شبانه روز هم فاصله شده باشد و بسا موجب هلاکت خواهد بود.

طریفة: لا ادری:

داد حق را قابلیّت شرط نیست — بلکه شرط قابلیّت داد اوست

طریفة: گویند جهت دزدیده وگمشده هفت مرتبه یا هفتاد مرتبه بخواند بی‌شک پیدا شود «اصبحت فی جوارالله، امسیت فی امان الله».

طریفة: گویند هرکه در محل غروب آفتاب چهل و یک بار آیة الکرسی را بخواند آنچه از خداوند تعالی بخواهد بیابد انشاءالله تعالی. تمت.